



هیئت معارف جنگ  
شهید سید علی صیاد شیرازی

# تهدید در برابر تهدید (در دریا)

نویسنده: دریادار دوم ستاد عبدالله معنوی رودسری

سرشناسه	: معنوی رودسری، عبدالله، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: تهدید در برابر تهدید (در دریا) / نویسنده عبدالله معنوی رودسری؛ هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.: مصور، جدول، نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۳۷-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۱۵-۱۱۸.
موضوع	: دفاع دریایی -- ایران
موضوع	: Iran -- Sea control
موضوع	: دفاع ملی -- ایران
موضوع	: Iran -- Military readiness
موضوع	: تهدید -- ایران
موضوع	: Threats -- Iran
موضوع	: جنگ نرم -- ایران
موضوع	: *Iran -- Soft war
موضوع	: نیروی دریایی -- ایران
موضوع	: Iran -- Sea-power
شناسه افزوده	: ایران. ارتش. هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ / ۹ت۹م۷۱۶۳
رده بندی دیویی	: ۳۵۹/۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۵۹۷۸۹

## تهدید در برابر تهدید (در دریا)

نویسنده: دریادار دوم ستاد عبدالله معنوی رودسری

نوبت / سال چاپ: اول / ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۳۷-۲

شمارگان: ۱۰۰۰

ناشر: انتشارات ایران سبز

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نامبر: ۲۲۴۸۸۶۵۰ - صندوق پستی ۵۵۴ - ۱۹۵۷۵

کلیه حقوق برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

"از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند."

"جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود."

امام خمینی (ره)

\*\*\*

"می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند."

"دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام<sup>(ع)</sup> در اسفندماه ۱۳۶۷ خطاب به روحانیت سراسر کشور

(در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)

صحیفه امام خمینی<sup>(ع)</sup>، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حسن برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یک‌یک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.
- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشأت گرفته است.
- ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

برای مقابله با دشمنان بلذتی ما چه ارشی، چه سپاهی و چه بچی ید و احده و قدرت واحده بائیم.

«شهید سپید علی صیاد شیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

## همکاران

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

الهه آموزگار

حامد خدمتی

بررسی اولیه و نهایی

حروف نگاری، ویرایش فنی، ادبی

صفحه آرایبی، طرح جلد

## معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه‌ی نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

➤ شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۷۳ تا سال ۷۸ بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. هیئت معارف جنگ از سال ۷۸ تا پایان سال ۹۶ بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب مستند درباره وقایع هشت سال دفاع مقدس منتشر نموده است.

➤ آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی(ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فارابی ارتش ج.ا.ا. به اجرا درآمده و تا پایان سال ۱۳۹۶ بیش از ۲۸ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) نیز به اجرا درآمد.

➤ هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان سال ۱۳۹۶، بیش از ۳۸۳ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

➤ از سال ۱۳۹۰ افسران دوره عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت ۸ ساعت و تا پایان سال ۹۶ تعداد ۷۲۰۰ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند.

➤ از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۶، بیش از ۳۵۰ هزار نفر سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت ۸ ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

## دریاداردوم بازنشسته عبدالله معنوی رودسری

### الف) وضعیت خدمتی

- ✓ ورود به ارتش: ۱۳۴۸ (نیروی دریایی)
- ✓ بازنشستگی: ۱۳۸۰
- ✓ آخرین درجه: دریاداردوم فرماندهی و ستاد
- ✓ محل‌های خدمت: منطقه یکم بندرعباس، منطقه دوم بوشهر، مرکز آموزش انزلی، ستاد نداجا
- ✓ یگان‌های خدمتی: فرمانده دوم و فرمانده ناوهای موشک‌انداز، نیروبر، ناوشکن سبلان، ناو بالگردبر خارک، مرکز آموزش ناوگان، رئیس عملیات و رئیس ستاد منطقه یکم بندرعباس و در پایان معاون عملیات نداجا
- ✓ مدت خدمت در مناطق عملیاتی: هشت سال

### ب) پروژه‌های تحقیقاتی انجام‌شده

- ✓ تحقیق نظری و تدوین ۱۳ فقره کتب راهبردی - عملیات - تاکتیکی جهت نداجا
- ✓ تحقیق صنعتی و طراحی عملیاتی سه فقره سامانه نبرد شناورهای سطحی و زیرسطحی و کنترل تردد دریایی
- ✓ همکاری با صنایع و مؤسسات تحقیقاتی وزارت دفاع، دانشگاه و انجمن علمی فرماندهی و کنترل و همکاری با ستاد کل



## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۹	مشخصات جنگ‌های آینده
۲۳	نیروی مشترک آینده
۲۸	فضای جنگ‌های آینده
۴۷	محتمل‌ترین راهبرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران
۵۷	بازدارندگی دفاعی جمهوری اسلامی ایران
۷۶	اصول نبرد ناهمگون
۸۳	ساختار ستادی و رزمی قرارگاه دریایی در راستای تهدید در برابر تهدید
۱۰۳	نتیجه‌گیری
۱۱۵	منابع



«ما اهل تجاوز به هیچ ملتی و هیچ کشوری نیستیم؛ ما هرگز اقدام به جنگ خونین نمی‌کنیم؛ ملت ایران این را به اثبات رسانده است، اما ما ملتی هستیم که هرگونه تجاوز را، بلکه هرگونه تهدید را، با استواری و با قدرت کامل پاسخ خواهیم داد. ما ملتی نیستیم که بنشینیم تماشا کنیم قدرت‌های پوشالی مادی که از درون کرم‌خورده و موریانه خورده‌ند، ملت استوار و پولادین ایران را تهدید کنند.»

«ما در مقابل تهدید، تهدید می‌کنیم.»

(بیانات فرماندهی معظم کل قوا در دانشگاه افسری امام علی(ع) در سال ۹۰)

## مقدمه

در تلقی عمومی، تهدید به ترساندن، بیم دادن، بیم کردن از کسی یا چیزی گفته می‌شود (معین، ۱۳۷۸، ج ۱: ۸۵۶)، لیکن در مفهوم تخصصی آن، هرگونه فعالیت، رفتار یا وضعیت که برآیند آن تضعیف امنیت و توان دفاعی کشور باشد را تهدید می‌گویند. اما آنچه که مورد نظر می‌باشد، این است که مهم‌ترین مفهوم تهدید، متوجه امنیت ملی و منافع ملی می‌گردد. به عبارت دیگر، تهدید پدیده‌ای است که می‌تواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۶۹).

چون امنیت مفهومی همه‌جانبه بوده و ابعاد گوناگون دارد، تهدیدات امنیتی نیز می‌توانند دارای ماهیت‌های گوناگونی باشند. برخلاف گذشته که گرایش کلی ادبیات امنیت ملی بر ماهیت و بعد نظامی تهدیدات متمرکز بود، امروزه تهدیدات غیرنظامی، اهمیت ویژه‌ای در مسائل مربوط به امنیت پیدا کرده‌اند.

تاکنون تقسیم‌بندی‌های گوناگونی درباره ماهیت تهدیدات امنیتی مطرح شده است. تنوع تقسیم‌بندی‌ها بیشتر به واسطه اختلاف سلیقه و تفاوت حوزه‌های مطالعاتی محققین بوده است تا اختلاف نظر در اصل موضوع. برخی که جنبه نظامی تهدیدات را اصل می‌دانند، تهدیدات را به دو گونه نظامی و غیرنظامی تقسیم کرده‌اند. اما به تازگی تقسیم‌بندی نوینی تحت عنوان (۱) تهدیدات به کلی سیاسی و (۲) تهدیدات کمتر سیاسی مطرح شده است (درویشی سه‌تلانی، ۱۳۷۴: ۱۴۸).

با گسترش هدف‌های اصلی سیاست خارجی، مسائلی همچون جاسوسی، انرژی، منابع و مواد خام، قاچاق، تروریسم، توسعه اقتصادی و... در ردیف مسائل امنیتی قرار گرفته و تهدید نسبت به امنیت ملی مطرح گردیده و از اهمیت نظامی‌گری کاسته شده است.

تهدیدات پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسط مکتب کپنهاک و «بوزان» ارائه شد. در این مکتب، تهدید نظامی توسل به زور در اشکال مختلف یا تهدید به استفاده از زور است که باعث نقض روابط مسالمت‌آمیز سیاسی شده و حتی روابط اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از این تهدید، فشار بر حکومت در مورد سیاستی خاص تا براندازی و واژگونی حکومت، جدایی‌طلبی و بر هم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی است. به عبارت دیگر، تهدید سیاسی هر چیزی را که شناسائی، مشروعیت و اقتدار ایده و نهاد دولت را به خطر اندازد، در بر می‌گیرد.

تهدید اقتصادی از پیچیده‌ترین انواع تهدیدات امنیتی است، چرا که در اقتصاد بازار، مشکلات متعددی مانند محدودیت صادرات، رقابت شدید خارجی، ارز و نرخ بهره، انواع پرداخت دیون و... وجود دارد که در ذات و ماهیت اقتصاد بازار نهفته و ارتباطی به تهدیدات امنیتی ندارند. اما وقتی به امور نظامی و سیاسی گسترش می‌یابند، تأثیرشان بر امنیت روشن شده و تهدید محسوب می‌گردند. در مجموع، هنوز هم تهدیدات نظامی از اهمیت بیشتری در تفکر امنیتی برخوردارند، اما این برتری در کشورهای توسعه‌یافته در حال کاهش است.

انقلاب و نظام جمهوری اسلامی با اتکاء بر مبانی دینی و مردمی، پارادایم نوینی را ایجاد نموده که به اعتراف ناظران، جوشش قدرت نرم آن عمق استراتژیک به پهنای افکار عمومی جهانی به وجود آورده است. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در چهار دهه گذشته، در ابعاد سیاسی و فرهنگی عرصه‌های مختلف محیط پیرامونی، آن را پدیده‌ای شگفتی‌ساز و تحول‌آفرین در جهان نموده است و آن را با فضای پارادوکسیکال، در مواجهه با فرصت‌ها از یک سو و تهدیدها از سوی دیگر مواجهه نموده است؛ لذا شناخت صحیح و بموقع تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی، بویژه تهدیدات نظامی برای رهبران و کارگزاران نظام اسلامی، عامل ارتقاء توانایی‌های لازم برای حفظ و تعمیق اهداف و آرمان‌های انقلاب، بالا بردن

توان امنیت ملی و جلوگیری از شکست‌ها و ناکامی‌ها در عرصه محیط بین‌المللی خواهد بود.

فروپاشی قدرت برّی (شوروی سابق) در سال ۱۹۹۱ باعث از هم پاشیدن نظام دوقطبی و تلاش آمریکا برای ایجاد نظام تک قطبی در جهان و شکل‌گیری تهدیدات جدید علیه ج.ا.ا گردید. گسترش ناتو به شرق، موج بیداری اسلامی و استمرار دشمنی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز محیط امنیتی ج.ا.ا را دستخوش تغییر مداوم و متلاطم نموده و کشور را با تهدیدات جدید مواجه کرده است.

آنچه در این کتاب مورد بحث قرار می‌گیرد، تهدید نظامی آن هم از طریق دریا است، لذا مقوله‌های دیگر تهدید، هرچند بسیار مهم، مد نظر نخواهند بود. البته تهدیدات خارجی نیز وجوه مختلف دارند که برخی از این وجوه عبارتند از:

- جنگ و تهاجم نظامی؛
- الحاق سرزمین کشوری به کشور دیگر؛
- اشغال بدون درگیری؛
- دخالت در امور داخلی کشور دیگر؛
- اقدامات براندازی؛
- بر هم خوردن توازن قوا؛
- جاسوسی و عملیات پنهان سیاسی.

تهدیدات نظامی از آشکارترین انواع تهدیدات به شمار می‌روند، که دارای پیشینه طولانی در تاریخ تحولات جامعه بشری هستند. ویژگی برجسته این دسته از تهدیدات استفاده از زور است، که در ذیل عنوان تخصصی «جنگ و منازعه» از آنها یاد می‌شود. بر این اساس، «تهدید نظامی» به استفاده از زور برای دستیابی به اهداف بازیگر در عرصه سیاست عملی دلالت دارد و در گفتمان سنتی از امنیت، دارای کاربرد بسیاری می‌باشد؛ به گونه‌ای که:

اولاً: امنیت با افزایش توان نظامی فهم می‌شود.

ثانیاً: روابط بین بازیگران به بازی با حاصل جمع صفر تبدیل می‌شود، که در آن تلاشی برای افزایش منافع بدون کاهش در منافع دیگران متصور نیست. ثالثاً: اصل «برای افزایش منافع خود باید به سرکوب دیگران همت گمارد؛ در غیر این صورت، دیگران چنین خواهند کرد» حاکم و معتبر است.

تهدید نظامی، مرکز سنتی نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی است. معمولاً تهدید نظامی می‌تواند همه اجزاء دولت را تهدید کند و ممکن است موجب اختلال یا نابودی نهادها شده و تفکر مربوط به دولت را سرکوب، تخریب یا محو نماید. تدابیر نظامی نه تنها به طور بنیادین بر کارکردهای حفاظتی دولت اثر دارند، بلکه منافع گوناگون اجتماعی و فردی را نیز که پایدارتر از روبناهای دولت هستند، مورد تهدید قرار می‌دهند.

تهدیدات نظامی از آن جهت مهم هستند که تهدیدات دیگر نیز در شرایط حاد همراه با تهدیدات نظامی کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد، که در سایر تهدیدات اینگونه نیست. در این صورت همه عوامل قدرت ملی در راستای مقابله با این نوع تهدید که مستقیم و سریع است، به کار گرفته می‌شوند. برخی عقیده دارند هرچند دیگر تهدیدات نیز باید مورد توجه قرار گیرند، اما آنچه که به عنوان تهدید واقعی و ملموس برای بقاء ارزیابی می‌گردد، تجاوز فیزیکی است که غالباً از طریق شورش، اقدامات تجزیه‌طلبانه، کودتا، سطوح مختلف درگیری نظامی، مداخله نظامی، اشغال کشور و.. صورت می‌گیرد.

«بوزان» نیز ویژگی تهدیدات نظامی نسبت به دیگر تهدیدات را این می‌داند که «اقدام نظامی اغلب همه عناصر تشکیل‌دهنده کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد که در سایر تهدیدات، اینگونه نیست.» (بوزان، ۱۳۸۷: ۱۵۱) علاوه بر موارد یادشده، به نظر می‌رسد عامل دستیابی سریع به نتایج دلخواه در بالا بردن اهمیت تهدید نظامی بی‌تأثیر نیست. تهدید نظامی اشکال مختلفی دارد که هر کدام از آنها نسبت به دیگری با شدت متفاوتی امنیت ملی کشورها را به خطر می‌اندازد. برخی صاحب‌نظران از تهدید نظامی با عنوان تهدید سخت نیز یاد

کرده‌اند. البته بکارگیری نیروی نظامی زمانی به صرفه و صلاح است که منافع حیاتی و یا منافع مهمی از بازیگر به مخاطره افتد.

خشونت‌آمیز بودن روش و سخت‌افزاری بودن پیامد اقدام، دو معیار اصلی تهدیدات نظامی می‌باشند. این تهدیدات اغلب با ابزارها و تجهیزات مرگبار انجام شده و نتیجه آنها چیزی جز تخریب، انهدام، کشتار و وحشت‌آفرینی نیست. تهدیدات نظامی از حداقل ظرفیت‌ها برای اقدام در چهارچوب‌های حقوقی مانند حقوق بین‌الملل یا حقوق شهروندی، عرف جامعه یا قوانین و مقررات از قبیل قوانین ملی یا رژیم‌های بین‌المللی برخوردار می‌باشند. بنابراین، تهدیدات نظامی بیشتر با اجبار و زور سروکار داشته، تهدیدگر طرف مقابل را وادار به انجام کاری کرده یا او را از انجام آن نهی می‌کند.

حوزه عمل تهدیدات نظامی، عملیات نظامی، انتظامی و عملیات پنهان است و سازمان‌های مقابله‌کننده با آنها اغلب نیروهای مسلح، نیروهای مقاومت مردمی، پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی می‌باشند. در این نوع تهدید، بازیگر تهدیدگر یا فاعل تهدید مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری تهدید است. بنابراین، بدون وجود دولت‌ها، سازمان‌ها یا افراد تهدیدگر، امکان شکل‌گیری تهدیدات نظامی نزد تهدیدشونده به شدت کاهش می‌یابد. به عنوان مثال، تصور درک تهدید حمله همه‌جانبه نظامی بدون اقدامات و فعالیت‌های تهدیدگر تقریباً غیرممکن است و بایستی برخی اقدامات و فعالیت‌های تا حدودی روشن از سوی تهدیدگر در تدارک حمله همه‌جانبه نظامی وجود داشته باشد، تا امکان درک تهدید جنگ برای تهدیدشونده حاصل آید.

مسئله اصلی تهدیدات، بویژه تهدیدات نظامی، این است که چه موقعی به یک موضوع امنیتی تبدیل گشته و میزان جدی بودن آنها چقدر است، یا به عبارتی، چه موقعی عملی می‌شوند. «بوزان» معتقد است عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارتند از: مشخص بودن هویت آن، قریب‌الوقوع بودن (بُعد زمانی)، نزدیکی آن از لحاظ فاصله (بُعد مکانی)، میزان شدت، عواقب احتمالی آن و اینکه آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث تقویت آن تهدیدات می‌شوند یا خیر؛ چنانچه از

سایر نظرات وضعیت مساوی وجود داشته باشد، هر قدر تهدید جدی تر باشد، استناد به امنیت ملی برای واکنش در برابر آن مشروع تر خواهد بود (همان: ۱۵۹).

### جمع بندی

تهدیدات نظامی از آشکارترین انواع تهدیداتند که دارای پیشینه طولانی در تاریخ تحولات بشری می باشند. ویژگی برجسته این دسته از تهدیدات، استفاده از زور است که ذیل عنوان تخصصی «منازعه و جنگ» از آن یاد می شود. این تهدیدات در کلیه مکاتب، دارای حساسیت و اهمیت بالایی می باشند، به گونه ای که اتصاف یک تهدید به وصف نظامی، ارزش و حساسیت آن را در مقام هزینه کرد و مدیریت افزایش می دهد. در رابطه با تهدیدات، می توان گفت:

- تهدیدات نظامی در پرتو تحولات نظامی فناوری های دهه های اخیر، آشکال غیرمتمعارفی یافته اند، که موضوع مطالعات مستقلى در حوزه جنگ و نظامی گری هستند.

- گسترش حوزه بازیگرانی که موضوع تهدید نظامی هستند، منجر به کاهش ضریب کارایی تهدید از نظر ایجاد انسجام در کشورهای هدف می شود.

- اشتیاق و گرایش کشورها به حفظ مزیت نظامیشان در شبکه روابط قدرت منجر به ایجاد احساس تهدید نزد سایر بازیگران می گردد.

- هر تلاشی برای افزایش توان نظامی به منظور تهدید دیگران، منجر به بروز واکنش مشابهی در دیگر کشورها و در نتیجه، پیدایش معمای امنیت می شود.

- فضای آنارشیک حاکم بر نظام بین الملل، زمینه تکوین، ظهور و توسعه تهدیدات نظامی را مساعد می سازد.

- در دوران پس از جنگ سرد، وجود عواملی چون نقش رهبری، هویت های قومی، نژادی، مذهبی و محرومیت ها و نابرابری ها به تقویت زمینه ظهور تهدیدات نظامی کمک کرده است.

- انقلاب در امور نظامی، به افزایش میزان حساسیت و خطر ناشی از تهدیدات نظامی کمک کرده است.



- با عنایت به تبدیل طرفین منازعات به پیروان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، چنین به نظر می‌رسد که ماهیت سیاسی تهدیدات نظامی در حال تغییر و تبدیل به ماهیتی فرهنگی است.

- تهدیدات نظامی از حالت دوجانبه در حال تبدیل شدن به صورت چندجانبه، متأثر از فرایند فرهنگی شدنشان می‌باشند.

- سهم عناصر فرهنگی در تهدیدات نظامی در حال افزایش است.

- عدم تمرکز در قدرت نظامی به توسعه کانون‌های مولد تهدید نظامی کمک می‌کند.

- وابستگی نظامی به کشورهای دیگر به معنای بروز ضعف ساختاری در این کشورها در مقابل دسته خاصی از تهدیدات نظامی است، که به نوعی از ناحیه این کشورها حمایت یا تولید می‌شوند.

- اگرچه اولویت برخورد با تهدیدات نظامی انکارناپذیر است، اما توجه مستمر به این دسته از تهدیدات، بویژه حالات احتمالی، به هزینه‌کرد منافع کشور در حوزه نظامی‌گری و بروز ضعف عمومی در کشور منجر خواهد شد.

- بین میزان وضوح تهدیدات نظامی و رضایت عمومی از هزینه‌کرد امکانات ملی در زمینه نظامی‌گری رابطه مستقیم وجود دارد. به این معنا که تهدیدات آشکار راحت‌تر اجماع مورد نظر را در میان نخبگان ایجاد می‌کنند.

حوزه عمل تهدیدات نظامی، عملیات نظامی، انتظامی و عملیات پنهان است و سازمان‌های مقابله‌کننده با آنها اغلب نیروهای مسلح، نیروهای مقاومت مردمی، پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی می‌باشند. در این نوع تهدید، بازیگر تهدیدگر یا فاعل تهدید مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری تهدید است. بنابراین، بدون وجود دولت‌ها، سازمان‌ها یا افراد تهدیدگر، امکان شکل‌گیری تهدیدات نظامی نزد تهدیدشونده به شدت کاهش می‌یابد.

تهدیدات نظامی از آن جهت مهم هستند که تهدیدات دیگر نیز در شرایط حاد به این نوع تهدید منتهی شده و همه عوامل قدرت ملی در راستای مقابله با این نوع تهدید که مستقیم و سریع است، به کار گرفته می‌شوند. مسئله اصلی

تهدیدات نظامی این است که میزان جدی بودن آنها چقدر است و به عبارتی، چه موقع عملی می‌شوند.

«بوزان» معتقد است عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارتند از: مشخص بودن هویت آن، قریب‌الوقوع بودن (فوریت زمانی)، نزدیکی آن از لحاظ فاصله (نزدیکی مکان)، میزان شدت، عواقب احتمالی آن (گستره اثر) و اینکه آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث تقویت تهدید می‌شوند یا خیر.

چنانچه از سایر نظرات وضعیت مساوی وجود داشته باشد، هر قدر تهدید جدی‌تر باشد، استناد به امنیت ملی برای واکنش در برابر آن مشروع‌تر خواهد بود. در هر صورت، مسئله اصلی تهدیدات، بویژه تهدیدات نظامی، این است که چه موقعی به یک موضوع امنیتی تبدیل گشته و میزان جدی بودن آنها چقدر است و چه موقعی عملی می‌شوند.

## مشخصات جنگ‌های آینده

با بررسی آثار و دیدگاه‌های برخی از نظریه‌پردازان نظامی غرب و رهنامه نظامی آمریکا، می‌توان مشخصات زیادی برای جنگ‌های آینده استخراج نمود، که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

### • عملیات سریع و قاطع

با توجه به گسترش ابزارهای اطلاع‌رسانی جهانی، تلفات و ضایعات ناشی از جنگ به وسیله رسانه‌های مختلف به سرعت اطلاع‌رسانی می‌شود، که تأثیر شگرفی بر آستانه تحمل ملت‌ها دارد، لذا استعمارگران بر این عقیده‌اند که با انجام مانوری با قدرت و سرعت تمام، جنگ را در حداقل زمان ممکن به پایان برسانند. آمریکایی‌ها و همپیمانان غربی آن به منظور کاهش تلفات و کاهش هزینه و ملاحظه آستانه تحمل ملت‌ها رهنامه نظامی خود را عملیات سریع و قاطع تعریف کرده‌اند، تا به آن وسیله، شوک اولیه را که کلید اصلی موفقیت و دستیابی به اهداف سیاسی جنگ است، به طرف مقابل تحمیل نمایند، تا ضمن مدیریت زمان، فرصت اعمال تدبیر بموقع را از طرف مقابل بگیرند.

### • راه‌اندازی ائتلاف و انجام عملیات مرکب

بررسی و تحلیل اطلاعات نظامی نشان می‌دهد که آماده‌سازی افکار عمومی قبل از آغاز عملیات، بخشی از اقدامات جنگ روانی آمریکا و متحدانش است. در این راستا، آنها همواره سعی دارند که در قالب ائتلاف، برای توجیه کردن اقدامات تجاوزگرانه خود اقدام به تجاوز کرده و عملیات را به گونه مرکب انجام دهند. بدیهی است آمریکایی‌ها با توجه به توانایی‌هایی که در هدایت و کنترل فرماندهی

با تکیه بر فناوری‌های مختلف دارند، بیشتر در کلیه عملیات‌های مرکب هم مسئولیت کنترل و هدایت نیروهای سایر کشورها را نیز خواهند پذیرفت، مگر در بخش‌هایی که کمتر اهمیت داشته است.

#### • انجام عملیات تأثیر محور یا مبتنی بر تأثیر

بررسی آثار و دیدگاه‌های برخی از نظریه‌پردازان نظامی غرب و رهنامه نظامی آمریکا، نشانگر آن است که آنان در جنگ‌های آینده، همواره به دنبال عملیات تأثیرمحور خواهند بود. عملیات تأثیرمحور یعنی پرهیز از تخریب اهداف جانبی و تکیه بر انجام عملیاتی که تأثیر قطعی و مؤثر در سرنوشت جنگ دارد. چه بسا که یک اقدام تاکتیکی یا انهدام یک هدف کوچک تأثیر راهبردی در سرنوشت جنگ داشته باشد.

#### • سینرژی یا هم‌افزایی قدرت

یکی دیگر از مشخصات جنگ‌های آینده از نظر غرب، سینرژی یا هم‌افزایی قدرت است، یعنی به کار بردن همه عناصر قدرت در یک زمان فشرده و کوتاه به منظور وارد آوردن شوک لحظه‌ای و بی‌تعادل ساختن سیستم. در جنگ‌های آینده، فرماندهان و رهبران در همه سطوح به طور همزمان درگیر می‌شوند و سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی بر هم منطبق است.

#### • انجام عملیات غیرخطی

مطالعات نشان می‌دهد که آمریکا و متحدانش به احتمال زیاد در جنگ‌های آینده یگان‌های خود را در مجاورت هم، در امتداد یک خط آرایش نخواهند داد و به همان سبک و قواعد سنتی حرکت نخواهند کرد و از چنین شیوه‌هایی اجتناب خواهند کرد؛ لذا درصدد هستند که محیطی غیرخطی ایجاد کنند. این محیط غیرخطی به دو مفهوم است: (معنوی، ۱۳۹۷)

- غیرخطی بودن به معنی غیرقابل پیش‌بینی بودن
- غیرخطی به معنی اجتناب از خطوط مشخص

اجتناب از خطوط مشخص، یعنی پرهیز از انجام مانورهای جبهه‌ای و عدم موازی‌سازی آرایش و گسترش یگان‌ها. یعنی دشمن به جای عملیات جبهه‌ای از

عملیات سطحی یا مستقیم استفاده خواهد کرد؛ به عبارتی، به جای اینکه روی یک خط عملیات انجام دهد، در سطح عملیات انجام خواهد داد. عملیات‌های احاطه قائم یا عملیات‌های نفوذی عمیق انجام خواهد داد، محیط‌های عملیاتی ناپیوسته ایجاد می‌کند و از راه هوارد و هلی‌برن نفوذهایی عمیق و عمده انجام خواهد داد.

#### • بکارگیری نیروهای ویژه

نیروهای عملیاتی ویژه که دارای قابلیت‌های چشمگیری در زمینه استقرار سریع و بموقع در مواضع مورد نظر و انجام عملیات‌های قاطع و کوبنده هستند، واحدهای عملیاتی ویژه نیروهای معمولی را تقویت کرده و اثرات عملیات انجام‌شده به وسیله آنها را تا حد زیادی افزایش خواهند داد. این نیروها می‌توانند در شرایطی که به یک نیروی بسیار متخصص و در عین حال کوچک و کم‌حجم نیاز است، به صورت مستقل به کار روند. نیروهای ویژه این امکان را برای فرماندهان نظامی فراهم می‌آورند تا از انجام عملیات‌هایی که قسمت بزرگ نیروی تحت فرماندهی آنها را تهدید می‌کنند، اجتناب و آنها را به نیروهای عملیات‌های ویژه واگذار کنند.

#### • ارزیابی همه‌جانبه اطلاعاتی

مطالعات نشانگر آن است که نیروهای مسلح آمریکا به این باور رسیده‌اند که جنگیدن در سرزمین دشمن با تکیه بر اطلاعات رزمی، که در گذشته به عنوان اطلاعات لازم برای نبرد مطرح می‌گردید، عملی نیست، بلکه نیازمند اطلاعات جامع و دقیقی از دشمن و صحنه نبرد، از جمله وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است.

این اطلاعات بیشتر در حوزه فعالیت جمع‌آوری سازمان‌های اطلاعات نظامی قرار ندارد، بلکه دسترسی به آنها مستلزم فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی غیرنظامی است. به همین منظور، این سرویس‌ها در یک کمیته مشترک اطلاعاتی با ارتش آمریکا، نیازمندی‌های اطلاعاتی ارتش از منطقه نبرد و کشور هدف را تأمین و ارائه می‌کنند.

علاوه بر توسعه حوزه و ابعاد اطلاعاتی به لحاظ کمی با تکیه بر فناوری اطلاعات، نیازمندی‌های اطلاعات نظامی خود بویژه آرایش و محل استقرار نیروها و مواضع دشمن را به دست می‌آورد و بر اساس آنها، به طرح‌ریزی دقیق عملیاتی دست می‌زنند و با برتری اطلاعاتی، کلیه طرح‌های پدافندی نیروی مقابل را شبیه‌سازی و ارزیابی می‌کند، سپس عملیات را اجرا خواهد کرد.

#### • درگیری همزمان در سطوح سه‌گانه

درگیری همزمان در سطوح سه‌گانه بدین معناست که نباید در جنگ‌های آینده منتظر حمله دشمن از مناطق مقدم نبرد باشیم، بلکه دشمن ابتدا به سراغ اهدافی در عمق کشور می‌رود و جنگ را از عمق شروع می‌کند (حمله به اهداف راهبردی)، سپس جنگ را به سطوح عملیاتی و تاکتیکی گسترش می‌دهد؛ یا اینکه دشمن با توجه به رهنامه عملیاتی عمیق مبتنی بر بمباران‌های راهبردی همراه با انجام مانورهای احاطه قائم، محیط‌های غیرخطی ایجاد می‌کند.

#### • انجام عملیات پیشدستانه

مطالعات انجام‌شده درباره نبردها نشان می‌دهد که در زمان جنگ سرد، رهنامه نظامی آمریکا بر مبنای بازدارندگی بود. پس از آن، محیط امنیتی جدیدی به وجود آمد که از نظر ماهیت تهدیدات علیه آمریکا با محیط دوران جنگ سرد بسیار متفاوت بود. نمونه عینی آن در عملیات یازدهم سپتامبر به وقوع پیوست. متقابلاً رهنامه عملیات پیشدستانه توسط آمریکا جایگزین رهنامه مبتنی بر بازدارندگی گردید. رهنامه عملیات پیشدستانه مبتنی بر حمله به دشمنانی است (به زعم آمریکایی‌ها) که به شیوه‌های نامتقارن و غافلگیرکننده خواهند جنگید. بر اساس این رهنامه، آمریکایی‌ها معتقدند نباید منتظر بود تا اینگونه دشمنان به گونه‌ای نیرومند شوند که جرئت انجام عملیات علیه منافع آمریکا را پیدا کنند، بلکه باید با انجام عملیات پیشدستانه، نسبت به انهدام و نابودی آنان اقدام کرد. اهداف کلی این رهنامه به شرح زیر است:

- حراست از آمریکا در مقابل تهدیداتی که در خارج از کشور به وسیله بازیگران نامتقارن صورت خواهد گرفت؛

- بیرون کشاندن دشمنان بالقوه از پناهگاه‌ها و تحقق گام‌های مربوط، به منظور انهدام و جلوگیری از انجام عملیات آنان علیه آمریکایی‌ها، نیروی نظامی یا منافع آمریکا.

#### • **استمرار عملیات تحت هر شرایطی در هر زمانی و مکانی به صورت ناپیوسته و نامتناوب**

غالب نظریه‌پردازان غرب و آمریکایی‌ها اعتقاد دارند با داشتن تحرک بالا، تجهیز یگان‌های نظامی به فناوری‌های نوین، قدرت آتش اطمینان‌بخش، چابک و چالاک کردن یگان‌ها قادر خواهند بود به منظور کوتاه کردن دوره عملیات، تحت هر شرایطی یا در هر زمان و مکانی تک کنند، هرچند عملیات‌ها از نظر مکانی با هم پیوستگی نداشته باشند.

#### • **توسعه صحنه نبرد و نفوذ بر عمق هدف**

یکی دیگر از مشخصات جنگ‌های آینده از نظر صاحب‌نظرات نظامی غرب، توسعه صحنه نبرد و نفوذ بر عمق هدف است. این رهنامه مبتنی بر برتری اطلاعاتی، برتری هوایی، قدرت آتش، تحرک و بهره‌مندی از فناوری نوین در عرصه‌های مختلف است و با توجه به قابلیت‌های عنوان شده، اقدام در راستای این رهنامه، توسعه صحنه نبرد را در پهنه‌ای بسیار وسیع‌تر ممکن می‌کند و موجب می‌شود نیروهای پدافندکننده در گستره طولانی پراکنده شوند و در سازمانه پدافندی و هدایت عملیات طرف مقابل اختلال به وجود آید.

#### • **تکیه بر عملیات روانی**

از آنجا که جنگ آینده جنگ غلبه تصمیم تعریف شده است، لذا عملیات روانی بخش جدانشدنی و بسیار بااهمیت در جنگ‌های آینده و از ویژگی‌های آن خواهد بود. انجام عملیات روانی در سطوح سه‌گانه راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی قبل از آغاز تهاجم، ضمن نبرد و پس از آن صورت می‌گیرد. در جنگ‌های آینده، عملیات روانی به عنوان سلاح تأثیرگذار جنگ، که هدف آن تسخیر اذهان جامعه هدف به منظور سرعت بخشیدن به پیروزی و دستیابی سریع به اهداف جنگ است، بسیار مورد توجه خواهد بود.

- **حمله به مراکز ثقل**

مطالعات نشانگر آن است که در جنگ‌های آینده، دشمن عملیات را از هدف‌های عمیق و راهبردی آغاز می‌کند و مراکز ثقل را مورد هدف قرار می‌دهد. منظور از مراکز ثقل مرکزی است که حمله و انهدام آنها برابر نظریه جان واردن بر روند تغییر در سیاست‌های راهبردی طرف مقابل مؤثر است، به گونه‌ای که دستیابی به اهداف جنگ را شتاب می‌بخشد.

- **آفند مسطح و تاکتیک عملیات موزائیکی**

دشمن در جنگ آینده از آفندهای مسطح (سطحی) حجمی، فضایی یا سه‌بعدی و همچنین، تاکتیک عملیات موزائیکی به جای عملیات‌های آفندی خطی استفاده می‌کند. دشمن با استفاده از محورهای مواصلاتی جاده‌ای و با بهره‌براری از واحدهای پرتحرک (متحرک زمینی و متحرک هوایی) و با برقراری پوشش هوایی، پیشروی خواهد کرد.

تاکتیک عملیات موزائیکی نوعی عملیات است که در آن، سرزمین دشمن به بلوک‌های با طول و عرض معینی تقسیم می‌شود و در هر یک از بلوک‌ها، نبردی مستقل توسط نیروی مشترک هوایی و زمینی انجام می‌شود. اشغال عراق توسط آمریکا تاکتیک منحصربفردی بود که عملیات موزائیکی در آن اجرا گردید (طحانی و داناپوسی، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

- **تهاجم هوایی و موشکی دقیق**

تهاجم هوایی و موشکی دقیق یکی از ویژگی‌های جنگ‌های آینده است. در این نوع حملات، از تعداد موشک‌ها و هواپیماهای کمتری نسبت به حملات گسترده در فازهای طولانی استفاده می‌شود، ولی با وجود استفاده از تعداد هواپیمای کمتر، اثربخشی آن در ناتوان‌سازی طولانی‌مدت طرف مقابل به دلیل انتخاب اهداف حیاتی و هدفگیری دقیق بیشتر است. قدرت هوایی می‌تواند آتش زیادی را روی دشمن بریزد، ولی این عمل پرهزینه است و تداوم آن مشکل خواهد بود.

هدف قرار دادن یک هدف بی‌اهمیت یا بمبی که باید کیلومترها جابه‌جا شود، هزینه زیادی دارد. در سناریوی فلج‌سازی راهبردی، فرض می‌شود که هر کشور



مراکزی دارد که نسبت به بقیه مهم‌تر است و برای توانمندسازی آن کشور در راستای آغاز و تداوم جنگ اهمیت زیادی خواهد داشت.

متجاوز اعتقاد دارد چون تخریب این اهداف، که در حقیقت منابع ارزشمند ملی نیز هستند، می‌تواند طرف مقابل را فلج سازد، از اینرو باید منابع قدرت هوایی را تنها روی همان اهداف متمرکز کرد.

از دیدگاه برخی نظریه‌پردازان غربی اهداف حساس و حیاتی هر کشور عبارت است از:

- رهبری ملی
- صنایع حیاتی و زیربنایی
- نیروهای مسلح
- جمعیت غیرنظامی (اراده ملی)
- شبکه حمل و نقل
- منابع ارتباطی و مخابراتی و زیرساخت‌های آن

این اهداف از اینرو اهمیت دارند که به عنوان پایه‌های قدرت کشورها شناخته شده و به همین دلیل، می‌توانند به عنوان اهداف لازم برای شکست در نظر گرفته شوند.

حملات هوایی و موشکی در جنگ‌های آینده با بهره‌گیری از تجهیزات پیشرفته زیر صورت می‌گیرد:

- ماهواره‌ها (ماهواره‌های دورسنج و ماهواره‌های مکان‌یاب).
- هواپیماهای با سرنشین و بدون سرنشین (دارای سامانه جمع‌آوری اطلاعات اپتیکی، حرارتی)
- سامانه‌های موشکی شامل: موشک‌های کروز و بالستیک زمین‌پایه، دریایایه و هواپایه و موشک‌های هوا به سطح برد بلند.
- تهدیدات هوایی (هواپیمای بمب‌افکن راهبردی، هواپیماهای پشتیبانی دور هوایی، هواپیماهای جنگ الکترونیک دور ایستا و هواپیماهای بدون سرنشین هجومی با توان فرود بر روی باند زمینی و بر روی ناو هواپیمابر).

- عملیات متحرک هوایی.
- لیزرهای توان بالا.
- بمب‌های گرافیتی پودری و رشته‌ای.
- بمب الکترومغناطیسی.

#### • مدیریت زمان

غربی‌ها تأکید دارند تا جایی که ممکن است طول دوره جنگ در آینده کوتاه شود. بنابراین، مدیریت زمان برای آنان اهمیت زیادی دارد. هر طرفی که توانست زمان را بهتر مدیریت کند، برنده جنگ خواهد بود یا نتیجه بهتری از جنگ خواهد گرفت.

#### • تلاش در راستای کاهش هزینه‌های جنگ

بحث هزینه‌های جنگ که بالطبع موجب توجه دشمنان به بودجه‌های دفاعی می‌شود، بسیار مهم است؛ زیرا اختصاص بودجه و اعتبارات بیشتر به بحث جنگ، مترادف کسر کردن بودجه سایر بخش‌های اجتماعی و در مجموع، حیات سیاسی یک نظام خواهد بود. از اینرو، طولانی یا پیچیده شدن سرنوشت جنگ اقداماتی پیاپی و قاطع را طلب می‌کند که یکی از این اقدامات اختصاص بودجه و اعتبار مضاعف برای برون‌رفت از وضعیت ایجاد شده است.

#### • تأکید بر عملیات سایبری و مجازی‌سازی جنگ

عملیات سایبری اشکال متعددی داشته و از انواع فناوری‌های پیشرفته بهره می‌جوید. سامانه سلاح‌های هوشمند، ماهواره‌های جاسوسی، پرنده‌های بدون سرنشین با مداومت پرواز بالا و فناوری موقعیت‌یاب جهانی نمونه‌هایی از فناوری‌های مورد استفاده در عملیات سایبری هستند. در آینده، فضای سایبرنتیکی نقش مهم‌تری در مجازی‌سازی فضای جنگ با اثرگذاری بر افکار عمومی با تحریک دشمن علیه کشور مورد نظر خواهد گذاشت مجازی‌سازی جنگ میدان نبرد را به گستردگی ذهن همه مخاطبان گسترش می‌دهد.

### • مدیریت آستانه تحمل ملتها

در آینده، با گسترش هرچه بیشتر فناوری‌های اطلاعاتی و سیستم‌های اطلاع‌رسانی همگانی، مسئله اطلاع‌رسانی بسیار آسان خواهد شد. همین پدیده، یعنی آگاهی از اخبار و اطلاعات جنگ، تأثیر بسزایی بر آستانه تحمل ملتها خواهد داشت. دیدن صحنه‌های فجیع کشتار نظامیان، تخریب شهرها و زیرساخت‌ها و... در کم کردن و تنگ کردن آستانه تحمل ملتها مؤثر است. از اینرو، استعمارگران سعی بر این دارند که با بکارگیری تمام منابع قدرت ملی خود در محیط جنگ آینده ظاهر شوند تا بتوانند آستانه تحمل ملتها را مدیریت کنند.

### • تغییر در نوع مانور

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در جنگ‌های آینده کمتر شاهد مانورهای جبهه‌ای خواهیم بود؛ چرا که تأکید و مرکز ثقل توجه دشمن به مانور احاطه قائم، به منظور توسعه وضعیت در عمق خواهد بود. نقطه بارز و بسیار مهم در بحث مانور در جنگ‌های آینده این است که حلقه‌های عملیات به همدیگر پیوسته نیستند. دشمن در حالی که تلاش دارد پیوستگی کلیت عملیات‌ها را حفظ کند و اجرای عملیات در هر زمان و مکان و تحت هر شرایطی را تداوم بخشد، اما به هیچ عنوان عملیات‌ها به همدیگر پیوسته نیست.

### • تکیه بر ابزارهای الکترونیکی و مخابراتی و پرداختن به جنگ الکترونیک

دشمنان از این ابزارها در جهت کشف، متوقف کردن و خنثی کردن ابزارهای الکترونیکی مخابراتی، راداری و سامانه‌های الکتروپتیکی طرف مقابل استفاده می‌کنند. جنگ الکترونیک شامل شنود، جهت‌یابی رادیویی، اختلال، فریب الکترونیک و انهدام سامانه‌های راداری، ارتباطی، ناوبری و الکتروپتیکی دشمن و جلوگیری از اقدام مشابه توسط دشمن است. فرمانده و ستاد در گام سوم طرح‌ریزی در هنگام تهیه برآورد وضعیت عملیاتی، پس از آتش و رزمایش، به جنگ الکترونیک خواهد پرداخت.

### • رویکرد شبکه‌محوری به جنگ

رویکرد شبکه‌محوری به جنگ به عنوان یک عنصر برتر و ویژگی نمادین در جنگ‌های آینده مد نظر قرار دارد. یک نیروی شبکه‌ای منسجم کیفیت به اشتراک‌گذاری همگانی اطلاعات را بهبود می‌بخشد که موجب بهبود بقاپذیری و سرعت فرماندهی و سرانجام موجب افزایش شگفت‌انگیز اثربخشی مأموریت می‌شود. در نهایت، باید گفت که رویکرد شبکه‌محور خلق یک برتری در جنگ است (همان).

### • بکارگیری تاکتیک ناهمپراز، ناهمگون و یا نامتقارن در جنگ‌های آینده

جنگ ناهمپراز، ناهمگون و نامتقارن پدیده جدیدی نیست و از دیرباز در عملیات و جنگ‌ها وجود داشته است. به عنوان مثال، ایرانیان پارسی با بکارگیری سواران کماندار و بسیار چابک، رومیان با بکارگیری نیزه‌های بلند و مغولان با حملات برق‌آسا نبردهای خود را در قواره ناهمپراز اداره می‌کردند (سعادت‌راد، ۱۳۸۹: ۹۰). اما آنچه جدید است، تاکتیک ناهمپراز است؛ به عبارت دیگر، روز به روز تبلور و شکوفایی جنگ‌های ناهمپراز در جنگ‌های آینده بیشتر نمایان می‌شود و دامنه آن گسترده‌تر خواهد شد.

آمریکایی‌ها چرخه کنش و واکنش میان تهدیدات و فرصت‌های خود را به نفع خود می‌دانند، چون مادام در حال ارزیابی تهدیدات و ایجاد فرصت‌هایی برای حمله و اعمال رویکردهای ناهمپراز خود، حداقل در حوزه روانشناختی هستند (رحمان‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۷). از طرفی، امکان بکارگیری تاکتیک ناهمپراز توسط کشورهای مدافع در مقابل آمریکا در آینده بیشتر خواهد شد.

### • مد نظر قرار دادن ابعاد و جنبه‌های مختلف جنگ نرم

یکی از مشخصات دیگر جنگ‌های آینده مد نظر قرار دادن ابعاد و جنبه‌های مختلف جنگ نرم است. در واقع، جنگ نرم تلاش برنامه‌ریزی شده برای استفاده از ابزارها و روش‌های تبلیغی، رسانه‌ای، سیاسی و روانشناختی، برای تأثیر نهادن بر حکومت‌ها، گروه‌ها و مردم کشورهای مقابل به منظور تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و فناوری‌های آنان است؛ به عبارتی، جنگ نرم به استفاده یک کشور از قدرت نرم

برای دستکاری افکار عمومی کشور، آماج و تغییر ترجیحات، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی آنان گفته می‌شود (عسگری، ۱۳۹۰: ۴۹۱).

#### • استفاده از توانمندی‌های پهپاد

هواپیماهای بدون سرنشین (پهپاد) از جمله تجهیزات پیشرفته‌ای هستند که جایگاه ویژه‌ای در جنگ‌های آینده دارند. پهپادها با استفاده از جثه کوچک، سرعت و قدرت ماور بالا و خاصیت پنهان‌کاری (رادارگریزی) می‌توانند در عملیات نفوذ، جاسوسی، مراقبت و توقف دفاع هوایی طرف استفاده شوند. همچنین، آنها در کار نظارت بر تحرکات دشمن، جمع‌آوری اطلاعات و ارسال آن به مراکز فرماندهی کاربرد دارند و از نظر فنی، در برنامه‌های عملیاتی فرماندهان در میداین نبرد قابل استفاده هستند. همچنین، قادرند تمام نیازهای عملیاتی را برآورده کنند. علاوه بر وظایف بالا، نقش پهپادها در آینده شامل جنگ الکترونیک، حمله زمینی، فریب و سرکوبی دفاع هوایی دشمن خواهد بود (شکوهی، ۱۳۸۹: ۱۶).

#### • انتخاب راهبرد آمادی بر مبنای پشتیبانی متمرکز

پشتیبانی متمرکز آمیخته‌ای از فناوری اطلاعات در کار آماد و حمل و نقل است. به گونه‌ای که در تمام سطح جنگ بتواند عملیات آفندی را پشتیبانی کند. پشتیبانی متمرکز امکان تحرک‌پذیری بیشتر و پراکندگی سریع‌تر را برای نیروها فراهم می‌آورد. اصل پشتیبانی متمرکز برآیند تجارب هشت سال جنگ تحمیلی و جنگ‌های اخیر منطقه است. پشتیبانی مداوم با سرعت بالا از عملیات آفندی مستلزم استقرار تجهیزات و اهتمام آمادی کافی در محل‌های کلیدی و از پیش تعیین‌شده است.

#### • برتری همه‌جانبه

برتری همه‌جانبه از دیدگاه آمریکا یعنی شکست دادن هر دشمن یا کنترل هر وضعیتی از طریق طیف کاملی از عملیات‌های نظامی. برتری همه‌جانبه بر توانایی حس سریع‌تر، درک سریع‌تر، تصمیم‌گیری سریع‌تر و اقدام سریع‌تر نسبت به دشمن در هر وضعیتی استوار است. مقدم بر این اقدامات تصمیماتی قرار دارند که خود ناشی از درک بهتر فضای جنگ هستند. این امر به فرماندهان اجازه

می‌دهد که به طور همزمان یا متوالی، جهت دستیابی به هدف نهایی، با کمترین هزینه مالی و جانی اقدام کنند.

نیروی مشترک به منظور رسیدن به برتری همه‌جانبه، رویکرد توانمندی محور را دنبال خواهد کرد که بیش از آنکه متوجه نام دشمنان و مکان مورد منازعه و درگیری باشد، بر شکست طیف گسترده‌ای از توانمندی‌های احتمالی مورد استفاده دشمن متمرکز است.

برتری همه‌جانبه بر انطباق‌پذیری، توازن توانمندی‌ها و مدیریت مخاطره و ریسک در یک دیدگاه جهانی (گزارش سفید، ۲۰۰۳)، جهت حفاظت از کشور، بازداشتن و جلوگیری از جنگ و حمله غافلگیرانه و غلبه یافتن بر تمامی دشمنان تأکید دارد (راهبرد نظامی، ۲۰۰۳).

در این رویکرد و در برابر محیط امنیتی پیشرو، یک دیدگاه جدید در مورد فضای نبرد برای عملیات‌های نظامی آینده ظاهر می‌شود. یک نیروی مشترک انطباق‌پذیر برای انجام مأموریت‌های تعیین‌شده باید قادر به انجام عملیات سریع، جهانی، توزیع‌شده (گزارش سفید، ۲۱)، همزمان و متوالی باشد.

نیروی مشترک برای انجام عملیات‌های فوق باید قادر به اعمال فشار مداوم (همان، ۳۴) بر دشمن، کنترل شتاب عملیات و توسعه و بهره‌برداری از فرصت‌ها با سرعتی بیشتر از توان انطباق‌پذیری دشمن باشد. این استمرار در عملیات نیازمند اجرای غیرمتمرکز است که در آن، توانمندی‌های مشترک سازماندهی شده در رده‌های پایین‌تر به طور افزایش‌دهنده‌ای به کار گرفته می‌شوند.

نیروی مشترک جهت رسیدن به این اهداف عملیات آینده، اقدام به تهیه فناوری‌های لازم جهت ارائه اطلاعات عملیاتی دقیق و منسجم در تمام سطح جنگ به منظور تسهیل در برتری تصمیم‌گیری خواهد کرد. این امر نیازمند یک فضای جنگ منفرد و شبکه‌ای جهت برنامه‌ریزی نبرد مداوم و هماهنگ است. همچنین، نیروی مشترک نیازمند سازمان‌های فرماندهی و کنترل انطباق‌پذیر و بکارگیری روزافزون گروه‌های نیروی (نبرد عملیاتی مشترک، ۲۰۰۲) مناسبی

است که بنا بر عادت به برنامه‌ریزی و آموزش منظم جمعی در محیط زنده مجازی سازنده می‌پردازد.

اقدامات برنامه‌ریزی شده، هماهنگ‌شده و پشتیبانی شده این اطمینان را به وجود می‌آورند که سرزمین اصلی امن خواهد بود و برای حفظ و ارتقاء منافع کشور و منافع متحدان به کار خواهند رفت. علاوه بر این، فرماندهی‌های رزمی فعالیت‌هایی را جهت ارتقاء سطح امنیت در سراسر جهان انجام خواهند داد. فرماندهان رزمی با انجام این فعالیت‌های شکل‌دهنده، شرایطی را پدید می‌آورند که به نیروی مشترک اجازه و توان آغاز و حفظ ابتکار عمل را در هنگام پاسخگویی به یک بحران یا ورود به جنگ می‌دهد.

این امر به نیروی مشترک امکان آزادی عمل، شامل دسترسی مطمئن و ناکام گذاشتن سریع دشمن در عملیات ضددسترسی را می‌دهد. علاوه بر این، نیروی مشترک قادر است به سرعت اینرسی لازم را پدید آورده و فاصله بین تصمیم‌گیری و اعزام نیرو و همچنین، فاصله بین استقرار نیروهای پیشقراول و نیروهای اصلی جهت دستیابی سریع به اهداف مورد نظر را پر کند. در نتیجه، نیروی مشترک را می‌توان از خاک کشور، خارج از آن و خط مقدم به طور مستقیم به عمق فضای نبرد اعزام کرد. این نیروها به مراکز خطوط ارتباطی حیاتی و حساس دشمن و همچنین، نقاط آسیب‌پذیر آن حمله خواهند کرد تا مراکز ثقل آنها را کاهش دهند.

پرسنل نیروی مشترک نیاز به یک «چهارچوب ذهنی» مشترک دارند که منعکس‌کننده سطح بالاتری از توانایی صف‌آرایی و همه فن حریفی باشد. همچنین، نیروی مشترک باید اطمینان دهد که این توانمندی‌ها نه تنها قادر به شکست سریع دشمن هستند، بلکه در یک رزم طولانی نیز کاربرد داشته و از توانایی بالقوه انجام همزمان عملیات برای استقرار مجدد نظم و ثبات دولت‌های محلی برخوردارند.

پرسنل نیروی مشترک باید قادر به حفظ خود در مناطق دشوار جهان بوده و اتکاء کمتری به زیرساخت‌های موجود داشته باشند و از پشتیبانی یکپارچه

جهانی و همزمان و سامانه‌های خوداتکاء بهره گیرند. این امر منجر به انجام عملیات در یک دوره زمانی مشخص، بدون نیاز به توقف آن می‌شود. سرانجام آنکه نیروی مشترک به هماهنگی و تعامل کامل توانمندی‌ها و متحدان چندملیتی و ارکان داخلی کشور جهت ایجاد اطمینان از اثرات تکمیلی متعهد است.



## نیروی مشترک آینده

درک فضای جنگ با برنامه‌ریزی در مقابل توانمندی‌های پیش‌بینی شده دشمن یا دیگر عوامل احتمالی نامترقبه آغاز می‌شود. این توانمندی‌ها و عوامل نامترقبه از طریق مطالعات عمیق محیط عملیاتی، از جمله ارزیابی‌های عملیاتی با استفاده از کسب اطلاعات مستند و دقیق، شناسایی خواهند شد. همچنین، همکاری امنیتی و کسب اطلاعات مستند درک افزایش‌دهی از موقعیت و نشانه‌ها و علائم هشداردهنده در اختیار فرماندهی نیروی مشترک قرار می‌دهد (Joint Operations Concepts, 2003).

نیروهای مشترک از طریق همکاری‌های امنیتی با کشورهای دیگر، به ایجاد روابط و درک منطقه‌ای کمک می‌کنند. سرانجام آنکه نیروی مشترک از رویکرد تأثیرمحور که شامل دیدگاه سیستمی است، استفاده می‌کند. دیدگاه سیستمی درک مشترکی از روابط علی و معلولی فراهم ساخته و ابزارهای حساس و حیاتی برای کمک به فرماندهان جهت برنامه‌ریزی، اجرا، ارزیابی و انطباق ارائه می‌کند. همچنین، بصیرتی در رابطه با اثرات بالقوه‌ای که ماورای اثرات مورد نظر هستند، ایجاد می‌کند. این درک موقعیت از زیرساخت‌های اساسی سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی و سیستم‌های اطلاعاتی در حوزه مورد نظر، موجب برجسته‌سازی نحوه عملکرد سیستم‌ها و روابط میان آنها می‌شود.

برتری در تصمیم‌گیری و توانمندی‌های سریع‌الاستفاده به نیروی مشترک، هماهنگ با متحدان آن، امکان به دست گرفتن ابتکار عمل به منظور تضمین آزادی عمل را فراهم می‌سازد. ایالات متحده به دنبال مجبور ساختن کشورهای

به اصطلاح متخاصم، به ایجاد تغییر در راهبرد خود، تغییر در خطوط عملیات یا بکارگیری نیروهایش، کنترل موقعیت و سرعت عملیاتی می‌باشد.

برنامه‌ریزان مشترک تحت نظارت فرماندهی نیروی مشترک به طراحی طرح‌های عملیاتی جهت رسیدن به اهداف مورد نظر می‌پردازند. گروه‌های کاری مشترک به طور منظم از طریق مطالعه محیط‌های آموزشی زنده، مجازی و سازنده به ارزیابی برنامه‌ها می‌پردازند.

یک شبکه استقرار یافته، که به فرماندهان در تمامی سطح امکان همکاری و به دنبال آن تسهیل در بکارگیری بموقع توانمندی‌های مشترک مناسب را می‌دهد، از برنامه‌ریزی و اقدام پشتیبانی خواهد کرد. برنامه‌ریزی و اقدام هماهنگ شامل ملاحظاتی در مورد پرسنل و هماهنگی با دیگر ابزارهای قدرت ملی و شرکای چندملیتی به منظور کمک به شکل‌دهی محیط امنیتی در راستای اولویت‌های جهانی است. در برنامه‌ها و اقدامات، این موضوع در نظر گرفته خواهد شد که نیروی مشترک می‌تواند هم نقش حمایت‌کننده و هم حمایت‌شونده را در ارتباط با آژانس‌های ملی و چندملیتی ایفا کند. نیروی مشترک با توجه به شرایط مورد نیاز برای دستیابی موفقیت‌آمیز به اهداف راهبردی، قادر به خاتمه دادن به یک عملیات خاص است. نیروی مشترک پس از دستیابی به اهداف نظامی خود به نقش حمایتی و بازگشت به عملیات‌های عادی و یا انجام یک نبرد دیگر می‌پردازد.

نیروی مشترک باید این ظرفیت را داشته باشد که در عین حال که در یک عملیات خاص عمل می‌کند و متعهد به انجام آن است، آماده تغییر وضعیت عملیاتی و جابه‌جا شدن به منظور انجام یک عملیات دیگر، که ممکن است در همان منطقه عملیاتی یا منطقه‌ای دیگر صورت گیرد، باشد. نیروهای مشترک در عین حال که باید در خط مقدم بودن خود را حفظ نمایند، می‌بایست قادر به انجام یک عملیات دیگر (سازماندهی جدید) باشند و یک عملیات نظامی کاملاً متفاوت را بدون اتکاء گسترده به کشور میزبان یا زیرساخت‌های کشورهای دیگر انجام دهند.

فرماندهی‌های رزمی و نیروها باید به توسعه، سازماندهی و آموزش نیروهای خود به منظور ایجاد توانمندی‌های مشترک مطلوب بپردازند. گروه‌های نیروی توانمندمحور به ترکیب و ایجاد روابط عادی میان عناصر توانمندی‌های مشترک، چندملیتی و داخلی که برای یک مجموعه لازمند می‌پردازند. قابلیت‌های انعطاف‌پذیری در گستره‌ای از عملیات‌های نظامی بکارگرفته شده این گروه‌ها، به صورت مستقل یا وابسته و با گذار سریع بین مأموریت‌ها وجود دارد.

فرماندهان به صورتی پویا از مانور نیروها و درگیری‌های دقیق و عملیات اطلاعاتی جهت اعمال فشار فوری و مداوم بر دشمن، جلوگیری از در اختیار گرفتن گزینه‌های مختلف توسط دشمن و مشکل‌تراشی توسط او بهره می‌گیرند. فرماندهان باید این انتظار را داشته باشند که دشمن دست به فعالیت‌های پیشگیرانه یا اقدامات دیگر جهت مقابله با اقدامات نیروی مشترک بزند. همچنین، نیروی مشترک باید دارای توانمندی درگیر شدن پایدار در عملیات‌های طولانی و فرسایش‌هنگامی که بحران به سرعت خاتمه نمی‌یابد، باشد. علاوه بر این، برنامه‌ریزان باید ضرورت تداوم اعزام نیرو یا چرخش نوبتی نیروها جهت افزایش توانمندی‌های رزمی قابل دسترس به منظور تکمیل گروه نیروی اولیه یا خنثی‌سازی انطباق‌های احتمالی دشمن با شرایط ایجادشده را در نظر بگیرند.

یک بخش از برنامه‌ریزی عملیاتی مشترک شامل شناسایی و بهره‌گیری از روابط، وابستگی‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و قوت‌های حیاتی سیستم‌های دشمن است. رویکرد تأثیرمحور، از روش‌شناسی سیستمی بهره می‌گیرد و در مورد سیستم دشمن کاربرد دارد، بخصوص در جایی که گره‌ها و لینک‌های شناسایی شده را می‌توان از طریق ابزارهای مختلف قدرت ملی تحت تأثیر قرار داد.

ممکن است برای دستیابی به اهداف راهبردی، نیازی به عملیات‌های گسترده نباشد، بلکه نیاز به شماری عملیات‌های توزیع‌شده با هدفی یکسان و مشترک باشد. نیروی مشترک به انجام عملیات‌های توزیع‌شده می‌پردازد تا نقاط قوت خود را علیه نقاط آسیب‌پذیر و نقاط ضعف حیاتی دشمن منطبق سازد. نیروی مشترک آینده باید قادر به انجام و هدایت و پشتیبانی عملیات غیرخطی توزیع‌شده در یک

فضای جنگ منفرد باشد. علاوه بر این، نیروی مشترک باید قادر به انجام واکنش مناسب در مقابل فوریت‌های مختلف ناشی از اهداف راهبردی باشد. چنین عملیاتی را می‌توان به صورت چندجانبه و چندبعدی در مکان‌های مختلف منطقه‌ای یا جهانی علیه نقاط آسیب‌پذیر و حساس توزیع‌شده دشمن انجام داد. اهمیت عملیات غیرخطی توزیع‌شده، توانایی کاربرد غیرقابل پیش‌بینی نیروی رزمی و غلبه بر دشمن است. با یکپارچه کردن توانمندی‌های مشترک در سطوح پایین‌تر و ارتقاء ارتباط میان عناصر مختلف، نیروهای مشترک قادر به انجام بهتر عملیات‌های توزیعی هستند. این عوامل فرماندهان را قادر به انطباق دقیق‌تر توانمندی‌های با وظایف و هدف معین در فضای جنگی منفرد می‌کنند.

به طور اساسی، مأموریت پایدار به واسطه پشتیبانی صحیح در مکان و زمان صحیح، امری تفکیک‌ناپذیر از اعزام و بکارگیری نیروی مشترک است. این امر تغییر نخواهد کرد. به هر حال، یک نیروی توزیع‌شده، که با سرعت بالا مانور می‌دهد، نیاز به یکپارچگی کامل، همزمانی جهانی و پایداری چابک دارد. این امر نیازمند تغییر رویکرد از لجستیک پشتیبانی محور به لجستیک متمرکز منطقه‌ای و از برنامه‌ریزی نیرومحور به یک سیستم پایدار دارد که نسبت به انجام عملیات پایدار نیروها در یک محیط پویا، دقیق، پاسخگو و انعطاف‌پذیر باشد.

سیستم لجستیک یکپارچه به صورت شبکه محور و توزیع پایه بوده و برای رفع نیازهای بلادرنگ کاربران عملیاتی به صورت پاسخگو عمل می‌کند. همزمانی جهانی کل سیستم لجستیک برای مدیریت پایدار امری اساسی است. در عملیات پایدار، باید یک تداوم همیشگی در فرایندهای اعزام، بکارگیری و استقرار مجدد نیروها وجود داشته باشد، تا از ایجاد وقفه در عملیات جلوگیری شود. نیروهای واکنش سریع در مرحله اول عملیات‌ها باید دارای سطح خاصی از خوداتکایی باشند. در ورای این مرحله، یک سیستم لجستیک توزیعی و چابک با دسترسی غیرموازی، حمایت لازم برای عملیات مداوم و توزیعی را فراهم خواهد ساخت.

نیروی مشترک، صرفنظر از میزان پیچیدگی، باید تا سطح خاص و معینی از مراکز دولتی، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های کشور

میزبان حمایت کند. نیروی مشترک در عین حال که این پشتیبانی را فراهم می‌سازد، برای عملیات آینده آماده می‌شود، یا با حفظ پیشدستی و محافظت در برابر اقدامات تهاجمی دشمن بازسازی شده، به انجام عملیات عادی می‌پردازد.

## فضای جنگ‌های آینده

ابعاد و خصوصیات جنگ و جنگ‌های آینده را می‌توان به دو بخش ابعاد و خصوصیات فیزیکی و غیرفیزیکی تقسیم نمود. این ابعاد و خصوصیات به عنوان نقطه اتکاء می‌تواند راهنمای مناسبی برای تعیین ابعاد حدودی مفهوم جنگ در گذشته، حال و آینده باشند (مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، ۱۳۸۸: ۷۵).

### • بعد فیزیکی (حسی و مادی) جنگ

بعد فیزیکی که مشتمل بر موارد محسوس و مادی پدیده جنگ است را می‌توان به عوامل یا فاکتورهایی نظیر: عامل محیطی جنگ، عامل ابزار و ادوات جنگی تقسیم نمود.

**عامل محیطی جنگ** را می‌توان به دو مؤلفه زیر تقسیم نمود:

- مؤلفه مکان (شاخص وسعت جنگ) که دارای شاخص‌هایی نظیر: وسعت جنگ، مناطق جغرافیایی، فضای جنگ و... است و با «نماگر» کیلومتر در جنگ‌ها از آن یاد می‌شود.

- مؤلفه زمان (شاخص مدت جنگ) که دارای شاخص‌هایی نظیر: مدت جنگ، سرعت جنگ که شامل مقدار فاصله مکانی پیموده‌شده در واحد زمان است و همچنین، وقت معین (ساعت) شروع و خاتمه و تاریخ (روز، ماه، سال) است و با «نماگر» روز و ساعت در جنگ‌ها از آن یاد می‌شود.

**عامل ابزار و ادوات جنگ** را نیز می‌توان به دو مؤلفه زیر تقسیم نمود:

- مؤلفه توان و قدرت (شاخص شدت جنگ) که دارای شاخص‌هایی نظیر: شدت (سرعت + قدرت)، قدرت تخریب و نیز توانایی انسان در بکارگیری است و با «نماگر»های اعداد و کیلوئن در جنگ‌ها از آن نام برده می‌شود.

- مؤلفه برد به همراه دقت (شاخص دقت جنگ) که دارای شاخص‌هایی نظیر: دقت متناسب با برد، میزان هوشمندی و... است و با «نماگر» متر و کیلومتر در جنگ‌ها از آن یاد می‌شود.

پس از مطالعه اصول و ویژگی جنگ‌ها و مفاهیم راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی و تکنیکی جنگ‌ها می‌توان ابعاد، عوامل و مؤلفه‌های چهارگانه فیزیکی ذیل را برای آن فرض نمود:

#### ✓ زمان و مدت

«زمان» و ارزش آن به عنوان یک بعد و مؤلفه مدت در جنگ‌ها انکارشدنی نیست. در همین رابطه، «والتر گیوهان» زمان را بعد چهارم جنگ‌های مدرن می‌داند، که بیشترین سیطره را بر روند جریان جنگ دارد و پنج ویژگی اساسی زمان در جنگ را (استمرار، شتاب، زمان‌سنجی، توالی و همزمانی) برشمرده است. این ویژگی‌ها در بسیاری از اصول، قوانین و تفاسیری که از جنگ ارائه داده، به طور برجسته‌ای مطرح است. شناخت جنبه‌های فیزیکی و روانی این ویژگی‌های زمانی، در بهره‌گیری از زمان و یا به کنترل درآوردن آن در جنگ نقشی کلیدی دارد. از جمله اینکه فرصت‌ها در جنگ‌های آینده بسیار زودگذر است.

#### ✓ مکان و وسعت

بعد «مکان وقوع جنگ» از اهمیت بسزائی برخوردار است. محیط‌های زمین، دریا و آسمان موجب پیدایش سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی در سراسر جهان شده است. همچنین، وسعت جنگ و درگیری با افزایش برد سلاح‌ها به شدت تغییر و آن را به صورت یک مؤلفه مهم جلوه‌گر نموده است. در این رابطه گفته می‌شود: «تاکتیک بکارگیری یک سلاح را برد آن سلاح تعیین می‌کند»، زیرا وسعت میدان نبرد را افزایش می‌دهد. در جنگ‌های

آینده، ابعاد زمان و مکان در هم تنیده و درنور دیده می‌شود. مانور برتر که مشتمل بر تحرک، سرعت و شتاب است ماحصل این تلفیق است.

#### ✓ توان و قدرت (شدت)

بعد توان آفرینی به منظور کسب مؤلفه قدرت همراه با تأکید بر تمرکز در قوا برای نابودی دشمن است. مؤلفه قدرت موجب تفوق در میدان نبرد خواهد شد، که برتری آتش یکی نمونه‌های آن است. به دلیل یکسان نبودن قدرت طرفین درگیر، بهره‌برداری فراوانی از الگوهای ناهمگون در جنگ‌های آینده صورت خواهد گرفت. بعد توان و مؤلفه قدرت نقش بسزائی در شروع، خاتمه، نتایج و حتی جلوگیری از وقوع جنگ دارد.

نظریه مهم «موازنه قوا» در علوم سیاسی روابط بین‌الملل توسط «هانس مورگنتا» ناشی از کارکرد اساسی این مؤلفه در جنگ است (حیدری، ۱۳۸۳: ۷۵).

#### ✓ دقت و هوشمندی

به دلیل افزایش بیش از حد وسعت میدان نبرد، بعد دقت سلاح‌ها و هوشمندی سامانه‌های آنها به همراه مؤلفه فراست فرماندهان جنگ اهمیت روزافزونی، بویژه در جنگ‌های آینده دارد. عامل دیدن و دقیق دیدن در تکنیک و فناوری سلاح‌ها، جایگاهی همسنگ با عامل برد سلاح دارد. همچنین، سامانه‌های فرماندهی و کنترل، که با دقت فراوان هدف را تشخیص داده و تصمیم مناسب را به فرماندهان با فراست القاء می‌کنند، در جنگ‌های آینده تعیین‌کننده خواهد بود.

#### • بعد غیرفیزیکی (شناختی و غیرمادی) جنگ

بعد غیرفیزیکی پدیده جنگ مشتمل بر موارد نامحسوس و غیرمادی جنگ و تا حد زیادی در حوزه علوم شناختی است و می‌توان آن را به عوامل انسانی و سامانه‌ای (سیستمی) تقسیم نمود، که هر یک از عوامل فوق تقسیم‌پذیر به مؤلفه پارامترهای مجزایی هستند.



### ✓ عوامل انسانی جنگ

- مؤلفه عقل و اندیشه (شاخص پیچیدگی جنگ) که دارای شاخص‌ها و مراحل نظیر: ابهام، پیچیدگی، آشوب و... است.
- مؤلفه روحی و روانی (شاخص وحشت جنگ) که دارای شاخص‌ها و مراحل نظیر: ترس و هراس، وحشت، شوک، بهت و... است.

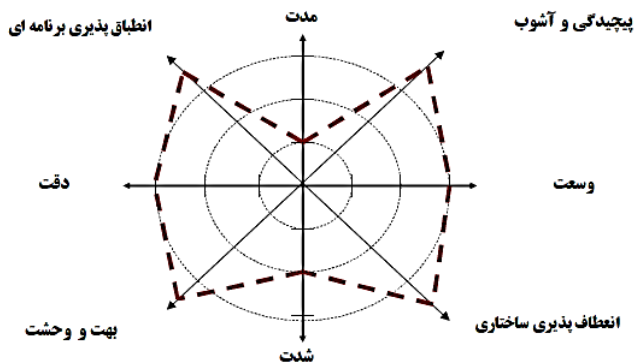
### ✓ عوامل سامانه‌ای (سیستمی) جنگ

- مؤلفه طرح و برنامه (شاخص انطباق‌پذیری برنامه‌ای)، که دارای شاخص‌هایی نظیر: سیاست‌های انطباق‌پذیر اثربخش، طرح‌های راهبردی و... است.
- مؤلفه ساختار و سازمان (شاخص انعطاف‌پذیری ساختاری) که دارای شاخص‌هایی نظیر: سازمان‌های منعطف و اثربخش، اثر هم‌افزایی (سینرژیک) و... است.

در بهره‌برداری از مدل مفهومی طراحی شده برای جنگ‌ها، به منظور ترسیم فضای جنگ‌های آینده، نیازمند پیش‌فرض‌هایی هستیم تا بتوانیم نمودار جنگ‌های آینده را رسم نماییم. این پیش‌فرض‌ها عبارتند از:

الف) به لحاظ ابعاد و خصوصیات غیرفیزیکی، جنگ‌های آینده جنگ‌هایی بسیار پیچیده، با شوک و وحشت و همراه با انعطاف‌پذیری ساختاری و انعطاف‌پذیری برنامه‌ای بالا خواهند بود.

تصویر زیر با فضای جنگ‌های آینده بسیار نزدیک و شبیه است.



### • انواع تهدیدات نرم

اصولاً نرم‌افزارگرایی فراتر از سخت‌افزارگرایی و ملاحظات سنتی امنیتی - راهبردی به آن طیف از ملاحظات در سیاست خارجی اشاره دارد که ارزشی و فرهنگی بوده و از ابعاد و پیامدهای سیاسی - امنیتی نیز برخوردار است. اگر امنیت ملی یک کشور را شرایط و فضایی بدانیم که یک ملت در چهارچوب آن می‌تواند اهداف و منافع ملی و حیاتی خود را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی حفظ نماید، با این تعریف، امنیت ملی یا ارزش‌های حیاتی یک کشور دارای سه محور کلی خواهد بود:

الف) تمامیت ارضی

ب) ایده و الگوی رفتاری

ج) حاکمیت سیاسی

با توجه به توضیحات فوق، منظور از تهدید، عنصر یا وضعیتی است که ارزش‌های حیاتی سه‌گانه یادشده را به خطر اندازد. بنابراین، می‌توان گفت ساده‌ترین تعریف از تهدید، فقدان مفهوم دیگر، یعنی امنیت است. این وضعیت با به خطر افتادن ارزش‌ها و منافع حیاتی یک کشور به وجود می‌آید. لیکن مطالعات امنیتی و تهدیدشناسی هم‌زمان با تحول جوامع، توسعه و تغییر یافته و در مفاهیم امنیت، قدرت و تهدید تحول ایجاد شده است.

امنیت ملی و تهدیدات آن مفهومی مبهم، نسبی و توسعه‌نیافته است، به این معنی که تعریف از امنیت ملی و تهدیدات آن به پیش‌فرض‌های تعریف‌کننده بستگی دارد و به عبارتی زمانمند و مکانمند است. در حقیقت، رابطه بین امنیت، ملت و تهدیدات رابطه‌ای قراردادی است که مصداق خود را از درون گفتمان‌های گوناگون می‌جوید. با وجود این تفاسیر، بر ویژگی‌های زیر می‌توان تأکید کرد:

### ✓ اعتباری بودن

مفهوم تهدید و امنیت دارای حد و مرز اعتباری است و از حیث واژه‌شناسی، نمی‌توان صرفاً به یک واژه تهدید که مترادف با فقدان امنیت

تعریف شده، بسنده کرد. از نگاه امنیتی، موضوعات را می‌توان در سه فضای کلی اجتماعی، سیاسی و امنیتی تقسیم نمود. پدیده‌ها را می‌توان از نظر زمانی و مکانی و با توجه به حساسیت‌های اجتماعی نسبت به آن، میزان شیوع و فراگیری و توان مدیریت آن پدیده، از پدیده‌ای ساده تا بحرانی امنیتی تقسیم نمود. بنابراین، ممکن است یک پدیده برای جامعه‌ای موضوع یا مسئله‌ای اجتماعی و سیاسی و برای جامعه دیگر خطر یا بحران امنیتی تلقی شود، یا در دوره‌های زمانی مختلف، ماهیت پدیده در نظام سیاسی تغییر یافته و تفسیر و برداشت‌های مختلفی از جهت زمانی نسبت به شدت و سطح تهدید و امنیت ارائه گردد. بنابراین، ماهیت تهدیدات تابع فرهنگ، استراتژی، عقاید و نگرش بازیگران، محیط اجتماعی و ملی محل وقوع تهدید و... بوده و می‌تواند متفاوت باشد.

#### ✓ نسبی بودن

امنیت و تهدید مفاهیمی نسبی و تابع زمان و مکان هستند. هیچ کشوری نمی‌تواند به امنیت مطلق دست یابد و یا فاقد هیچ‌گونه قدرت ملی در برابر تهدیدات باشد، چون کشورها بر اساس افزایش قدرت ملی خود، به دنبال رقابت، کاهش تهدیدات و افزایش امنیت ملی هستند. نتیجه این رقابت ناامنی برای دیگران است. از طرفی، معمولاً بر اساس دوره‌های مختلف، نگرش‌های مختلف نسبت به امنیت و تهدید وجود دارد و در نهایت، از جهت ماهیت، تهدیدات کشورها وضعیت یکسانی ندارند. ممکن است کشوری امنیت داخلی کافی داشته باشد، ولی تهدیدات خارجی آن جدی باشد یا اینکه از لحاظ نظامی از وضعیت مناسبی برخوردار باشد، لیکن ارزش‌های فرهنگی و الگوهای رفتار سیاسی آن کشور در معرض خطر و شکست قرار گیرد.

#### ✓ ذهنی بودن

تهدید از زمان شکل‌گیری تا تأثیرگذاری آن دارای مراحل است که ممکن است این مراحل طولانی یا کوتاه باشد، تهدیدات ابتدا فرایندی ذهنی

است که در فرایند زمانی به وقوع می‌پیوندد. باید انگیزه‌ها و بسترهای تهدید شناسایی شود که معمولاً با برآورد تهدیدات، سناریوهایی برای مقابله با آن توسط کشورها طراحی می‌شود، برآورد شناخت نیت و اهداف دشمن، ابزار و روش‌ها، آسیب‌ها و فرصت‌ها و... فرایندهای ذهنی است که بر اساس آن، سیاست دفاعی کشورها تدوین می‌گردد.

#### ✓ مطالعات امنیتی و تهدید

به طور کلی، مطالعات امنیتی دارای چهار موج مطالعاتی و در قالب دو گفتمان منفی و مثبت معرفی شده است. در گفتمان منفی، امنیت سلبی است، به این معنی که امنیت با نبود عامل دیگری که از آن به تهدید یاد می‌شود، تعریف شده است. این گفتمان دارای پیشینه تاریخ طولانی است و دو موج مطالعاتی در درون خود دارد. شاخص بارز موج اول مطالعات امنیتی سلبی، تأکید بر بعد نظامی در تحلیل امنیت و تهدیدات است. از این دیدگاه، برای مقابله با تهدید، توان نظامی را باید افزایش داد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۸-۸). موج دوم مطالعات امنیتی در گفتمان سلبی در پی نقد آثار سنت‌گرایان امنیت ملی و طرح این ادعا، که بعد نظامی توان تحلیل همه‌جانبه مسائل امنیتی جهان معاصر را ندارد، تحول تازه‌ای در مطالعات امنیتی به وجود آورد، بدین معنی که برای تهدید و امنیت مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف معرفی می‌کند. این گروه امنیت ملی و تهدیدات را چندوجهی دانسته و نتیجه می‌گیرند که امنیت و تهدید پدیده‌ای متأثر از پدیده‌های مختلف مادی - ذهنی است.

موج دوم مطالعات امنیتی و تهدیدات با نگرش سلبی، به اقتضای ماهیت آن، طیف گسترده و متنوعی از صاحب‌نظران را دربرمی‌گیرد، که شاخصه اصلی آن رویگردانی از محوریت مؤلفه نظامی در تریف و تهدید امنیت ملی و تهدیدات است. مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در این رویکرد مورد توجه بوده، ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی، علمی و فناوری است. در هر صورت،

امنیت و فقدان تهدیدات امنیت ملی، تابع قدرت و متغیر وابسته به آن است و این قدرت می‌تواند مؤلفه‌های متفاوت و متنوعی داشته باشد. بنابراین، تهدیدات در این رویکرد شامل تهدیدات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی می‌باشد.

در گفتمان مثبت امنیت و تهدید، که به دنبال نقد مبانی و اصول گفتمان امنیت منفی و سلبی در هر دو موج مطالعاتی سنتی و فراسنتی است، اعتقاد بر این است که امنیت و تهدیدات یک مفهوم و متغیر وابسته و دست دوم نیست و دارای مبانی و محتوای پیچیده فلسفی است. در این گفتمان، سعی بر آن است تا با پرهیز از سلبی‌گری صرف و توجه به بعد ایجابی امنیت، تعریف و تصویر جامع‌تری ارائه شود. در این گفتمان، امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود، بلکه افزون بر فقدان تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های ملی نیز مد نظر است. این رویکرد برای امنیت و تهدید، ماهیت تأسیسی قائل است و بر این باور است که تهدید تنها در وضعیتی وجود دارد که آن جامعه در سطح قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی و ارزش‌های حیاتی‌اش نباشد. بنابراین، امنیت ملی در این گفتمان عبارت است از توانایی و شرایط عینی که در بستر آن می‌توان به منافع ملی دست یافت (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۶).

در این نگاه، امنیت ملی حتی نسبت به منافع ملی از اولویت برخوردار است، چرا که تحقق و عدم تحقق منافع ملی و تهدیدات در گرو بود یا نبود امنیت است. در چهارچوب این دیدگاه، ممکن است جامعه‌ای با وجود نداشتن تهدیدات خارجی یا داخلی، به دلیل ناتوانی از دستیابی به منافع ملی، وضعیت ناامنی داشته باشد. در مجموع، می‌توان گفت دو گفتمان ایجابی و سلبی موجب دو نگرش در تعریف و تبیین مفاهیم امنیت و تهدید شده است که با نگاه ایجابی، امنیت عبارت است از: «توانایی و شرایط عینی و ذهنی که در بستر آن بتوان منافع ملی و ارزش‌های حیاتی را محقق ساخت.» با این نگاه، می‌توان تهدید را به شرایطی اطلاق نمود که یک کشور برای دستیابی به

منافع ملی و ارزش‌های حیاتی خود از توانایی و شرایط لازم برخوردار نباشد. به طور طبیعی، فقدان شرایط و توانایی‌ها برای تحقق اهداف ملی و پیشبرد منافع و ارزش‌های حیاتی یک کشور می‌تواند متأثر از محیط ملی یک واحد سیاسی یا محیط منطقه‌ای و جهانی باشد. بنابراین، فقدان توانایی برای دستیابی به منافع ملی که مخاطره‌ای جدی برای یک کشور تلقی می‌شود، الزاماً می‌تواند محدود به تهدید خارجی و بعد نظامی تهدید نباشد. در نگاه و نگرش سنتی که رویکرد سخت‌افزارانه است، هدف اصلی از تهدیدات، تحمیل اراده به منظور تغییرات اساسی در یک نظام سیاسی و یا تغییر الگوی رفتاری یک کشور می‌باشد، که به طور طبیعی، به موجب آن تهدید، حیات سیاسی آن کشور به مخاطره می‌افتد. لیکن در نگرش ایجابی یک کشور می‌تواند در شرایط فقدان تهاجم نظامی و یا اقدامات داخلی براندازانه امنیتی، توانایی پاسداری و پیشبرد ایده یا خط‌مشی‌های نظام سیاسی خود را نداشته باشد. این تلقی از تهدید با شرایط متحول جوامع معاصر همخوانی بیشتری دارد.

#### ✓ تهدید نرم

یکی از متغیرهای محوری، نرم‌افزارگرایی بر پایه قدرت نرم در چهارچوب امنیت ملی است. این قدرت به عنوان منبع خاص اعمال قدرت آمریکا بر مبانی فرهنگی، ارزشی و اقتصادی مبتنی است. تهدید نرم را می‌توان تحولاتی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌شود. تهدید نرم نوعی سلطه کامل در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است، که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای نظام سلطه‌ای تهدید محقق می‌شود. با این نگرش، تمامی اقداماتی که موجب می‌شود تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی (زیرساخت‌های فکری، بورها و الگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست) به خطر افتد، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عامل تعیین‌کننده هویت ملی یک کشور شود، تهدید نرم به شمار

می‌آید. در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم اراده خود را بر یک ملت تحمیل و آن را در ابعاد گوناگون با روش‌های نرم‌افزارانه اشغال می‌کند.

تردید در مبانی و زیرساخت‌های فکری یک نظام سیاسی، بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه، بحران در الگوهای رفتاری جامعه و بحران‌های پنج‌گانه سیاسی (هویت، مقبولیت، مشارکت، نفوذ و توزیع) را می‌توان از مؤلفه‌های این تهدید نام برد. تغییرات حاصل از تهدید نرم، ماهوی، آرام، ذهنی، تدریجی و نرم‌افزارانه است. این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل‌های صنفی و قشری و شیوه القاء و اقناع انجام می‌پذیرد. در حال حاضر، جهانی‌سازی فرهنگ مترادف با مفهوم تهدید نرم تلقی می‌شود. در مجموع، می‌توان فهرست زیر را به مثابه نقاط افتراق تهدیدات سخت و نرم در این مقاله برشمرد:

- حوزه تهدید نرم حوزه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است، در حالی که حوزه تهدید سخت امنیتی - نظامی می‌باشد.
- تهدیدات نرم پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان بوده و اندازه‌گیری آن مشکل است. در حالی که تهدیدات سخت عینی، واقعی و محسوس است و می‌توان آن را با ارائه برخی از معیارها اندازه‌گیری کرد.
- روش اعمال تهدیدات سخت استفاده از زور و اجبار است، در حالی که در تهدید نرم، از روش القاء و اقناع‌سازی بهره‌گیری می‌شود.
- هدف در تهدیدات سخت، تخریب و حذف فیزیکی حریف و تصرف و اشغال سرزمین است. در حالی که در تهدید نرم، هدف تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها، فرایند تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری حریف و در نهایت، سلب هویت‌های فرهنگی است.

- مفهوم امنیت در رهیافت‌های نرم‌افزارانه شامل امنیت ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی است. در حالی که این مفهوم در رهیافت‌های سخت‌افزارانه به معنای نبود تهدید خارجی تلقی می‌شود.
- تهدیدات سخت محسوس و همراه با عکس‌العمل و برانگیختن است. در حالی که تهدیدات نرم به دلیل ماهیت غیرمحسوس آن عمدتاً فاقد عکس‌العمل است.
- مرجع امنیت در حوزه تهدیدات سخت عمدتاً دولت‌ها هستند. در حالی که مرجع امنیت در تهدیدات نرم محیط فروملی و فراملی (هویت‌های فروملی و جهانی) است.
- کاربرد قدرت سخت در رویکرد امنیتی جدید عمدتاً مترادف با فروپاشی نظام‌های سیاسی - امنیتی مخالف یا معارض است. در حالی که کاربرد قدرت نرم در رویکردهای امنیتی جدید علیه نظام‌های سیاسی مخالف یا معارض، مترادف با فرهنگ‌سازی و نهادسازی در چهارچوب اندیشه و الگوهای رفتاری نظام‌های لیبرال و دموکراسی تلقی می‌شود.

#### ✓ اهمیت و ابعاد تهدیدات نرم

پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه امنیت ملی در هر کشور، امنیت فرهنگی است. برای یک کشور که هویت فرهنگی آن مؤلفه اصلی تلقی می‌شود، این امر اهمیت بیشتری خواهد داشت و هرچه این حکومت مبانی فکری و اعتقادی و الگوهای رفتاری دیگران را به چالش بیشتری کشانده باشد، از تهدیدات بیشتری برخوردار خواهد بود. بنابراین، تهدیدات فرهنگی که از آن به تهاجم فرهنگی و یا تهدید نرم یاد می‌شود، به دنبال ایجاد انواع بحران‌های فرهنگی - سیاسی در جامعه برای دستیابی به اهداف و اغراض سیاسی است. هدف اصلی از این نوع تهدید، حذف باورمندی جامعه، سلب اراده و روحیه مقاومت و در مجموع، استحاله فرهنگی - سیاسی است. در این نوع تهدید، تلاش می‌شود ملتی دارای آرمان به ملتی بی‌آرمان تبدیل شود و آن هم به



دست خود، الگوهای رفتاری خود را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به چالش اندازد.

هدف از هر نوع تهدید، تأثیرگذاری بر اندیشه، عواطف و اراده و سرانجام به تسلیم کشاندن حریف است. بنابراین، نقطه مشترک همه تهدیدات، تحمیل اراده به نیروی مقابل است. تفاوت‌های تهدیدات در بکارگیری روش‌ها، ابزارها و... است. تهدید می‌تواند با تأکید بر توان فیزیکی (لشکرکشی، اشغال خاکریز و سرزمین، نابودی و کشتن انسان‌ها و ویران نمودن مراکز اقتصادی) اجرا شود و یا می‌تواند با تکیه بر روش‌های سیاسی، روانی و شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز و با بکارگیری قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر اراده حریف و نیروی مقابل انجام گیرد. بی‌تردید اگر فکر، اراده و قدرت روحی حریف تسخیر شود، کاربرد قدرت سخت و لشکرکشی ضرورتی نخواهد داشت. از همین رو، قدرت‌های استکباری با کاربرد عملیات روانی، مقاومت ملت‌ها و نظام‌های سیاسی را پیش از عملیات نظامی فرومی‌ریزند، یا برای سرعت بخشیدن در اهداف عملیات نظامی، اقتصادی و سیاسی از سلاح عملیات روانی به منظور سلب اراده و انگیزه نبرد در نخبگان یک کشور، مردم و نیروهای مسلح بهره می‌گیرند و عملاً خاکریزهای دفاعی کشور بدون خونریزی سقوط می‌کند.

بنابراین، تهدید نرم امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین و در عین حال، خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است، چون می‌توان با کمترین هزینه با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی به هدف رسید؛ زیرا با عواطف، احساسات، فکر و اندیشه و باور و ارزش‌ها و آرمان‌های یک ملت و نظام سیاسی ارتباط دارد. ابعاد این جنگ و تهدید گسترده‌تر و مخرب‌تر است، زیرا دین فکر و آرمان ملت‌ها را آماج تهاجم خود قرار می‌دهد.

تهدید نرم به روحیه، به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می‌کند، عزم و اراده ملت را از بین می‌برد، مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست نظام را تضعیف می‌کند. فروپاشی روانی یک ملت می‌تواند مقدمه‌ای برای

فروپاشی سیاسی - امنیتی و ساختارهای آن باشد. جوزف نای قدرت نرم را شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید یا پاداش ملموس می‌داند. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید یا پاداش ملموس می‌داند. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب چهره دوم قدرت است. بر این پایه، یک کشور می‌تواند به مقاصد مورد نظر خود در سیاست جهانی نائل آید. چون کشورهای دیگر ارزش‌های آن را می‌پذیرند، از آن تبعیت می‌کنند، تحت تأثیر پیشرفت و آزاداندیشی آن قرار می‌گیرند و در نتیجه، خواهان پیروی از آن می‌شوند. در این مفهوم، آنچه مهم تلقی می‌شود، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کند. بنابراین، قدرت نرم توانایی کسب آنچه که می‌خواهید از طریق جذب کردن، نه از طریق اجبار و یا پاداش می‌باشد (جوزف نای، ۲۰۰۴: ۵).

نمونه‌های فراوانی از کاربرد تهدید نرم در صفحات تاریخ وجود دارد. در حال حاضر، همه کشورها به نوعی دیگر در معرض این نوع تهدید هستند. قدرت‌های استکباری، تشکیلات، امکانات و نیروی انسانی و ابزارهای پیشرفته و پیچیده و مراکز علمی و پژوهشی خود را به صورت گسترده در اختیار این جنگ قرار داده‌اند. با ظهور فناوری جدید و علوم ارتباطات، ظهور وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های متنوع نوین، ابعاد تهدید نرم، گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. بخش مهمی از نظریه‌های جدید امنیتی و راهبردهای قدرت‌های سلطه‌گر، بویژه راهبرد امنیت ملی آمریکا که در سال ۲۰۰۶ منتشر شده است و همچنین، راهبرد امنیت منطقه‌ای آمریکا (طرح خاورمیانه بزرگ) بر کاربرد قدرت نرم جهت امنیت‌سازی تأکید دارد. بسیاری از صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهدیدات قرن ۲۱ را تهدیدات نرم و یا جهانی‌سازی فرهنگ می‌دانند. در دوران جنگ سرد و حتی پس از آن، با تفاوت اندکی، کماکان سیاست نرم‌افزاری در پرتو سیاست واقع‌گرایی قرار داشت. حوادث ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در این زمینه محسوب می‌شود. در هیچ برهه‌ای از زمان، دولتمردان آمریکا تا این میزان بر مضامین ارزشی و

اخلاقی به عنوان منابع نرم قدرت تأکید نداشته‌اند. حتی نخستین تجلی‌های سیاست‌های امنیتی آمریکا بعد از این تاریخ، که از ماهیت سخت‌افزاری و راهبردی برخوردار بودند، آموزه‌های ارزشی محور را دستمایه عملی قرار دادند. با وجود این، با توجه به تجربه تاریخی، ملاحظات نرم‌افزارگرایانه در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا تحت تأثیر مؤلفه‌های راهبردی - امنیتی نظام بین‌المللی و منطقه‌ای به حاشیه رانده شده است. برای تبیین اهمیت و ابعاد تهدید نرم پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، می‌توان گزارش کمیته خطر جاری، راهبرد امنیت ملی آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ را مورد توجه قرار داد.

هدف اصلی راهبرد امنیت ملی آمریکاف جهانی سازی فرهنگ و حاکمیت الگوهای رفتاری لیبرال دمکراسی در جهان و تلاش در جهت تغییر رفتار و ساختارهای نظام‌های غیرلیبرال است، به طوری که در این سند، لیبرالیزه کردن جهان به عنوان یک رسالت معرفی شده است. بنابراین، ماهیت تهدید پس از فروپاشی شوروی، تهدید نرم و تهدیدات هنجاری و فرهنگی است. از دیدگاه نظریه‌پردازان جدید غرب، جهان اسلام و رشد اسلام سیاسی در آن، به مثابه گفتمان غالب در خاورمیانه، چالش اصلی فرهنگ لیبرال دمکراسی است. در این چهارچوب و به استناد گزارش کمیته خطر جاری در مورد نحوه برخورد با جمهوری اسلامی ایران، می‌توان گفت جلوگیری از روند رو به رشد اسلام‌گرایی و عمق استراتژیک قدرت نرم جهان اسلام در مقابل قدرت نرم جهان غرب بخش مهمی از محتوای سند استراتژی امنیت ملی آمریکا می‌باشد، که جایگزین استراتژی سد نفوذ شوروی شده است. از این دیدگاه، تهدید امنیت ملی آمریکا، تهدیدات نرم، نامتقارن و ترکیبی است که منابع آن در کشورها و رژیم‌های ضدآمریکایی و غیرلیبرال خاورمیانه معرفی شده است.

## ✓ قدرت ملی و قدرت نرم

قدرت ملی را می‌توان امکان تحمیل اراده و خواست یک بازیگر به دیگر بازیگران تعریف کرد. زمانی که کشوری توانایی، اراده و ظرفیت لازم را در اختیار دارد و در پرتو آن، می‌تواند اهداف و ارزش‌های حیاتی خود را حفظ کرده، توسعه و تعمیق بخشد، در واقع، آن کشور از قدرت ملی لازم برخوردار است. قدرت ملی دارای مؤلفه‌های نظامی، سیاسی، فناوری، اقتصادی، ژئوپلیتیکی، انسانی، فرهنگی و... است. در چهارچوب این نوشتار، می‌توان قدرت ملی را به قدرت نرم و قدرت سخت تقسیم نمود. قدرت در چهره جدید، خود لزوماً آشکار نمی‌باشد، با فرهنگ و اندیشه آمیخته شده و در نظریه‌های جدید، عمدتاً ماهیت نرم‌افزارانه پیدا نموده است. این رویکرد بر خلاف نگرش سنتی است، که عمدتاً رویکردهای سخت‌افزارانه، بویژه با تأکید بر بعد نظامی و اقتصادی شکل می‌گرفت.

صحنه روابط بین‌الملل، صحنه رویارویی قدرت است. سرنوشت کشورها تابع میزان تولید و گسترش قدرت و میزان تأثیرگذاری بر حریف است. به طور طبیعی، کشوری می‌تواند اهداف و مقاصد ملی خود را پیش ببرد که قدرت بیشتری را به صحنه بیاورد و به بهترین روش، قدرت حریف را تضعیف نماید. قدرت ملی شامل قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، فرهنگی، تبلیغی و... است. در حال حاضر، برجسته‌ترین مظهر و نمود قدرت ملی، قدرت فرهنگی به معنای عام و قدرت روانی - تبلیغی به معنای خاص است، که بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل تلاش می‌کنند این بعد قدرت را، که ما در این مقاله به عنوان قدرت نرم معرفی نموده‌ایم، افزایش و گسترش داده و با استفاده از این وجه قدرت، بر سایر بازیگران تأثیر گذاشته و آنها را از میدان رقابت خارج سازند. ویژگی این وجه از قدرت با مفهوم اقناع و رضایتمندی همراه است. قدرت نرم از سه سطح راهبردی، مینی و تاکتیکی تشکیل می‌شود (حسینی، ۱۳۵۸: ۷۰).

#### ✓ سطح راهبردی قدرت نرم

این سطح از قدرت نرم که متأثر از فرهنگ استراتژیک کشور است، به سطح رهبران و نخبگان یک کشور بازمی‌گردد و بالاترین سطح رویارویی قدرت نرم تلقی می‌شود. هدف اصلی در این سطح افزایش قدرت هنجارسازی خود و تضعیف قدرت هنجارسازی حریف در محیط بین‌المللی است. به هر میزانی که بازیگران بتوانند در این سطح قدرت ایجاد کنند و یا بر قدرت هنجارسازی دیگران تأثیر بگذارند، امکان پیروزی بیشتری خواهند داشت. هدف از این تهدید در این سطح تهدید نرم یا اجرای عملیات روانی استراتژیک، تأثیرگذاری بر برآوردها و شناخت نخبگان و رهبران حریف (تأثیر بر شناخت) و همچنین، ارعاب و تأثیر بر عزم و اراده (تأثیر بر روحیه و قدرت ایستادگی) آنان می‌باشد.

#### ✓ سطح میانی قدرت نرم

این سطح از قدرت نرم بر عنصر مردمی قدرت ملی کشور تأکید دارد. قدرت نرم در این سطح متأثر از فرهنگ ملی است. این سطح از اهداف و سطح استراتژیک پشتیبانی می‌کند و به تصمیمات نخبگان و رهبران مشروعیت بخشیده و بر عزم و اراده آنها تأثیر می‌گذارد. هدف سطح میانی تهدید نرم سلب اراده و انگیزه از مردم و بی‌تفاوت نمودن جمعیت‌های همراه و تبدیل آنها به جمعیت‌های معارض، مخالف و بی‌تفاوت و شکل دادن به نافرمانی‌های مدنی با ایجاد شکاف بین دو سطح راهبردی و میانی است. تهدید نرم در این سطح می‌تواند بر میزان حمایت مردم از سیاست‌های نظام و نخبگان مؤثر باشد.

همچنین، حمایت عاطفی - روانی نیروهای مسلح تحت تأثیر این سطح است. در صورتی که کشوری از قدرت نرم لازم در این سطح برخوردار باشد، به طور طبیعی آن کشور فاقد بحران‌های پنج‌گانه سیاسی، مشروعیت، نفوذ، مشارکت، توزیع و هویت خواهد بود و بازدارندگی مردمی در برابر تهدید نرم شکل خواهد گرفت. در مقابل، وجود بحران‌های پنج‌گانه فوق و همچنین،

نبود قدرت هنجاری و الگوهای رفتاری برتر و کارآمد و با قابلیت نهادینه نمودن در حوزه فرهنگ ملی، می‌توند یک کشور را آسیب‌پذیر کند.

#### ✓ سطح تاکتیکی قدرت نرم

پایین‌ترین سطح رویارویی قدرت نرم در سطح نیروهای مسلح کشور شکل می‌گیرد. این سطح از قدرت نرم از فرهنگ دفاعی کشور متأثر است. در این سطح از قدرت نرم، تقابل اراده و روحیه جنگی رزمندگان دو یا چند کشور در میدان نبرد شکل می‌گیرد. هدف اصلی از تهدید نرم در این سطح، سلب اراده و روحیه مقاومت در جبهه حریف است.

#### ابعاد تهدید نرم

در صورتی که تهدید نرم مترادف با تهدیدات سیاسی - فرهنگی در نظر گرفته شود، شاخص‌هایی در دو حوزه فرهنگی و سیاسی به عنوان ابعاد تهدید نرم مطرح می‌شود:

#### - ابعاد تهدید نرم در حوزه فرهنگ

فرهنگ بیانگر شخصیت و هویت ملی کشور و دستاورد معرفتی و فنی انسان و همه جوامع است. فرهنگ کشور دارای سه سطح کلی است. مفروضات اساسی و زیرساخت‌های فکر هر کشور (باورها) سطح اول فرهنگ تلقی می‌شود. همچنین، فرهنگ ملی کشور دارای مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها و ارزش‌ها است که سطح دوم آن را تشکیل می‌دهد و در نهایت، الگوهای رفتاری و اقدام یک کشور لایه سوم فرهنگ ملی تلقی می‌گردد. با این توصیف، می‌توان گفت ابعاد تهدید نرم در حوزه فرهنگ عبارت است از:

الف) تهدید باورهای (مفروضات اساسی) کشور در سه سطح

نخبگان، مردم، نیروهای مسلح؛

ب) تهدید ارزش‌های اساسی کشور در سه سطح نخبگان، مردم،

نیروهای مسلح؛

ج) تهدید الگوهای رفتاری کشور در سه سطح نخبگان، مردم، نیروهای مسلح.

فرهنگ استراتژیک کشور بر نوع تلقی و الگوهای رفتاری نخبگان و رهبران یک کشور و توان دیپلماسی آن تأثیر می‌گذارد. در صورت وقوع تهدید نرم در این سطح کشور، حریف می‌تواند با مدیریت ادراک، اندیشه و عزم رهبران و نخبگان خودی را (باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری آنان) تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، فرهنگ ملی شامل باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری نهادینه شده در جامعه است، که تهدید نرم در این حوزه می‌تواند بر آنها تأثیر گذارد. علاوه بر این، فرهنگ دفاعی کشور که منبع قدرت نرم در نیروهای مسلح است، در صورت وقوع تهدید نرم در این سطح، موجب از بین رفتن عزم و اراده نبرد و قدرت بازدارندگی روانی می‌شود.

#### - ابعاد تهدید نرم در حوزه سیاسی

دولت‌ها به مثابه واحد سیاسی در نظام بین‌الملل با مؤلفه‌های جمعیت، قلمرو، حکومت و حاکمیت و نظام ارزشی مشخص شناخته می‌شوند. این واحدها همواره با تحولاتی از داخل و خارج مواجهند. برخی از تحولات موجب افزایش قدرت سیاسی و برخی موجب تضعیف قدرت سیاسی آنها می‌شود. هر نظام سیاسی برای حفظ بقاء خود، نیازمند ثبات سیاسی و انسجام ملی است. بنابراین، افزایش مشروعیت سیاسی نخبگان و رهبران یک کشور به توانایی‌های آنها در ایجاد انسجام سیاسی و برخورداری از حمایت، رضایتمندی و قدرت اقناع‌سازی افکار عمومی بستگی دارد. به طور طبیعی، در صورتی که دولتی نتواند قدرت سیاسی لازم را در حوزه داخلی و خارجی ایجاد کند، با بحران‌ها و تهدیدات مختلف سیاسی مواجه خواهد شد. میزان اقتدار و هژمونی سیاسی کشور در جامعه، میزان انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ هویت و یکپارچگی

ملی و میزان تولید و بازتولید هنجارهای سیاسی و به جریان انداختن گفتمان‌های مسلط در درون جامعه و در عرصه بین‌المللی و برخورداری از مقبولیت و مشروعیت لازم از شاخص‌های قدرت نرم در این حوزه به شمار می‌آید. در مقابل، در صورتی که کشوری گرفتار بحران‌های سیاسی باشد، از قدرت نرم برخوردار نخواهد بود و به طور طبیعی، تهدید نرم در این حوزه مؤثر خواهد بود. بحران‌های سیاسی شامل بحران‌های پنج‌گانه هویت، مشروعیت، نفوذ، توزیع و مشارکت می‌باشد.

برانگیختن شکاف‌های قومی، نژادی، مذهبی و... نبود عوامل پیونددهنده هویت‌های فروملی، تحریف و تحقیر تاریخ و افتخارات ملی در کشور، می‌تواند به بحران هویت منجر شود. ایجاد شکاف بین مردم و رهبران، نبود حمایت مردمی و مشروعیت‌بخشی به تصمیمات رهبران و شکل‌گیری نافرمانی‌های مدنی در جامعه بحران مشروعیت به وجود می‌آورد. انگیزه‌زدایی و دلسرد کردن مردم برای حضور در عرصه‌های تعیین‌کننده کشور، مصادیق بارز بحران مشارکت است. همچنین، توزیع نامناسب ثروت، شأن اجتماعی و امنیت در ایجاد بحران توزیع مؤثر است. تلاش برای تأثیرگذاری بر اراده و تصمیمات نخبگان و رهبران با ارباب و یا تطمیع از مصادیق بحران نفوذ به شمار می‌آید. مجموعه این موارد قدرت نرم یک نظام سیاسی را کاهش می‌دهد و به طور طبیعی، آن نظام را در برابر تهدید نرم آسیب‌پذیر می‌کند.



## محتمل‌ترین راهبرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران

### • شیوه‌های عملی آمریکا در حمله به کشورها

در صورتی که شرایط سیاسی در نظام بین‌الملل به گونه‌ای آماده شده باشد که آمریکا بتواند سازمان‌های بین‌المللی و همپیمانان خود را متقاعد به حمله به ایران نماید و این حمله را تا اشغال مرکز سیاسی و براندازی نظام، به منظور جایگزین نمودن حکومت مورد علاقه خود طرح‌ریزی نموده باشد، بایستی پیش‌بینی گردد که آمریکا و همپیمانانش چگونه و با چه شیوه‌ای این نیت خود را عملی خواهند کرد، زیرا تا زمانی که اقدامی از سوی مهاجم صورت نگیرد، مسلماً دفاعی نیز در کار نخواهد بود، ولی این موضوع بدین معنی نیست که نبایستی شیوه‌ها و روش‌های احتمالی این نیروها را نادیده گرفت و هیچ‌گونه طرحی در این خصوص پیش‌بینی و آماده نکرد.

آنچه که از بررسی راهبرد آمریکا و متحدانش در خصوص جنگ‌های نسل چهارم به دست می‌آید، این است که ارتش آمریکا از ایده توانمندی و قابلیت محوری متکی بر فناوری برتر استفاده می‌نماید؛ لذا در راستای استفاده از این ایده در جنگ‌هایی که انجام داده، روش‌های زیر را به کار برده است:

- با بمباران و انهدام تأسیسات حیاتی، منابع اقتصادی تأثیرگذار و یا جداسازی آنها با اشغال سریع، ضمن محکوم کردن مدافع از پشتیبانی مؤثر، مانع بهره‌برداری و دسترسی آنها به این منابع می‌گردد.
- با طرح‌ریزی حمله به مراکز ثقل مدافع، که از مهم‌ترین آنها رهبری و حاکمیت سیاسی می‌باشد، درصدد کسب برتری مطلق بوده و چون قادر

نیست که این مرکز ثقل را در زمین باز به چنگ آورد، لذا از اولین اهداف وی انهدام سیستم ارتباطی (سیستم فرماندهی، کنترل و ارتباط) می‌باشد، که با استفاده از بمباران‌های گسترده هوایی و استفاده از انواع جنگ‌افزارها، ارتباط فرماندهی کلی را با فرماندهان تحت امر قطع می‌نماید.

- پس از اطمینان از انهدام نیروهای پدافند هوایی، رادارها، هواپیماها، فرودگاه‌ها و خطوط مواصلاتی مدافع، زمین‌گیر کردن او و وارد آوردن خسارات عمده، اقدام به تک‌زمینی گسترده از محورهای نودی و یا اشغال سرپل و هلی‌برن نیروهای خودی در عمق خاک مدافع به منظور اشغال مرکز سیاسی او خواهد نمود.

- به دنبال بمباران شدید سیستم‌های فرماندهی و کنترل، با تحمیل یک نبرد سهمگین به نیروهای مدافع در زمان و مکانی که این نیروها توان و آمادگی مقابله با آن را ندارند، عملاً ابتکار عملیات را از دست مدافع خارج و اقدامات آفندی خود را برابر طرح‌ریزی‌های انجام گرفته ادامه می‌دهد.

- با نواخت ضربات آفندی مداوم و هماهنگ و ایجاد عملیات روانی همزمان در سطح گسترده، باعث برهم خوردن تعادل روحی مردم و رزمندگان و فرماندهان می‌گردد.

- آمریکا به علت بهره‌گیری از فناوری برتر و با استفاده از وسایل ناوبری پیشرفته و فوق‌مدرن، استفاده از تجهیزات دید در شب قوی و استفاده از هواپیماهای بدون خلبان، نیروهای پیاده خود را در مناطق نامشخص و شب هدایت نموده و اهداف مورد نظر خود را تأمین می‌نماید. همچنین، استفاده از وسایل دید در شب قوی و مدرن سبب گردیده تا رانندگان تانک‌ها و خودروها با حفظ سکوت رادیویی، فقط با علائم قراردادی مسیر مورد نظر خود را طی کرده و از درگیر شدن با مناطق آلوده منع شوند.

- با اقدامات عملی و با برقراری ارتباط با سران قومیت‌ها در مناطق مرزی که تمایلات قومی و مذهبی دارند و رهبران گروه‌های مختلف در داخل، از توان این گروه‌ها در تأمین نیروهای خودی و ضربه زدن به نیروهای مدافع

بهره‌برداری نموده و به عنوان ستون پنجم دشمن اطلاعات نیروهای مدافع را به دست می‌آورند.

- با بکارگیری دکترین ایجاد شوک و بهت با برتری سریع در جنگ و مرعوب ساختن حریف از طریق عملیات روانی طی یک جنگ کوتاه‌مدت (در حدود یک ماه) زیرساخت‌های اساسی حریف را مورد تهاجم قرار داده و با هدف براندازی و تغییر حاکمیت سیاسی وارد جنگ قاطع و سریع می‌شوند.

- با تأکید خاص بر روی عملیات جنگ الکترونیک، سیستم ارتباطی بجامانده از بمباران‌های شدید هوایی را کاملاً خنثی می‌نماید.

- با تکیه بر عملیات روانی از قبل، در حین و بعد از اتمام عملیات بمباران هوایی، با نفوذ در عقاید و احساسات، رفتار و تمایلات نیروهای حریف را تغییر داده و به سوی خود جلب می‌نماید.

- در جنگ سال ۲۰۰۳، مهاجمین علیه عراق ۳/۵ میلیون برگ اعلامیه با استفاده از آخرین متدها طراحی، تکثیر و با استفاده از هواپیما و بالگرد بر روی هدف‌های از پیش تعیین‌شده ریختند.

#### • سناریوهای محتمل تهدید علیه ایران

طی سال‌های گذشته، آمریکا و متحدان غربی‌ش به همراه رژیم صهیونیستی سعی کرده‌اند که احتمال درگیری با ایران را دائماً در بوته امکان نگه دارند (محبین، ۱۳۹۰: ۶۵). فضاسازی هماهنگ رسانه‌های غربی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، زمینه بهره‌برداری آنها از این بهانه را برای اعمال فشار بر ایران فراهم آورده است. هرچند کاملاً آشکار است که فعالیت‌های هسته‌ای ایران صرفاً بهانه و دستاویزی بوده که آنها به تلاش خود برای رویارویی با تنها رژیم دامن‌بزنند که با ایستادگی در برابر تز نظم نوین جهانی و نیز با تأثیرش بر پیدایش امواج جدید بیداری در کشورهای اسلامی، عملاً اقتدار نظام کنونی جهان را به چالش کشیده است.

مواضع اخیر سران ایالات متحده و رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای غربی علیه ایران سخنان جدیدی نیست. مطالعه رفتارها و تحلیل‌های اسرائیلی‌ها و غربی‌ها در قبال ایران نشان می‌دهد که رفتار فعلی آنها بر اساس امیدها و نگرانی‌های آنها شکل گرفته است.

آنان ایران را کشوری با ترکیب قومیتی متکثر می‌دانند و در همین راستا، سعی کرده‌اند که ناامنی را در مرزهای ایران و در نقاط تماس قومیت‌های ایرانی با همسایگان پدید آورند یا تشدید کنند. پدیدآوری و حمایت از مواردی همچون ریگی در شرق و پژاک در غرب در همین راستا بوده است. آنان چشم امید به تحولات درونی همسو با خواسته‌های خود یا آشوب‌هایی داشته و دارند که کنترل را از دست دولت مرکزی ایران خارج کند. رسانه‌های غربی در همین راستا، آشوب‌هایی مانند اتفاقات سال ۱۳۸۸ ایران را تقویت کردند.

غربی‌ها برای محدود کردن حزب‌الله و قطع رابطه ایران با سوریه حرکت اپوزیسیون در سوریه را فرصت دانسته‌اند و می‌کوشند تا با سرنگونی بشار اسد، هم ارتباط ایران با سوریه را از میان ببرند و هم پل حمایت ایران از حزب‌الله را تخریب کنند و عملاً حزب‌الله را نیز تحت فشار قرار دهند.

در مورد کنترل نفوذ ایران بر جنبش‌های فعال در منطقه، غربی‌ها با تحلیلی واژگونه، نقش سپاه قدس را پررنگ دیده و تصمیم گرفته‌اند برای در بند کردن آن، سپاه قدس را از لحاظ تبلیغی به عنوان عنصر خطرناک جایگزین القاعده سازند. آنان با زیر ذره‌بین قرار دادن سپاه قدس، بنا به زعم خود، می‌خواهند بازوهای فعال ایران در منطقه و بلکه جهان را قطع کنند. در حالی که انگیزه‌ها و مبانی فکری و عقیدتی مشابه بیشترین اثر را در الگوگیری نهضت‌های منطقه از ایران دارد و تقلیل یا انحراف انگیزه‌های تحرک مردم منطقه به پشتیبانی یا دخالت خارجی صرفاً موجب بدفهمی و واکنش نادرست در مورد جنبش‌های منطقه است و قدرت درک و حل مسئله را از کشورهای غربی خواهد گرفت.

در پی ناکارآمدی تحریم‌ها، آمریکایی‌ها می‌کوشند تا با تشدید تحریم‌ها علیه ایران، بر کارآمدی آن در جهت فلج‌سازی ایران بیفزایند و فعلاً هیچ گزینه دیگری

جز تشدید تحریم‌ها را در ذهن ندارند. در تمام مدتی که بازی‌های سیاسی غرب در حال اجرا است، دائماً سر و صدای امکان وقوع جنگ، همچون موسیقی متن به گوش می‌رسد. اما آیا غربی‌ها واقعاً امکان جنگ تمام‌عیار علیه ایران را دارند؟ امکان جنگ محدود و نقطه‌ای را چطور؟ اهداف چنین جنگ‌هایی چه می‌تواند باشد؟ واکنش ایران چه خواهد بود؟ تبعات جنگ چه خواهد بود؟

تحلیل وضعیت فعلی نشان می‌دهد که هدف آمریکا و متحدانش و بویژه اسرائیل از هر جنگی، تأمین هدف نهایی آنان، یعنی شکست نظام انقلابی و اسلامی ایران است. در این راستا، مشکل اصلی آنان احتمال شکست نظام و نیز هزینه‌های احتمالی آن است. امید بستن به فشار همسایگان، نظیر آنچه که اقدام صدام و جنگ تحمیلی برای آن رخ داد، یا نوعی قیام یا شورش درونی، نظیر آشوب‌های ۱۳۸۸، یا تحولات آرام درونی به سمت سکولاریزه کردن نظام، یا فشارهای ایدئائی از حاشیه‌ها، مثل عملیات سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، پژاک و ریگی، عملاً بیش از ۳۰ سال به نظام اسلامی فرصت داده است. پس ناکارآمدی این سناریوها قبلاً آشکار شده است و لذا تنها دو راه برای غربی‌ها باقی می‌ماند:

۱. تضعیف نظام تا حدی که امکان سر باز کردن شکاف‌ها و اختلافات درونی پیش آید و مخالفان درونی آنچنان جسارتی پیدا کنند که همچون ویروس‌های درونی، پیکر ضعیف‌شده نظام را مورد حمله قرار دهند.

۲. وارد آوردن ضربه سنگینی از طریق یک جنگ تمام‌کننده. آنچه که به هریک از این سناریوها اولویت می‌بخشد، میزان هزینه‌ها و فواید آنها است. در میان این دو سناریو، ابتدا هزینه‌های اقدام سخت و خشن را مورد تحلیل قرار می‌دهیم. نخست باید دانست که جنگ علیه ایران به سه صورت امکان تحقق دارد:

۱) جنگ تمام‌عیار فرسایشی با مداخله نیروهای زمینی پس از یک عملیات هوایی مخرب.

۲) جنگ به عنوان مقدمه هدف سیاسی و به منظور ضربه زدن به اعصاب کنترل‌گر نظام (مخچه نظام)، تا با از میان بردن قدرت تعادل نظام اسلامی، عملاً در خوشبینانه‌ترین سناریو، منجر به بروز آشوب در کشور شود و نظام را از درون متلاشی کند، یا آنکه در بدترین سناریو، نظام را از فاز تهاجمی به فاز بقاء بکشند و پای میز مذاکره برای تسلیم بنشانند.

۳) جنگ کانونی یا نقطه‌ای، با هدف از کار انداختن ماشین تهاجمی نظام، بویژه علیه رژیم صهیونیستی.

اما گزینه نخست به چند دلیل زیر از کمترین احتمال برخوردار است:

- امکان هماهنگ‌سازی کشورهای همپیمان برای چنین عملیاتی دشوار و توجیه همه آنها تقریباً ناممکن است.

- تسخیر و کنترل کامل ایران را حتی اگر فرضاً محتمل بدانیم، تأثیرات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک گسترده‌ای در سطح توازن قوای بین‌المللی خواهد داشت و به دلیل قرار دادن کامل کلید کنترل انرژی جهان در دست آمریکا، موقعیت روسیه و چین را شدیداً تهدید خواهد کرد و واکنش آنها را به دنبال خواهد داشت. سابقه تاریخی نبردهای خارج از مرزهای ایالات متحده حاکی است که این کشور بعد از جنگ ویتنام، وقتی که از واکنش کشور هدف مطمئن نبوده، وارد هیچ جنگی نشده است. دو مورد عراق و افغانستان هم علیرغم اطمینان از عدم واکنش سوژه‌ها، به هزینه‌های سنگینی انجامیده که هر حرکت مشابهی را برای آنان غیرعقلانی می‌سازد.

- آمریکا دوره اوج رادیکالیسم در سیاست خارجی را به صورت یکجانبه‌گرایی دوران بوش پسر طی کرد و ظهور ترامپ در واقع، حاصل تجربه گرفتن از اشتباهات دوران قبل بوده است؛ دورانی که تکرار آن هم به وجهه آمریکا صدمه می‌زند و هم توجیه افکار عمومی داخل آمریکا را دشوار خواهد ساخت. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و رقابت‌های انتخاباتی آن در رویکرد سیاست خارجی آن کشور تأثیر قاطعی دارد و

هرگونه جنگی تنها زمانی ارزش انتخاباتی خواهد داشت که نتیجه مثبت آن تا قبل از انتخابات به دست آید، وگرنه هر حرکتی که آغاز شود و تا انتخابات نتیجه مثبت نداشته باشد و حتی چشم‌انداز منفی یا نامعلومی ارائه کند، فقط شکست حزب را تضمین خواهد کرد.

- ایالات متحده در حال حاضر با مشکلات اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی قابل تأملی مواجه است که عملاً افزودن بر آنها از طریق ورود به جنگی با دامنه و هزینه نامشخص پذیرفتنی نیست. گستره ایران با تنوع جغرافیایی و موانع طبیعی آن یاریگر نبردهای فرسایشی است. همچنین، نوع حکومت حاکم و حجم هوادانش که تجربه ژرف و گسترده جنگی دارند، ورود به هر نبرد فرسایشی با این کشور را نامعقول می‌سازد. فقدان اطلاعات کافی غربی‌ها از میزان، نوع، شدت و حتی دامنه واکنش ایران هر حرکتی را در فضایی مبهم، غیرعقلانی و حتی محاسبه‌ناپذیر قرار می‌دهد.

موارد فوق و پاره‌ای عوامل دیگر امکان درگیری گسترده و جنگ تمام‌عیار را تا حد صفر پایین می‌آورد. اما سناریوی جنگ به عنوان مقدمه عمل سیاسی نیز مشکلات خاص خود را دارد که برخی از آنها به قرار زیر است:

برای ضربه زدن به سامانه اعصاب نظام ابتدا باید مطمئن شوند که این نظام با ضربه نخست از کار خواهد افتاد و کارآیی خود را از دست خواهد داد. چنین اطمینانی وجود ندارد، زیرا اولاً نظام سیاسی با کسب تجربه از اقدامات ایالات متحده در قبال کشورهای دیگر پوشش لازم دفاعی را برای حفاظت از مغز سیستم خود در هنگام درگیری‌های محتمل تدارک دیده است. ثانیاً شرایط ایران حاکی از آن است که نظام قادر است با «ساماندهی لانه زنبوری» از انتقال ضربات در هر بخش به دیگر بخش‌ها و مکانیزم‌های درگیر دفاع جلوگیری کند. ثالثاً معلوم نیست ضربه و از کاراندازی مکانیزم تعادلی نظام - حتی اگر ممکن باشد - مفید تلقی شود، زیرا در این صورت، آمریکا با واکنش‌های محاسبه‌ناپذیر بسیاری مواجه خواهد شد که کنترل آنها برایش بسیار پرهزینه خواهد بود.

آمریکا چگونه می‌تواند مطمئن باشد که در صورت زدن ضربه‌ای اینچنینی، نظام ایران به سمت رفتاری نرم با واکنش‌های کنترل‌شده سیاسی خواهد رفت؟ شاید ضربه به سیستم تعادلی کشور ایران را به سمت حرکت‌های رادیکال بکشاند و آتش را به صورت واکنش‌های زنجیره‌ای به منطقه و جهان سرایت دهد. آیا کشورهای منطقه با موقعیت بسیار شکننده‌ای که دارند، حاضرند در چنین ریسکی با ایالات متحده همراه بمانند؟ چنین ضربه‌ای قطعاً آمریکا را اذیت خواهد کرد و کشورهای عربی منطقه را با وضعیت نامطمئن داخلی نابود خواهد ساخت. کشورهای اروپایی چطور؟ آیا آنها حاضرند هزینه‌های حرکت محاسبه‌نشده آمریکا را بپردازند؟ کشورهای اروپایی که اکثراً ارتباط اقتصادی خوبی با ایران دارند، چرا باید برای منفعت بیشتر آمریکا با یک احتمال ضعیف، ولی با هزینه‌ای زیاد وارد یک بازی خطرناک شوند؟ اروپایی‌ها بارها نشان داده‌اند که تمایل دارند شریک نتیجه‌ای بشوند که آمریکا هزینه آن را داده باشد. به عبارتی، مایلند از کیسه آمریکا به جشن و شادی بپردازند. ضمن آنکه آمریکا می‌داند اروپایی‌ها - غیر از انگلیس که در صورت جدایی از آمریکا جزیره‌ای در برابر اروپا خواهد بود - از گرفتاری‌های آمریکا زیاد هم نگران نمی‌شوند، بویژه اکنون که خطر شوروی هم از بین رفته است.

ضربه به سامانه اعصاب نظام و آشوب در کشور هدف روشنی را تأمین نمی‌کند، زیرا دشمن دارای جایگزین‌های فعال و ساماندهی شده‌ای در درون کشور نیست که بتواند آشوب فرضی را تحت کنترل درآورد. هدف «آشوب برای آشوب» نیز اساساً در سیاست معقول نیست، آن هم برای کشوری با مسئولیت‌های آمریکا! بنابراین، چه بسا ممکن است که حتی بر فرض موفقیت، برنامه مورد نظر ایران آشوب‌زده فضای تحرک را برای رادیکال‌های ضدآمریکایی به جبهه گسترده‌ای از افغانستان تا عراق مبدل کند و جهان را نیز به آشوب‌هایی غیرقابل کنترل گرفتار سازد.

در مورد گزینه جنگ نقطه‌ای یا کانونی هم که از درصد احتمال بیشتری برخوردار است، پرسش‌های جدی زیر مطرح است:



نقاط قانونی مورد نظر کجاست؟ مراکز اقتصادی یا نظامی یا سیاسی یا هسته‌ای؟ اگر مراکز اقتصادی را هدف بگیرند، عملاً مردم ایران را مورد تهاجم مستقیم قرار داده‌اند. پس هدف ایجاد شکاف میان حکومت و مردم محقق نخواهد شد و مردم را در حمایت از حکومت بسیج خواهد کرد. چنانچه مراکز نظامی را هدف قرار دهند، با عدم تمرکز یا پراکندگی مرکز نظامی به چه حجمی از پرواز نیاز دارند؟ پس این امر ظرف یک روز و دو روز یا حتی چند ماه محقق نخواهد شد و اساساً معلوم نیست چه ضربه‌ای به نظام دفاعی یا تهاجمی ایران خواهد زد. ضمن آنکه ایران نیز در این میان ساکت نخواهد ماند و واکنش‌های سنگینی نشان خواهد داد که حجم و نوع آن نامشخص است. پس عملاً جنگ نقطه‌ای به جنگی تمام‌عیار تبدیل خواهد شد و حداقل منطقه را به آتش خواهد کشید. اما اگر اهداف سیاسی را مورد تهاجم قرار دهند نیز حمایت مردم از حکومت دوچندان می‌شود. ضمن آنکه عدم تمرکز آن معنی نقطه‌ای بودن را زیر سوال برده و مردم را نیز احتمالاً هدف قرار خواهد داد که اساساً اثر بازدارنده‌ای بر آن مترتب نیست.

اما اهداف هسته‌ای که محتمل‌ترین هدف اسرائیل و آمریکائیان خواهد بود کدام است؟ بوشهر یا چند مرکز هسته‌ای مطرح دیگر؟ آیا حمله به بوشهر که هم اکنون فعال شده است با موازین اعلام‌شده و اعلام‌نشده بین‌المللی همخوانی دارد؟ آیا آلودگی‌های پس از چنین حمله‌ای کشورهای منطقه را دچار وضعیتی همچون وضعیت رآکتور شماره ۴ نیروگاه چرنوبیل اوکراین نخواهد کرد؟ اثرات اقتصادی آن چه خواهد بود؟ آیا این اقدام فارغ از واکنش محتمل ایران، تیر خلاصی به کشورهای جنوب خلیج فارس نخواهد بود؟ این پرسش جدی نیز مطرح است که آیا ضربه به تأسیسات بوشهر منجر به از کارافتادگی سیستم اتمی ایران خواهد شد؟ آیا بوشهر تمامیت توان هسته‌ای ایران است؟ آیا ضربه به یک تأسیسات هسته‌ای توان علمی ایران را نیز از میان خواهد برد؟ آیا ضربه به گوشه‌ای از توان هسته‌ای ایران ارزش پرداختن چنین هزینه‌های سنگین با دامنه‌ای نامشخص را خواهد داشت؟ آیا جهانیان برای وضعیت بحرانی پدیدآمده آمریکا و رژیم

صهیونیستی را خواهند بخشید؟ آیا رژیم صهیونیستی آماده پرداخت سنگین‌ترین هزینه‌های تاریخ محدود خود خواهد بود؟

همه این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر ما را به این باور می‌رساند که هرچند احتمال حمله نقطه‌ای بیشتر از دیگر سناریوها است، ولی وضعیت نامعلوم اقدام به آن و خطرات محتمل برای مرتکبین آن کاملاً این رفتار را غیرعقلانی می‌نماید؛ هرچند سیستم دفاعی ایران نیز خوب می‌داند که حتی اگر این احتمال ضعیف باشد، اما چون محتمل قوی است، باید خود را در بالاترین سطح آمادگی و با فرض حداکثر سطح درگیری نگه دارد.

حال پرسش نهایی این است که اگر هزینه‌های جنگ در وجوه مختلف آن زیاد و عمدتاً نامعلوم است، پس چرا بر طبل آن می‌کوبند؟ پاسخ این است که جنگ به عنوان یک بلوف همیشه وسیله خوبی برای آزمایش اراده طرف مقابل بوده و نیز اهداف چندی را دنبال می‌کند:

- به هراس انداختن مردم، در جهت اعمال فشار به حکومت.
- ایجاد شکاف در حاکمیت.
- اثرگذاری بر وضعیت اقتصادی و کاستن از قدرت حکومت در توجیه شرایط برای مردم.
- ایجاد بحران‌های درونی از طریق دامن زدن به وحشت عمومی.
- نتیجه‌گیری در حوزه تعاملات سیاسی.
- کشاندن حکومت از فاز تهاجم به فاز دفاع، آن هم دفاع از بقاء و ماندگاری خود.
- آزمودن حد آستانه بحران‌پذیری نظام.

## بازدارندگی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

اقدامات بازدارنده به اقداماتی گفته می‌شود که از ورود نیروهای دشمن و یا متحدانش به منطقه بحران یا ارسال کمک‌های سیاسی - نظامی به آنها جلوگیری شود و از طریق نمایش قدرت یا دیپلماسی صورت می‌گیرد. اقدامات بازدارنده معمولاً در مرحله اولیه بحران انجام می‌گیرند، هرچند بازدارندگی ممکن است حتی پس از شروع درگیری نیز ادامه یابد.

تشخیص اینکه چه زمانی بازدارندگی موفق خواهد بود و یا شکست خواهد خورد، ضرورت داشته و باید احتیاط لازم مد نظر قرار گیرد. این احتیاط با توجه به مشکلات ناشی از تشخیص موارد مربوط به بازدارندگی اعمال شده و نیز نتایج متمایز بدست‌آمده مبنی بر موفقیت بازدارندگی صورت می‌گیرد.

### • شناخت متخاصم

در مرحله نخست، با شناخت دشمن و همچنین، تهدیدات از جانب دشمن متخاصم و شناخت کامل ظرفیت‌ها و توانایی‌های دشمن، می‌توانیم با افزایش پتانسیل‌های خود در جنگ امنیت و بقاء کشور گام برداریم. لازم به توضیح است که باید در شناسایی نقاط آسیب‌پذیر خود منطقی عمل کرده و شیوه‌های مناسب را برای تهدیدات و مدیریت بحران اتخاذ کنیم. مجموعه بحث پیرامون شناخت در سه سطح به شرح زیر قابل بررسی می‌باشد:

الف) شناخت خود؛

ب) شناخت متخاصم؛

ج) شناخت فضای سیاست بین‌الملل.

بر اساس شواهد موجود، ایالات متحده آمریکا حیطة امنیت و منافع ملی خود را در سطح جهانی تعریف می‌کند و به تعبیری دیگر، مفهوم هژمونی بهترین توصیفی است که می‌تواند رفتار آمریکا را در نظام بین‌الملل توضیح دهد، چرا که آمریکا همواره به دنبال ایفای نقش رهبری در سیاست بین‌الملل می‌باشد. در واقع، پس از شکست ایدئولوژی کمونیسم، آمریکا با اعلام پیروزی لیبرال دموکراسی، درصدد تحمیل موقعیت خود به عنوان رهبری و مدیریت جهان بود. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان بازیگری با قدرت در سطح منطقه شناخته شده است. هدف ایران مطابق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در آفریق ۱۴۰۴، دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب‌غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) و با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل می‌باشد. بنابراین، راهبرد دفاعی ما باید متکی بر خلاقیت، قدرت و منطبق با تهدیدات نوظهور و خاص طراحی گردد و تحقق این موضوع مستلزم تشریح مسئله، شناختن بهترین زمان در دسترس و ابتکار منظم نیروها از بالاترین سطوح نیروی نظامی است. شناخت متخاصم ما را با سیستمی توانمند برای بازتعریف روند جاری تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و روش‌ها بر ضد تهدیدات جدید مجهز می‌کند. این سیستم ابداع راه‌حل‌های مناسب را برای مسائل جدید در اختیار ما گذاشته تا راهکار مناسب را به انجام رسانیم. بنابراین، چنانچه نسبت به دشمن شناخت حاصل شود، شکل‌دهی استراتژی موفقیت‌آمیز بازدارندگی به مراتب آسان‌تر می‌گردد، که حصول این امر مستلزم صرف دقت و صبر بسیاری است. سرانجام اهداف، انتظارات و همچنین گرایش به مخاطره اشخاص و گروه‌های متنفذ شناخته شده، توانایی‌ها، پتانسیل‌ها و قابلیت‌های نظامی دیپلماتیک و اطلاعاتی متخاصم مورد بررسی قرار می‌گیرد (سند چشم‌انداز ۱۴۰۴).

## • اعتبار

اعتبار عبارتست از متقاعد ساختن متخاصم مبنی بر اینکه اراده و وسایل لازم برای اجرای تهدیدات و عهد و پیمان وجود دارد. این مطلب در بیان سایر موارد به معنای تبادل پیام‌های غیرمتناقض می‌باشد (گرن هام، ۱۳۷۹: ۱۵۲). پاسخ‌های تهدیدآمیز باید به نوعی باشد که دشمن باور کند ایران می‌تواند به حمله تلافی‌جویان دست زند و به این اقدام مبادرت خواهد ورزید. عدم تقارن در اراده زمانی امکان خواهد داشت که یک طرف بقاء یا حیات خود را در معرض خطر ببیند و طرف دیگر به دنبال حفظ و افزایش منافع باشد که منافع حیاتی کم‌اهمیت‌تر را در پی داشته باشد. عدم تقارن در اراده، طرفی را که در معرض خطر بیشتر است، مجبور می‌کند تا با تحمل بیشترین هزینه، به اقداماتی دست زند که هر دشمن دیگری ممکن است از نظر اخلاقی یا منطقی از پذیرش آنها خودداری کند.

در رابطه با ایران نیز، بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ایران باید از مطلوبیت‌های خود در خاورمیانه بیشترین بهره‌برداری را انجام دهد، البته با توجه به این مطلب که ماهیت تهدیدات کاملاً نسبی است و هر اقدام نامناسبی امکان دارد سطح تهدیدات را افزایش دهد، الگوی مورد نظر ایران باید قابلیت‌های تولید قدرت ملی را افزایش دهد. البته توان و قدرت مسلحانه یک کشور در برخورد با دشمن خارجی از جمله مؤلفه‌ای اساسی قدرت ملی است که تعداد نیروهای مسلح، توانایی رهبری و فرماندهی، فناوری نظامی - دفاعی و تسلیحات دفاعی و آموزش‌های نظامی هر واحد سیاسی را شامل می‌شود. اما برای استخراج بزرگ‌ترین سرمایه جهت افزایش توان بازدارندگی سیستم، باید به حوزه داخلی کشور توجه فراوان شود. این اهمیت تا آنجایی است که تنها بعد سخت‌افزاری دفاعی ما از این مؤلفه، مستقل عمل می‌کند و سایر حوزه‌های دیپلماسی و دفاعی بدان وابستگی انکارناپذیری دارند و در نتیجه، هیچ چاره‌ای جز نشان دادن یک اراده قوی برای از بین بردن بسترهای سوءاستفاده بیرونی از مسائل داخلی وجود ندارد.

هم‌اکنون توان دفاعی کشور برای انجام عملیات‌های لازم در وضعیت مناسبی قرار دارد و در این بخش نیز بازوی بازدارندگی دفاعی کشور بر پشتوانه ملی استوار است (شعبانی، ۱۳۷۹: ۱۰۵)؛ لذا ساماندهی وضعیت دفاعی در راستای تأمین و تحقق اهداف امنیت ملی کشور در واقع اصلاح ساختارها و سازوکارهای (مکانیزم) تصمیم‌گیری در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و استفاده بهینه و مطلوب از بودجه دفاعی در راستای استراتژی بازدارندگی نظامی کشور می‌باشد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران برای افزایش اعتبار بازدارندگی در جهت قدرت‌سازی برای مقابله با تهدیدات گام برداشته و ضرورت دارد همواره بر موارد زیر دقت نظر داشته باشد:

- تقویت وفاق و اراده ملی با کاهش بی‌عدالتی‌های اجتماعی؛
  - ایجاد مکانیزم مناسب برای توزیع عادلانه درآمدها و منابع؛
  - توسعه سیاسی و آزادی‌های مدنی؛
  - جلوگیری از شکاف ارزش‌ها بین حکومت و ملت؛
  - کسب اعتبار و وجهه مثبت بین‌المللی از طریق اقناع افکار عمومی؛
  - حفظ آمادگی نظامی و ارتقاء آن در راسای استراتژی بازدارندگی.
- در این صورت، ایران با مجهز بودن به توانمندی‌ها و قابلیت‌های بالا موجب می‌شود که دشمنان بالقوه علاقه کمتری برای انجام عملیات‌های نامتقارن بر ضد ما داشته باشند.

### • باورپذیری

باورپذیری همانگونه است که رابرت جرویس در خلال جنگ سرد بیان کرد: «این استدلال که تهدید آمریکا به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای اعتبار چندانی ندارد، این ذهنیت به ظاهر صحیح را به وجود می‌آورد که تنها انداک اعتباری مورد نیاز است.» (jervis, 1984) بنابراین، رویکرد بازدارندگی زمانی موفق خواهد بود که این باور را ایجاد کند که میزان خساراتی را که می‌توان در

صورت جنگ احتمالی به دشمن وارد کرد، به قدری زیاد است که ضرورت دارد تا دشمن به بی‌ارزش و بیهوده بودن عمل مورد نظرش بیندیشد.

رویکردهای نامتقارن می‌توانند از طریق بکارگیری ماهرانه عامل روانی، تأثیر قدرتمندی بر جای گذارند. این رویکردها که مستقیماً اراده دشمن را هدف قرار می‌دهند، می‌توانند کمبود تجهیزات یا دیگر کاستی‌ها را جبران کنند و در واقع، با اتکاء بر عنصر روانی، یک رویکرد مبتکرانه را به کار گیرند. لذا باید توجه داشت که تنوع اندیشه در انسان‌ها و بکارگیری خلاقیت و توانایی‌های منحصر بفرد باعث می‌شود که هر اندیشمندی به سود و زیان خود قبل از تجاوز به دیگران بیندیشد. بر همین اساس، «عملاً این ذهن دشمن و بویژه اراده اوست که هدف قرار داده می‌شود. این مسئله تأکید مجددی می‌باشد بر این اصل کلارویتس که جنگ اقدامی است زورمدار که دشمن را وادار به پذیرش خواست ما می‌کند.» (کنت مکنزی، ۱۳۸۲: ۱۹۱)

با توجه به موارد مذکور، ایران می‌تواند با تکیه بر توانمندی‌های بالقوه و بالفعل خود و مهم‌تر از آن، بنیادهای معنویش، انجام این استراتژی را برای آمریکا بسیار سنگین سازد. افزایش اتحاد ملی و انسجام اسلامی در ایران از یک طرف و تفوق در سطح مرجعیت در خصوص سرنوشت انتخابات عراق و بالأخره تأثیر ایدئولوژیکی ایران در لبنان، نشانگر بالا رفتن مانور ظرفیت مدیریت تغییر در منطقه توسط جمهوری اسلامی ایران است. رخدادهای عراق و لبنان با تولید قدرت الهام‌بخش انقلاب اسلامی در این دو کشور است که این موضوع از دید استراتژیست‌های آمریکا دور نخواهد ماند. این امر نشانگر آن است که الگوهای مورد نظر ایران در منطقه در حال ارتقاء می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران دارای قابلیت‌های نهفته‌ای برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی است که با بهره‌گیری از توانمندی‌های کمی و کیفی خویش و ائتلاف و همکاری با متحدان منطقه‌ای در تلاش برای ارتقاء موقعیت خود در منطقه می‌باشد و همچنین، می‌تواند این باور را به دشمن القاء کند که حمله به ایران مخاطرات فراگیری را برای مهاجم در پی خواهد داشت.

### • عامل زمان

اقدامات بازدارندگی باید پیش از آنکه متخاصم تصمیم خود را عملی سازد، اخذ شود. جان اورما در همین زمینه اظهار می‌دارد:

«چنانچه تلاش‌های بازدارندگی با تأخیر مواجه شود، بیشتر جنبه اجبار به خود می‌گیرد، چرا که [...] قطعاً مهاجم دلیلی برای توقف عملیات در حال پیشرفت نمی‌یابد [...] تا اینکه به سادگی از حمله صرف‌نظر نماید.» (John orme, 1987)

عدم تقارن زمان بیشتر در جنگ‌هایی است که حساسیت زمانی نسبت به اختتام جنگ در یکی از دو طرف جنگ مشاهده شود. برای نمونه، عدم تقارن هنگامی روی می‌دهد که حریفی به جنگ وارد شود که تمایل دارد جنگ به درازا بینجامد، در حالی که طرف مقابل آن، تنها در کوتاه مدت می‌تواند به هدف خود برسد، مانند ایالات متحده که به دلایل گوناگون ترجیح می‌دهد درگیری‌های مسلحانه به سرعت پایان یابند.

گذشته از عامل زمان در دیپلماسی و اقدامات دفاعی ما، برای ایالات متحده نیز عامل زمان در نبردها بسیار حیاتی می‌باشد. بدین معنا که جنگ ضرورتاً نباید طولانی گردد؛ لذا می‌توان از این آسیب‌پذیری دشمن بهره گرفت، به گونه‌ای که زمان عملیات را برای دشمن طولانی تعریف کرد. در واقع، با القاء این موضوع که ما با مقاومت در برابر تهاجم ایستادگی کرده و زمان جنگ را پیش‌بینی‌ناپذیر خواهیم کرد، به اقدامی مؤثر و بازدارنده دست زده‌ایم.

بازدارندگی ایران در حوزه دیپلماسی با فراز و نشیب‌های بسیاری مواجه است، واکنش دیپلماتیک باید عامل زمان را در نظر بگیرد، تا حداکثر نتیجه مطلوب حاصل شود.

### • اعمال فشار، اهرم مقابله با تهدیدات نامتقارن

اقدامات اعمال فشار ترکیبی از تهدیدات نظامی و دیپلماسی است که علیه دشمن و متحدین آن انجام می‌شود، تا مانع از ایجاد پایگاه نظامی و یا پیشروی نیروهای دشمن شود، که از یکسری فعالیت‌های پنهان و آشکار بهره می‌گیرد، تا



متحدین دشمن را مورد تهدید قرار داده و یا اینکه آنها را تحت فشار قرار دهد. از مهم‌ترین ابزارهای اعمال فشار، داشتن موشک‌های بالستیک و جنگ‌افزارهای کشتار جمعی است.

جمهوری اسلامی ایران به واسطه بسترهای متعارف و غیرمتعارف قدرت خویش در منطقه می‌تواند از خط‌مشی‌های مؤثری برای عملیاتی کردن استراتژی‌های طراحی‌شده بهره‌مند شود.

### • توانایی

متخصصین بالقوه باید این را بدانند که عوامل بازدارنده توانایی اعمال تهدیدات خود را دارد. در اینجا توانایی در دو محور اصلی نظامی و سیاسی مد نظر قرار گرفته شده است:

#### ✓ توان نظامی

در این راستا، حفظ و ارتقاء آمادگی دفاعی به عنوان ابزار عملی برای حفظ و افزایش قدرت بازدارندگی، ضامن امنیت ملی کشور است. تقویت روزافزون توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران یک استراتژی پایدار برای کشور است که در این راستا، تجربیات ناشی از جنگ، هرچه بیشتر مسئولان نظام را نسبت به ضرورت توانمندی نظامی کشور واقف ساخت. وضعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، کمیت و کیفیت جمعیت، سطح توسعه اقتصادی، تکنولوژیک و توان نظامی، جمهوری اسلامی ایران را به صورت یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار در سطوح جهانی و منطقه‌ای درآورده است. ایران از طریق بازسازی امنیتی و نظامی خود به قدرت و توان نظامی چشمگیری دست یافته است، بویژه که در زمینه موشکی نیز موفقیت‌ها و دستاوردهای بزرگی را کسب کرده است.

با توجه به موارد مذکور، توان نظامی ایران همواره کارکردی دفاعی و بازدارنده داشته است که جهت دستیابی به منابع نظامی، آن هم با توجه به تحریم‌های آمریکا و رقابت‌های حساس منابع قدرت، هدایت شده که

مهم‌ترین آنها سرمایه‌گذاری در حوزه تسلیحاتی و موشکی است. دستیابی به توان موشکی می‌تواند توان بازدارندگی را به تجاوزهای منطقه‌ای تضمین کند.

با وجود این، ایران حمله به تأسیسات خود را تحمل نخواهد کرد. در نتیجه، در اقدامی متقابل، برنامه‌ریزان نظامی ارتش و سپاه اهدافی را برای مقابله به مثل بر خواهند گزید، هر چند شاید اهداف دوربرد خود در آمریکا را نتوانند هدف بگیرند، اما یقیناً در صورت لزوم، اهداف نزدیک‌تر مانند تأسیسات آمریکا در خلیج فارس و کشورهای عربی و یا اسرائیل را مورد توجه قرار خواهند داد.

### ✓ توان سیاسی

ایران برای افزایش قدرت و توان سیاسی خود به دنبال تعریف بحران‌های منطقه‌ای موجود و تلاش برای حل آنها در قالب راهکارهای منطقه‌ای است. یعنی راهبردی که بر همکاری‌های منطقه‌ای استوار باشد، به گونه‌ای که از طریق ائتلاف و اتحاد با قدرت‌ها و کشورهای دیگر بر قدرت خود بیفزاید.

افزایش قدرت طیف وسیعی از ابزارها و روش‌ها را می‌طلبد. در این میان، بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک در مقابله با تهدیدات بسیار مؤثر می‌باشد. اکنون تحرک دیپلماتیک می‌تواند بسیاری از تهدیدات را خنثی نماید. به این معنا که استفاده از رویکردهای مبتنی بر تعامل سازنده در سیاست خارجی زمینه همبستگی استراتژیک ایران با سایر کشورها را فراهم خواهد کرد.

پس از بالا بردن ارتقاء توان سیاسی در سطح خارجی، تحکیم پایه‌های قدرت داخلی دارای اهمیت بسیاری است، لذا تقویت مقبولیت نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح داخلی ضروری می‌باشد، به گونه‌ای که از نظر سیاسی، کارآمدی خود را افزایش داده و بتواند خواسته‌های جامعه را تحقق بخشد و در راستای حکومت‌مداری خوب گام بردارد. به گمان

بسیاری از تحلیلگران داخلی، برای عبور از گردنه تهدیدات خارجی، ایران نخست باید درون خانه را مرتب کند؛ لذا در کشوری مانند ایران با تنوعات قومی، افزایش جمعیت جوان، پیدایش فضای ارتباطاتی نوین از قبیل ماهواره و اینترنت و همچنین، تحولات منطقه‌ای، شناخت و درک وضعیت موجود ضروری می‌باشد، چرا که سهل‌انگاری بی‌شک عواقب جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت.

### • نفوذ

بازدارندگی را می‌توان به طور کلی نوعی رابطه سیاسی و اجتماعی دانست که در آن، طرف اول می‌کوشد تا در رفتار طرف دوم در جهت هدف یا اهداف خاصی اعمال نفوذ کند. نفوذ ممکن است از طرق مختلف و در جهت هدف‌های متفاوت به کار برده شود، اما بازدارندگی شامل نوع خاصی از اعمال نفوذ است که ضمن آن، طرف مقابل تهدید می‌شود که چنانچه در جهت مطلوب عمل کند، مورد مجازات یا دست کم محرومیت قرار نخواهد گرفت.

نفوذ و تأثیرگذاری بر حلقه‌های گسست استراتژی دشمن یکی از مهم‌ترین پارامترهای جنگ نامتقارن می‌باشد. بر این اساس، دارا بودن توانمندی‌های دیپلماتیک و قدرت تأثیرگذاری بر مناطق حساس و مورد نظر دشمن حائز اهمیت می‌باشد. از اینرو مداخلات و تأثیرگذاری ایران در واقع در تقابل با سیاست‌های آمریکا در منطقه بوده و اهداف و طرح‌های آمریکا را به عنوان قدرت برتر منطقه به چالش کشیده است؛ لذا یک رویکرد نامتقارن ممکن است بازیگران منطقه‌ای را به طور غیرمستقیم تشویق به عدم همکاری با آمریکا نموده و در نتیجه، عزم و اراده آمریکا برای وارد عمل شدن را تحت تأثیر قرار دهد.

آنچه مسلم است اینکه جایگاه و موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه پس از سرنگونی طالبان و صدام ارتقاء محسوسی یافته، که این خود موجب خلق فرصت‌هایی برای ایران شده است. دورنمای به قدرت رسیدن شیعیان عراق باعث همگرایی بین ایران و عراق در منطقه گردیده. بنابراین، ایران می‌تواند از نفوذ و

تأثیرگذاری خود در عراق و افغانستان استفاده کرده و دیپلماسی خود را برای مقابله با تهدیدها و روابط با کشورهای دیگر گسترش دهد و از طرفی نیز، به گونه‌ای برخورد کند تا بازیگران منطقه‌ای به این نتیجه برسند که بدون برگ ایران، امکان بازی موفق در منطقه ممکن نمی‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران همچنین می‌تواند نفوذ غیرملموس و پوششی در کشورهای منطقه ایجاد کند و با قدرت اراده و اعمال نظر در جهت خنثی نمودن هر نوع تهدید یا توطئه احتمالی دشمن گام بردارد. در راستای سیاست نفوذ، ایجاد توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی با کشورهای مستقل همجوار در منطقه و تلاش بر توسعه روابط از سطح تضاد به اختلاف، از اختلاف به تعارض و از تعارض به دوستی ضروری می‌باشد. همچنین، ایجاد روابط اقتصادی و جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به عنوان عامل ضربه‌گیر مؤثر در برابر تهدیدات بالفعل و بالقوه بسیار مؤثر می‌باشد؛ لذا با تکیه بر ارتقاء موقعیت اقتصادی، به گونه‌ای که بتوان به یک قدرت با نفوذ اقتصادی در منطقه تبدیل گردد، می‌توان از این طریق امکان تسری به موفقیت‌های سیاسی را تسهیل نمود.

نفت به عنوان عامل مهمی در محاسبات ایران و آمریکا قرار دارد، چرا که ایران در صورت تهدید، اگر تحت فشار قرار گیرد، برای بازداشتن آمریکا از تهدیدات، تنگه هرمز را می‌بندد و راه انتقال نفت در خلیج فارس را مسدود می‌کند، که این امر پیامدهای سنگینی را برای قدرت‌های بزرگ به دنبال دارد. وزارت دفاع آمریکا نیز این تهدیدها را بسیار جدی می‌گیرد. رئیس آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا - دریادار لوول ای جاکوبی - روز ۱۶ فوریه ۲۰۰۵ در کمیته اطلاعاتی سنا گفت: «به نظر ما، ایران می‌تواند برای مدت کوتاهی تنگه هرمز را ببندد و برای این کار از نیروهای دریایی، هوایی و زمینی استفاده کند.» (قدیری، ۱۳۸۴: ۹۴)

ایران موقعیت استراتژیکی مناسبی در شمال خلیج فارس دارد و در جایگاهی است که می‌تواند چاه‌های نفت عربستان سعودی، کویت و امارات را تهدید کند و همچنین، دهانه تنگه هرمز را در اختیار دارد. بنابراین، با توجه به نفوذ اقتصادی

ایران در منطقه، در صورت شدت یافتن تهدیدات علیه ایران، شاهراه حیاتی انرژی در خلیج فارس در معرض خطر قرار می‌گیرد.

### • مخاطره‌جویی

موضوع مخاطره‌جویی در رابطه با بازدارندگی بسیار حائز اهمیت است، چرا که بازدارندگی تصمیم‌گیران خطرگریز به آسانی صورت می‌گیرد، اما بازدارندگی رقبای خطرپذیر به سختی انجام می‌شود. تصمیم‌گیرندگان بی‌تفاوت نسبت به خطر نیز به یک اندازه به ضررهای احتمالی و ثمرات پیروزی اهتمام می‌ورزند. چنانچه منفعت مورد انتظار تخاصم برابر با منفعت حاصل از شرایط موجود باشد، تصمیم‌گیرندگان خطرگریز به هیچ وجه مخاطره نکرده، اما رهبران خطرپذیر برعکس مخاطره می‌نمایند و تصمیم‌گیرندگان بی‌تفاوت به خطر، نسبت به آن بی‌تفاوت خواهند بود.

محور اصلی فعلی در مقابله با تهدیدات آمریکا با تأکید بر روی عدم ماجراجویی در قضایای نظامی بیرونی و آمادگی درونی استوار شده است. ایران برای عدم درگیری با بسیاری از کشورهای همسایه از مداخله در جنگ‌های داخلی آنها دوری نمود، از جمله درگیری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، تاجیکستان و جنگ استقلال طلبانه چین. در تمامی این موارد، ایران نشان داد که مصلحت‌گرایی و حفظ منافع ملی در صدر اولویت آن قرار دارد.

از دیگر متغیرهای تأثیرگذار ایران با جهت‌گیری سیاست خارجی، واکنش‌های دیپلماتیک می‌باشد. در این چهارچوب، بهتر است دستگاه دیپلماسی از تأکید آشکار بر روی بهره‌برداری از اهرم‌های نظامی و شبه نظامی، که خاصیتی برخوردگرایانه در جبهه عمق استراتژیک دارند، اجتناب نماید؛ لذا می‌توان از ورود غیرضروری به حوزه اهرم‌های متقابل خودداری نمود. در این نوع دیپلماسی، استفاده از ادبیات تهاجمی به نفع مخاطبان و ناظرانی خواهد بود که درصدد یافتن بهانه‌های توجیه‌کننده برای اقدامات بعدی خویش می‌باشند.

تحلیلگران و طراحان حوزه‌های نظامی و سیاسی کشور نیز می‌توانند سناریوهای لازم برای مقابله با رخداد‌های احتمالی ناشی از حمله آمریکا به ایران، درگیری‌های قومی و افزایش تحرکات مستقیم ضدایرانی در قالب جنگ نرم را مد نظر قرار داده و تدابیر مناسبی برای کاهش کشمکش‌ها و برخوردهای احتمالی اتخاذ کنند. بنابراین، خودداری از درگیری، بازدارندگی و در نهایت، جلوگیری از تجاوز در صورت تهدید شدن و شکست آن در صورت وقوع جنگ را مد نظر قرار دهند.

#### • اقدامات ضداستقرار (عامل بازدارنده تهدیدات ناهمگون)

اقدامات ضداستقرار شامل سیستم‌های جنگ‌افزار نظامی، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و رویه‌هایی است که به صورت عامل یا غیرعامل، مانع از استقرار نیروهای آمریکایی و متحدان آن در بندرها و پایگاه‌ها، تخلیه نیرو و تجهیزات در منطقه در کشورهای متحد و دوست شده و یا روند آن را کند می‌سازد. اینها اقداماتی است که از پیش انجام یافته تا آزادی حرکت و عمل دشمن را در مناطق همجوار با مشکل مواجه سازد (مکنزی، همان).

با توجه به اینکه جنگ نامتقارن دارای ابعاد متفاوت و متنوعی است، می‌توان گستره وسیعی از صحنه‌های نبرد را از جنگ‌های شبکه‌ای تا جنگ‌های مین، محدوده جنگ‌های نامتقارن دانست که همانا توانمندی‌های تسلیحاتی و نظامی، تاکتیکی و فریب قلمداد می‌شوند.

از آنجا که تهدیدات بسیاری امنیت ملی ایران را تحت‌الشعاع قرار داده است، لذا ضرورت بکارگیری شیوه‌های کارآمد، تلاش‌های مستمر و ابتکار عمل برای مقابله با تهدیدات وجود دارد. مکانیزم مقابله با نیروهای تهدیدکننده، متغیر خواهد بود و به همین دلیل تغییر می‌یابد که پویایی‌های مشهودی در سیاست بین‌الملل وجود داشته و به موجب آن، نقش ملی کشورها با تغییرات و دگرگونی‌های محسوس و قابل توجهی روبه‌رو می‌شود. طبعاً در چنین وضعیتی، شاهد تغییرات الگویی در روش‌ها و پیگیری سیاست خارجی خواهیم بود.

## • ترکیب استراتژی‌های بازدارندگی

استین استدلال می‌کند که کارایی استراتژی‌های متفاوت بستگی به انگیزه متخاصم دارد. چنانچه بیم و یا راهکار سیاست داخلی عامل محرکه باشد، تجدید اطمینان و سازش نتیجه بسیار ثمربخشی خواهد یافت. اعمال بازدارندگی از طریق مجازات و یا تحذیر بیشترین کارایی خود را در متخاصمین فرصت‌طلب دارد. با این حال، چنانچه انگیزه‌های متخاصم در هم آمیخته شود، تجدید اطمینان به عنوان بازدارندگی تکمیلی، کارایی بیشتری می‌یابد (گرن هام، همان). به عنوان مثال، بازدارندگی از طریق تحذیر باید به کمک تهدید به اعمال مجازات تقویت شود، تا بدین وسیله بازدارندگی تشدید یابد. این صرفاً یک نمونه از چگونگی ترکیب تاکتیک‌های مختلف است. بنابراین، با توجه به موارد ذکرشده، ملاحظه می‌کنیم که اشکال متفاوتی برای دست یافتن به بازدارندگی ترکیب‌شدنی هستند. تعیین مطلوب‌ترین استراتژی کاربردی در موردی خاص به آسانی انجام نمی‌پذیرد.

شاید در یک تعریف ساده بتوان گفت: بازدارندگی در برابر تهدیدات نامتقارن، می‌تواند اراده طرف مقابل و توانایی آزادی عمل را از او بگیرد (خبیری، ۱۳۸۲). در فرآیند بررسی بازدارندگی ترکیبی، ما می‌توانیم از عناصر اصلی و تشکیل‌دهنده تهدیدات نامتقارن که در قبل نیز مطرح شد، بهره‌برداری نماییم. مجموعه این عناصر را به شرح زیر می‌توان خلاصه نمود:

- استفاده از روش‌های مبتکرانه و خلاقانه در جهت بازدارندگی تهدیدات نامتقارن می‌تواند در راستای تحمیل بن‌بست، جنگ چریکی، براندازی و جنگ اطلاعات، رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف، روش‌های مبتکرانه، پوشاندن، استتار، فریب برای جلوگیری از شناسایی تهدیدها و مقابله با آنها باشد. لذا با ابتکار عمل، اقدامات غیرمنتظره، ابزار نامرسوم غافلگیری، فریب و عزم و اراده پولادین می‌توان سررشته امور را از مدار پیش‌بینی خارج ساخته و انسجام استراتژی دشمن را از هم پاره کرد.

- بهره‌گیری از نقاط آسیب‌پذیر دشمن به منظور بازدارندگی؛ به گونه‌ای که آسیب‌پذیری‌های ناشناخته دشمن را هدف قرار دهد. یعنی اندیشیدن، سازماندهی کردن و انجام عملیات متفاوت از آنچه دشمن انجام می‌دهد، به منظور به حداکثر رساندن برتری‌های خود یا بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن، که همان تکیه بر حلقه‌های گسست دشمن می‌باشد. استفاده از فناوری‌های پیشرفته، که ویژگی دوران سریع است، بخصوص ویژگی دوران تغییرات انقلابی، برپایی جنگ‌های اطلاعاتی و انقلاب در امور نظامی می‌باشد.
- تضعیف اراده برتر دشمن که در بخش‌های پیشین در عناوین باورپذیری، توانایی و نفوذ مطرح شد. هدف از این اقدام تضعیف اراده دشمن قوی برای جنگ است، به این معنا که هیچ سهمی برای طرف مقابل در نظر گرفته نشود که در اینجا بازی با حاصل جمع جبری صفر مد نظر است.
- تأکید بر تأثیرات نامناسب. هدف بازدارندگی ایجاد تأثیرات نامناسب از طرق مختلف، مانند شوک‌آفرینی و مختل کردن اراده، ابتکار و آزادی عمل دشمن می‌باشد.
- عدم تقارن بویژه در شیوه‌ها، فناوری‌ها، ارزش‌ها، سازمان‌ها، نسبت‌های زمانی و یا ترکیب‌هایی از اینها را شامل می‌شود. این عدم تقارن می‌تواند کوتاه‌مدت یا بلندمدت باشد، که هر دو بعد فیزیکی و روانی جنگ را دربرمی‌گیرد (مکنزی، همان).
- تاکتیک‌های متفاوت بر ضد دشمن نامتقارن، در واقع آنهایی می‌باشد که ممکن است قبلاً آن ترکیب ویژه از گزینه‌ها را استفاده نکرده باشیم، یا امکان دارد مجبور باشیم گزینه‌هایی نو و بدیع را برای مقابله با عدم تقارن درهم بیامیزیم. در هنگام برخورد با یک وضعیت، گزینه‌های رهبران باید از میان تنوعی از راه‌حل‌های ممکن و موافق‌گزینش شده و با تدابیرشان در برابر پیشامدهای موجود در نقطه درگیری باشد (جی انکر کلینتون، ۱۳۸۳).



## • اقدامات ضدتهاجم

اقدامات ضدتهاجمی، سیستم‌های جنگ‌افزار نظامی، تاکتیک‌ها و روندهایی را به صورت عامل یا غیرعامل شامل می‌شود که به منظور خنثی کردن توانمندی آمریکا و متحدانش در منطقه می‌باشد. در فرایند بررسی اقدامات ضدتهاجم با این عامل برخورد می‌کنیم که اگر صلح می‌خواهی مهیای جنگ باش، لذا بهره‌گیری از دفاع عامل و غیرعامل مد نظر می‌باشد. دفاع عامل نه تنها شامل سیستم‌های دقیق پدافندی، مانند موشک‌های زمین به هوا می‌شود، بلکه جنگ‌افزارهای آفندی با قابلیت دفع متجاوز را نیز دربرمی‌گیرد.

دفاع غیرعامل مشتمل بر موانعی بزرگ از قبیل دیوار بزرگ چین و خط ماژینو فرانسه و نیز مستحکم ساختن اهداف نظامی و غیرنظامی جهت ایمن‌سازی آنها در برابر حملات می‌باشد (گرن هام، همان).

اعمال بازدارندگی از طریق شرایط منحصرأ دفاعی غیرممکن خواهد بود، بویژه هنگامی که مبتنی بر دفاع غیرعامل باشد. دفاع عامل که به یقین توانایی تهدید به وارد آوردن خسارات مستقیم و یا غیرمستقیم بر امکانات اقتصادی و یا نظامی متخاصم را دارد، از احتمال بازدارندگی بیشتری برخوردار است (همان).

شیوه‌های دفاع غیرعامل، مانند استتار و فریب، برای جلوگیری از شناسایی اهداف و آسیب زدن به آنها استفاده می‌شود و در صورت توجه به برخی از ابزارها و عناصر دفاع عامل، استفاده از موشک و هواپیماهای بدون سرنشین، که دسترسی به آنها ارزان و امکان شناسایی و کنترل آنها دشوار است، و یا در صورت بروز شرایط حاد، حتی تهدید به استفاده از عوامل کشتار جمعی از جمله راه‌حل‌هایی است که می‌توانند در برابر مهاجم مؤثر واقع شوند. مخفی نمودن توانایی‌ها یا گمراه کردن هدف حمله نسبت به اهداف، استراتژی و توانایی‌ها نیز بر آسیب‌پذیری طرف مقابل خواهد افزود (مختاری، ۱۳۸۰). به هر ترتیب، استراتژی دفاعی مناسب در قالب دو مکانیزم مطرح می‌باشد:

الف) استراتژی متعارف به گونه‌ای که منابع قدرت را افزایش دهیم.

ب) در صورت عدم موفقیت، آمادگی برای رویارویی در جنگ نامتقارن ضروری است.

بنابراین، الگوی انتخابی برای ایران راهبرد دفاعی با دو رویکرد بازدارندگی و نبرد نامتقارن می‌باشد. این نوع جنگ‌ها جنگ‌هایی هستند که گروه‌های کوچک نظامی یا شبه‌نظامی علیه ارتش‌های قوی‌تر و بزرگ‌تر انجام می‌دادند. عدم تقارن و ناهمطرازی در شمار نیروها و قدرت از ویژگی آن بوده است که طرف ضعیف نیز با بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن قوی‌تر خود تلاش می‌کند تا اراده خویش را بر او تحمیل کند و یا از تحمیل اراده او جلوگیری نماید.

تجربه جنگ افغانستان و عراق بیانگر این موضوع است که آمریکا برای برآورد هزینه‌های حمله به مواردی خاص توجه دارد. در واقع، ما می‌توانیم این محاسبات و همچنین برآورد هزینه‌ها را شناسایی کرده، در این محاسبات دستکاری نموده و آنها را به نفع خود بر هم زنیم. به عنوان مثال، آمریکا در جنگی وارد نمی‌شود، مگر اینکه:

- از پیروزی اطمینان داشته باشد؛
- تمامی پروسه جنگ را در کنترل خود داشته باشد؛
- پیروزی سریع و قاطع در پی داشته باشد؛
- احتمال ریسک در جنگ صفر باشد؛
- برخورداری از پایگاه‌های جاسوسی، ستون پنجم و همچنین دستیابی به اطلاعات کامل داشته باشد؛
- عامل زمان بسیار حیاتی است و زمان نباید طولانی گردد؛
- تلفات طرف آمریکایی باید حداقل باشد، زیرا تکیه بر توان تکنولوژی مطرح است.

اگر ایران بتواند در این محاسبات خللی ایجاد کند یا اینکه آمریکایی‌ها تصور کنند که در هریک از این پارامترها ضعیف هستند، احتمال خطر و تهدید برای ایران کاهش می‌یابد.

از آنجایی که ایالات متحده آمریکا نگاه سیستمی به جنگ دارد و این توان هم‌افزایی افزایش توان و قابلیت‌ها را به طور سرسام‌آوری بالا می‌برد، می‌توان این موارد را به درستی شناسایی کرد و ارتباط اجزای سیستم را مختل نمود. در این صورت، ضربه به جزئی از سیستم، به کل سیستم صدمه وارد می‌کند و تا بازسازی سیستم، زمان عملیات به درازا می‌کشد که این مطلوب دشمن نیست.

#### • نقش موشک‌ها در بازدارندگی

کشورهای منطقه غرب آسیا، خصوصاً ایران، با توجه به طیف وسیع تهدیدات، موشک‌ها را به عنوان جزء مهم راهبرد بازدارندگی نظامی خود در نظر گرفته‌اند؛ زیرا موشک‌ها اساساً بازدارنده‌اند. این نکته‌ای است که از نظرات «امستر» استنباط می‌شود. به نظر او، ورود به عصر موشک‌های میان‌قاره‌ای، استراتژی‌های خاصی را به دنبال دارد که اساساً بازدارنده‌اند (عسکرخانی، ۱۳۲۸: ۱۲۶). امستر و شرون دو نویسنده غربی عقیده دارند که موشک‌ها با تهدید شهرها و شهروندان می‌توانند اثرات بازدارنده مهمی داشته باشند. آسیب‌پذیری شهرها در برابر موشک‌ها بسیار بالاست. آنگونه که از نظریه امستر می‌توان استنباط کرد، حفاظت شهروندان برای دولت‌ها در عمل مهم‌تر و ضروری‌تر از حفاظت نیروهای نظامی نیست (همان: ۱۲۷). در نهایت، دولت‌ها به این نتیجه می‌رسند که بهتر است از نظامیان و تأسیسات نظامی بیشتر از شهروندان و شهرها دفاع کنند و در این حال، روشن است که چه آسیب‌هایی به غیرنظامیان وارد می‌شود. پس اصولاً بهتر است کار به جنگی نکشد که با شلیک موشک‌ها، شهروندان قتل عام شود. به نظر شرون، احتمال مسابقه تسلیحاتی و جنگ بلندمدت نیز در اینجا وجود دارد.

در جنگ محتمل، هیچ کشوری به سرعت نابود نخواهد شد، زیرا این سلاح‌ها به سرعت عمل نمی‌کنند و با توجه به فراگیری این موشک‌ها و سلاح‌های نامتعارف، همه علیه هم اقدام می‌کنند و یک مسابقه ویرانگر پیش خواهد آمد که به حکم عقل و انتخاب عقلانی باید از آن دوری جست.

«شلینگ» نظریه‌پرداز دیگری است که عقیده دارد موشک‌ها ابزار قدرت صدمه هستند (همان: ۱۲۸). به این معنی که با شلیک آنها، اهداف و منافع دشمن آسیب می‌بیند، اما توان نظامی او نابود نمی‌شود. به این ترتیب، موشک‌ها دارای خواص اصلی یک استراتژی هسته‌ای هستند، مانند قدرت وارد کردن تخریب شدید. به نظر شلینگ، موشک‌ها با برخورداری از چنین خواصی، دارای «خشونت نهفته» هستند و ابزار مناسبی برای بازدارندگی می‌باشند، زیرا به این ترتیب می‌توانند رفتار دشمن را کنترل کنند. به این ترتیب، یک موازنه وحشت شکل می‌گیرد و کشورها به منظور اجتناب از جنگ به دیپلماسی روی می‌آورند و موشک‌ها ابزار دیپلماسی می‌شوند. به نظر شلینگ، به این ترتیب، پیروزی در جنگ ممکن نیست، اما کشورها باید به لزوم حفظ توانایی ضربه دوم واقف باشند و بهترین سلاح‌ها را خوب پنهان کنند، تا برای ضربه دوم به کار روند. به نظر او، ضربه دوم و قابلیت آن انگیزه اقدام به ضربه اول را از بین می‌برد؛ خاصه اینکه سلاح‌ها در این مرحله دقت چندانی ندارند و علیه غیرنظامیان به کار می‌روند (همان). به این ترتیب، موشک‌ها می‌توانند از نظر بازدارندگی اهمیت بسیاری داشته باشند. با تجهیز به آنها می‌توان بر رفتار و گزینه‌های استراتژی تأثیر گذارد و دشمن را به درد و رنج شدید تهدید نمود و به این ترتیب می‌توان از وقوع جنگ تا حد زیادی جلوگیری نمود.

این حداقل امری است که در نظر و به صورت نظری فهمیده می‌شود. موشک‌ها می‌توانند برای تکمیل دفاع و بازدارندگی از طریق انکار نیز به کار روند. البته «ساموئل هانتینگتون» عقیده دارد که انکار به تنهایی کافی نیست و برای تکمیل آن استفاده از تلافی لازم است. به نظر ما، بخشی از این تلافی می‌تواند با کمک موشک‌ها صورت گیرد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران در دکترین نظامی و دفاعی خود با توسعه سلاح‌های موشکی، می‌تواند ابزار بیشتری برای تلافی به دست آورد و بویژه توانایی ضربه دوم را نیز پیدا کند.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت با توجه به خطرات متعدد امنیتی در منطقه غرب آسیا، موشک‌ها می‌توانند از نظر بازدارندگی برای کشور نقش مؤثری را ایفا

کنند. با تجهیز آنها می‌توان بر رفتار و گزینه‌های استراتژیک تأثیر گذارد و دشمن را به تلافی تهدید نمود؛ لذا می‌توان به این ترتیب از وقوع جنگ تا حد ممکن جلوگیری نمود.

بهره‌برداری از موشک اولویتی راهبردی تلقی شده و کشور می‌تواند با صرف هزینه کمتر و در زمانی کوتاه‌تر از قابلیت بازدارندگی بهتر برخوردار گردد.

## اصول نبرد ناهمگون

از آنجا که همه جنگ‌ها در همه ادوار و با هر شکل دارای ماهیتی مشابه هستند، بنابراین، اصول حاکم بر آنها نیز با اندکی تغییر در عناوین مشترک است. تعداد اصول بیان شده برای جنگ از زمانی به زمان دیگر متغیر بوده و در میان ملل نیز متفاوت بوده است. از آنجا که اصول کلی جنگ در کتب و مقالات مختلف به تفصیل شرح داده شده است، لذا ضمن اینکه از ذکر مجدد عناوین آنها در اینجا خودداری می‌گردد، به ذکر عناوین و توضیح مختصر اصول کلی نبرد ناهمگون در جدول زیر بسنده می‌شود.

### • اصول کلی نبرد

ردیف	عنوان اصل	توضیح
۱	اصل فرسایشی کردن جنگ	منظور از این اصل به درازا کشیدن مقاومت ناهمگون به جهت خسته کردن دشمن به منظور تضعیف و تحلیل توان اوست.
۲	اصل عدم تمرکز	منظور از این اصل، عدم تمرکز در زمان و مکان استقرار نیروها و یا عدم تمرکز در زمان و مکان اجرای عملیات از جهت آسیب‌پذیری کمتر می‌باشد.
۳	اصل بسیج نیروها، منابع و امکانات	این اصل در راستای استفاده بهینه از تمامی نیروها، منابع و امکانات برای تقویت نبرد ناهمگون معنی پیدا می‌کند.
۴	اصل پیش دستی	این اصل به معنای گزینش ضربات پیشدستانه به منظور جلوگیری از وارد کردن ضربات برنامه‌ریزی شده توسط دشمن علیه مقاومت ناهمگون است.

۵	اصل مقاومت و ایستادگی فوق العاده	این اصل مصداق آیه شریفه «فاستقم كما امرت» می‌باشد.
۶	اصل گستردگی صحنه نبرد	این اصل یعنی اینکه عرصه نبرد ناهمگون وسعتی به گستردگی و پراکندگی منافع حیاتی دشمن دارد.
۷	اصل تمرکز اطلاعاتی	این اصل احاطه کامل بازیگر ناهمگون را در امر دستیابی بر آخرین اطلاعات دشمن و خودی را با تکیه بر تمرکز اطلاعات در یک جامعه اطلاعاتی منسجم بیان می‌کند.
۸	اصل امنیت داخلی کامل	منظور از این اصل برقراری حیطة کامل اطلاعاتی از جهت حفظ امنیت داخلی مقاومت ناهمگون می‌باشد.
۹	اصل انعطاف و انطباق پذیری کامل	منظور از این اصل لزوم وجود توان انعطاف و انطباق‌پذیری کامل در بازیگر ناهمگون با هر صحنه و وضعیت ناهمگون در نبرد است.
۱۰	اصل فریب و غافلگیری	این اصل به معنای استفاده بهینه از دو اصل مذکور (فریب و غافلگیری) در اجرای تاکتیک‌های نبرد ناهمگون می‌باشد.
۱۱	اصل روحیه انقلابی و شهادت‌طلبی	این اصل بر حفظ روحیه انقلابی و شهادت‌طلبی در رزمنده ناهمگون به جهت دستیابی کامل به اهداف نبرد ناهمگون تأکید می‌کند.
۱۲	اصل مدیریت و بهره‌وری	این اصل بر لزوم اعمال مدیریت صحیح در جهت بکارگیری همه امکانات و تجهیزات نبرد ناهمگون (فیزیکی و غیرفیزیکی) به منظور حداکثر بهره‌وری از موارد مذکور برای دستیابی کامل به اهداف نبرد ناهمگون تأکید می‌کند.
۱۳	اصل حفاظت و تأمین	منظور از این اصل همان‌گونه که از نام آن پیداست، پشتیبانی از نیروهای عمل‌کننده در خطوط عملیاتی ناهمگون علیه دشمن است.
۱۴	اصل ابتکار و نوآوری در نبرد	این اصلی اساسی و بنیادین است که توانایی بازیگر ناهمگون در استفاده از "اندیشه ناهمگون" در شرایطی که نیاز به بروز قوه خلاقیت، ابتکار و نوآوری در نبرد ناهمگون را دارد، بیان می‌کند.

## • ویژگی‌های نبرد ناهمگون

۱. دامنه زمانی نامحدود
۲. ابزارها در نبرد ناهمگون
۳. زمان و مکان
۴. روش‌ها
۵. هدف قرار دادن اراده دشمن
۶. دستیابی به تأثیر استراتژیک در کلیه سطوح جنگ
۷. کارایی
۸. محدودسازی نیروهای دشمن
۹. قابلیت بازدارندگی
۱۰. تهدیدی مؤثرتر از سلاح واقعی
۱۱. عدم تناسب با ابزارها و روش‌های متعارف
۱۲. دقت بسیار در طراحی و اجرا و برخورداری از تأثیر عملیاتی بالا
۱۳. سرگرم کردن توان بالایی از دشمن و ایجاد نیاز در دشمن برای تخصیص منابع نامتناسب در تجهیزات مختلف به منظور مقابله
۱۴. نداشتن مرز و هسته معین جغرافیایی
۱۵. تعدد و تنوع بسیار در روش‌ها و شیوه‌های اجرایی و تجهیزات مورد استفاده در نبرد ناهمگون
۱۶. نبود راه‌حلی صریح و قاطع برای مقابله با آن
۱۷. ارزان و کم‌هزینه بودن در اجرا و صرفه‌جویی در تخصیص قوا
۱۸. قابلیت انعطاف‌پذیری بالای متناسب با هر زمان و مکان
۱۹. قابل شناسایی و رهگیری دقیق نبودن (به دلیل برخورداری از سیالیت در زمان و مکان)
۲۰. بهره‌وری زیاد از اصول فریب و غافلگیری
۲۱. برخورداری از پشتیبانی مردمی



## • اشکال ناهمگونی

۱. ناهمگونی در روش کاربرد مفاهیم مختلف عملیاتی
۲. ناهمگونی فناوری
۳. ناهمگونی در نیت (عزم، تصمیم و اراده)
۴. ناهمگونی هنجاری
۵. ناهمگونی سازمانی
۶. ناهمگونی صبر

## • سطوح، ابزارها و روش‌های نبرد ناهمگون

برای نبرد ناهمگون باید نخست سطوح عملیاتی آن را شناخت و سپس بر اساس آن سطوح، به بیان ابزار و روش‌های آن پرداخت. یک نبرد ناهمگون می‌تواند شامل سطوح عملیاتی زیر باشد:

### الف) سطح عملیاتی نظامی و رو در رو:

در این سطح، طرفین از ابزارهای نظامی غیرهمتراز بهره گرفته و تمام ویژگی‌های جنگ را دارا می‌باشد. تنها نکته‌ای که در آن نهفته است این است که توان نظامی یکی از طرفین نبرد با دیگری متوازن و همتراز نبوده و لذا جنگ از حالتی نامتعادل برخوردار است. طرف ضعیف‌تر در این حالت تلاش دارد که با استفاده از روش‌ها و ابزارهای خود، که از نظر کمیت و کیفیت با طرف قوی‌تر متعادل نیستند، نقاط ضعف طرف قوی‌تر را یافته و بر آنها ضربه وارد کند. این ضربات ممکن است دارای چندین نتیجه باشند:

۱. ایجاد و ایفای کارکرد بازدارندگی برای طرف ضعیف‌تر
  ۲. انصراف و عدم تمایل به استمرار نبرد توسط طرف قوی‌تر
  ۳. افزایش هزینه‌های نظامی طرف قوی‌تر (اعم از نیروی انسانی، تسلیحات و تجهیزات و هزینه‌های اقتصادی)
- از ویژگی‌های این جنگ می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱. نامتعادل و نامتجانس بودن نیروهای نظامی طرفین
۲. نامتعادل بودن تسلیحات و تجهیزات طرفین
۳. روش‌های درگیری متفاوت
۴. استفاده از جنگ روانی

#### ب) سطح عملیاتی ضربات تاکتیکی ایستگاهی

یکی از رایج‌ترین اشکال نبردهای ناهمگون بهره‌گیری از ضربات تاکتیکی علیه اهداف و منافع قوی‌تر است، که در سطح عملیاتی ضربات تاکتیکی ایستگاهی قابلیت اجرا را دارد. سیستمی بودن و گستردگی شبکه‌های الکترونیکی، آسیب‌پذیری‌های متنوع و متعددی را برای کشورهای قدرتمند و صنعتی پدید آورده است. از اینرو دشمنان آنها می‌توانند از طریق طرح‌ریزی و اجرای حملات ایستگاهی علیه آنها، امنیت ملی آنها را شدیداً به چالش بکشند. این ضربات می‌تواند طیف وسیعی را دربرگیرد، که هر کدام بخش‌هایی از منافع یک طرف جنگ را نشانه می‌رود. این روش نبرد در واقع همان بخش خطرناک نبرد ناهمگون برای کشورهای قوی‌تر است و بیشترین تأکید آنها در تبلیغ نبرد ناهمگون نیز پیرامون همین نوع عملیات است. نفوذ به سیستم‌های رایانه‌ای و سرقت اطلاعات و ایجاد اختلال در آنها، پخش انواع ویروس‌ها در شبکه‌های رایانه‌ای، ترور شخصیت‌ها و انهدام استراتژیک به طور مسلحانه و یا انفجارات و خرابکاری و... نمونه‌هایی از این نوع نبرد می‌باشند. این طیف از اقدامات ناهمگون دارای ویژگی‌های خاصی است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. پنهان بودن و ناپیدایی عوامل آن.
۲. مقابله با آنها بسیار دشوار است.
۳. دارای پیامدهای استراتژیک هستند.
۴. با هزینه‌های بسیار پایینی اجرایی است.
۵. هزینه‌های بالایی را به طرف مقابل تحمیل می‌کند.

## • ابزار نبرد ناهمگون

در میانه سده بیستم، لیدل هارت نظریه پرداز استراتژیک بریتانیایی، طرفدار راهبرد رهیافت غیرمستقیم بود. استدلال وی این بود که همواره باید از قدرت دشمن دوری و ضعف‌های او را گمانه‌زنی و کاوش کرد؛ لذا می‌توان گفت چون راهبرد به منزله ابزار نبرد بین انسان‌های اندیشمند و متفکر است، بنابراین، انسان‌های دارای تفکر خلاق برای رسیدن به اهداف خود، خصوصاً در رویارویی با طرف مقابل یا دشمن، لزوماً از ابزار متداول و متناسب با نوع تهدید و سطح آن استفاده نخواهند کرد و می‌توانند به ابزار غیرمتداول و غیرمتناسب (ناهمگون) تمسک جویند، زیرا برای دشمن هیچ چیز سخت‌تر از آن نیست که مجبور باشد نه تنها ابزار و تاکتیک خود را عوض کند، بلکه راهبرد خود را، که خمیرمایه تمامی اعمال و حرکات اوست، تغییر دهد، زیرا بنا به قولی مشهور از یکی از اساتید هنرهای رزمی ژاپن، «برای پیروزی بر دشمن فقط کافیست او را مجبور کنید تا بر خلاف میلش پی در پی خود را تغییر دهد.» بنابراین، در قالب دو سطوح عملیات ناهمگون فوق است که می‌تواند مصادیق نبرد ناهمگون و ابزار آن را برشمرد.

## • روش‌های نبرد ناهمگون

بر اساس آنچه که در ادبیات نظامی دنیا بیان شده است و در چهارچوب تفکر آنها نسبت به نبرد ناهمگون وجود دارد، طرف ضعیف به چند روش می‌تواند از رویکردهای ناهمگون استفاده کند:

۱. از طریق تهدید به تحمیل خسارات نامتناسب به دشمن.
۲. بهره‌گیری از تأثیر قانون هزینه - فایده در ورود نیروی برتر به نبرد با بازیگر ناهمگون.
۳. استفاده از اصل «عدم قطعیت» در نبرد.
۴. بهره‌گیری از قابلیت پیچیدگی شناسایی عاملان واقعی عملیات اطلاعاتی، حملات تروریستی و دیگر رویکردهای ناهمگون.

۵. پراکنده‌سازی و منحرف کردن واکنش طرف برتر برای به تأخیر انداختن زمان یک اقدام مؤثر توسط طرف برتر.
۶. مدیریت صحنه نبرد با تأکید بر اهداف دوگانه دستیابی به اهداف خودی و جلوگیری از مداخله قدرت‌های برتر.
۷. استفاده از روش‌های نوآورانه و ابتکاری.

## ساختار ستادی و رزمی قرارگاه دریایی در راستای تهدید در برابر تهدید<sup>۱</sup>

با توجه به موارد ذکر شده، آنچه فضای نبرد امروز را با عصر ناپلئون متفاوت می‌سازد، فرایند شبکه‌ای شدن و هوشمندی کنترل و فرماندهی مبتنی بر این فرایند است. تدبیر اجرای مأموریت مبتنی بر کارآمدی ساختار و تعامل سیستم‌های نوین فرماندهی و کنترل است و اساسی‌ترین عنصر تصمیم‌گیری در تولید و هدایت مجموعه اطلاعاتی است که در دسترس فرمانده نبرد قرار می‌گیرد. پشت‌گرمی و پشتیبانی این عنصر (اطلاعات) به فرایند کار سیستم‌های مراقبت و شناسایی است، که فرماندهی را از وضعیت نبرد آگاه و رویکرد عملیاتی وی را پردازش می‌کند. سیستم‌های نوینی که اطلاعات صحنه عملیات را در اختیار فرمانده قرار می‌دهند، باید توان به اشتراک‌گذاری و توزیع همزمان این آگاهی را از فرماندهی صحنه عملیات تا پایین‌ترین عنصر عملیاتی داشته باشند و البته لازم است این آگاهی به طور کلی، در یک شبکه کارآمد و توانمند توزیع شود.

- ✓ آگاهی از وضعیت و شرایط میدان نبرد چگونه فراهم می‌شود و بر پایه چه اصولی توزیع می‌گردد؟
- ✓ عنصر تصمیم در چه فرایند سازمانی جمع‌بندی می‌گردد و اجزای این سازمان چگونه ساختار بندی و مرتبط می‌شوند؟
- ✓ چگونه می‌توان نیروهای گسترش‌یافته در زمینه‌های متفاوت را در اجرای یک مأموریت مشترک با یکدیگر تعامل پذیر و یکپارچه نمود؟

---

۱. برگرفته از تجارب نویسنده

### ✓ الزامات سیستمی این تعامل و یکپارچگی کدامند؟

و بسیاری از پرسش‌های دیگر که پاسخ به آنها بدون آشنایی و درک مشترک از فضای نوینی که در حال شکل‌گیری است و فراروی ما قرار دارد ممکن نمی‌باشد.

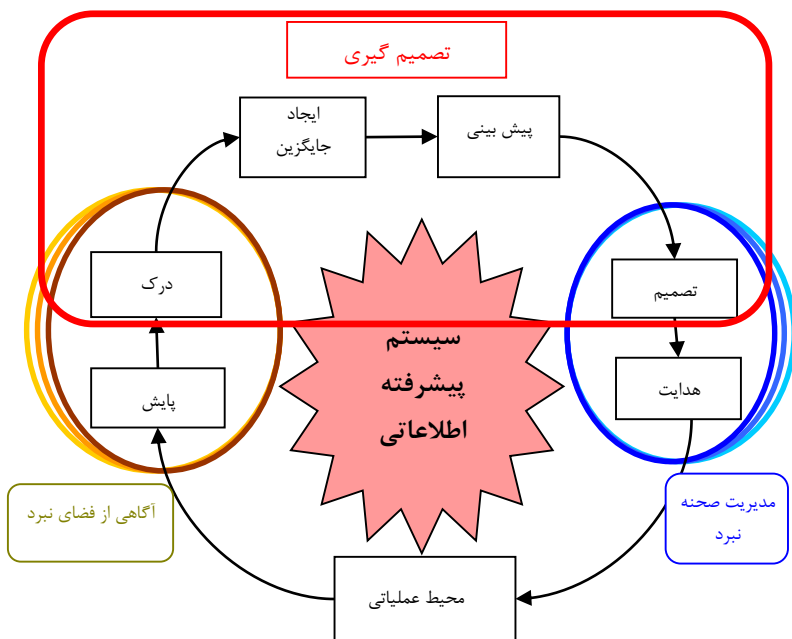
### • چرخه تصمیم‌گیری

از آنجا که فرماندهان نظامی در آینده شاهد سه قلمرو خواهند بود، که بیشتر از گذشته با یکدیگر درآمیخته خواهند شد، یعنی (۱) هماهنگی کامل با فرماندهی نبرد، (۲) شبیه‌سازی آبی و همزمان قابلیت‌ها و پتانسیل‌های دشمن در حمله و (۳) ارتباطات پرنظریت و گسترده و مورد انتظار، لذا فرایند این سیستم باید طوری باشد که تصمیمات و مدیریت فعالیت‌های آن بر پایه صحت و فهم مشترک عملکردها (همچنین عکس‌العمل‌ها، پاسخ‌های اولین فرماندهان که ممکن است در درجه اول اهمیت باشند) و تصمیم‌های بهنگام باشد. علاوه بر اینها، کیفیت اطلاعات باید موجب تشریح بهتر روند تصمیم‌گیری گردیده، تصمیمی که انگیزه و محرک مورد نیاز جهت پاسخی مشخص را دارا باشند. این تصمیمات ساده و اتوماتیک بوده و می‌توانند در یک فهرست مشخص ملاحظه و دسته‌بندی شوند. به عبارت دیگر، حتی اگر تصمیمات پیچیده بود که به وسیله آنها تصمیم‌گیرنده مجبور به ایجاد فهرستی از نتایج باشد، این فرایند می‌تواند به صورت خودکار و اتوماتیک پشتیبانی لازم را برای تصمیم‌گیرنده فراهم و او را در تصمیم‌گیری‌های پیچیده یاری کند. الگویی که می‌تواند در این ارتباط کارگشا باشد، چرخه HEAT (ابزار اثربخشی مرکز فرماندهی)<sup>۱</sup> است، که از ابتدای دهه هشتاد گسترش یافته است.

این امر از استحکام کاملی برخوردار است و نمونه‌های دیگر چون حلقه OODA (نظارت، موقعیت‌یابی، تصمیم، عمل) به سهولت در زیرمجموعه آن گردآوری می‌شود. در عملیات‌های نظامی، «میانبر زدن فرماندهی» امری معمول می‌باشد. فرماندهان تشخیص می‌دهند که موقعیتی آشنا است. بنابراین، این

۱. Headquarters Effectiveness Assessment Tool

موقعیت را بدون طراحی پیچیده انتخاب می‌نمایند. باید دقت داشت که در این منظر، سرعت تصمیم‌گیری و فرماندهی پذیرفتنی است، گرچه باید توجه داشت که کیفیت و بجا بودن تصمیمات نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. این چرخه به صورت زیر نمایش داده می‌شود:



چرخه HEAT: ابزار اثربخشی مرکز فرماندهی و کنترل

۱. مشاهده (Observe): در گام ابتدایی این ابزار، باید در جستجوی اطلاعات جدید و درک شرایطی که در آن هستید باشید. گردآوری اطلاعات بیشتر در این مرحله، درک شما را از وضعیتی که با آن مواجه هستید بالا می‌برد. می‌توانید این سؤالات را از خود بپرسید:

✓ چه اتفاقات محیطی به طور مستقیم بر من اثر می‌گذارد؟

- ✓ چه اتفاقاتی به طور غیرمستقیم در من تأثیرگذار است؟
- ✓ آیا پیش‌بینی‌های من درست بوده است؟
- ✓ آیا مواردی هست که در آنها با پیش‌بینی‌های من اختلاف معناداری وجود داشته باشد؟

۲. جهت‌گیری (Orient): یکی از سخت‌ترین مراحل در تصمیم‌گیری، مرحله جهت‌گیری است؛ به دلیل اینکه در این مرحله، بر اساس درک و شهود خود عمل می‌کنیم. پنج موضوع در جهت‌گیری می‌تواند تأثیرگذار باشد:

- ✓ فرهنگ‌های سنتی
- ✓ عوامل ژنتیکی
- ✓ توانایی تجزیه و تحلیل
- ✓ تجارب قبلی
- ✓ اطلاعات جدید ورودی

اساساً جهت‌گیری تفسیر شما را از موقعیت بیان می‌کند. در اینجا، موضوع برداشت‌های شخصی آگاهانه‌تر، سرعت توانایی جهت‌گیری مناسب‌تر مبتنی بر واقعیات و در نتیجه، حرکت به سمت یک تصمیم‌گیری درست و مؤثر است. نکته مهم دیگر در این مرحله این است که شما باید توانایی جهت‌گیری مجدد بر اساس اطلاعات جدید را داشته باشید؛ چرا که به طور یقین، اطلاعات ورودی جدید می‌تواند موجب تغییرات جهت‌گیری برای تصمیم‌گیری شود.

۳. تصمیم‌گیری (Decide): تصمیمات بهترین حدس‌های واقعی هستند که بر اساس مشاهدات و جهت‌گیری شما ساخته می‌شوند. تصمیم‌گیری نقطه شروعی برای ادامه ابزار حلقه تصمیم‌گیری به عنوان اقدام است.

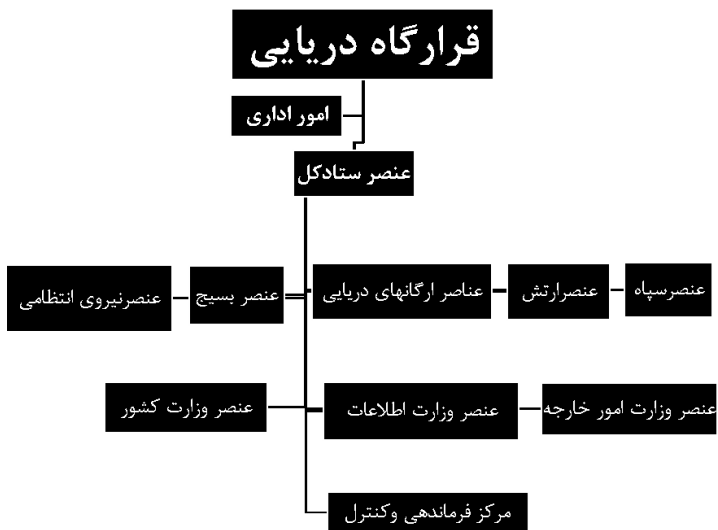
۴. اقدام (Act): این مرحله اجرایی کردن تصمیم شما است. بعد از آن باید دوباره به ابتدای ابزار حلقه تصمیم‌گیری OODA برگردید و به قضاوت اثرات تصمیم خود بنشینید. بسیار مهم است که از اثرات تصمیم و نظرات کسانی که مخالف آن بودند حداکثر یادگیری را داشته باشید.



ابزار تصمیم‌گیری OODA یک ابزار ایستا نیست. هدف از این ابزار استفاده از بازخوردها و بهینه‌تر شدن تصمیماتی است که اتخاذ می‌شود. بنابراین، هر قدر هریک از مراحل این ابزار با دقت نظر بیشتری مورد توجه قرار گیرد، می‌توان انتظار تصمیم‌گیری‌های بهتر و نتایج اثربخشی را داشت.

### • ساختار ستادی قرارگاه دریایی

این ساختار با توجه به تأثیر راهبردی عملیات دریایی در سطح ملی و منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، با شرکت عناصری از ستاد کل و نیروهای مسلح و ارگان‌های دریایی و کشوری در سطح راهبردی و عملیاتی تشکیل گردیده و طرح‌ها و دستورات لازم را جهت اجرا به مرکز فرماندهی و کنترل ابلاغ می‌نماید. شمای این ساختار به شرح زیر می‌باشد:



• ساختار ستادی مرکز فرماندهی و کنترل

در ذیل تعریف عملیاتی مرکز، مأموریت‌ها و اهداف ساختار یادشده تشریح می‌گردد:

✓ تعریف مرکز فرماندهی و کنترل

مرکز فرماندهی و کنترل مرکزی است که شیوه‌های لازم برای جمع‌آوری، پردازش و انتشار اطلاعات در خصوص فرماندهی و هدایت کارکنان، تجهیزات و تأسیسات نظامی در صحنه نبرد را فراهم می‌کند. این اطلاعات مورد نیاز فرماندهان و تصمیم‌گیرندگان بوده و در طرح‌ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی، کنترل و نظارت عملیات به منظور اجرای مأموریت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

✓ مأموریت مرکز فرماندهی و کنترل

- جمع‌آوری، پردازش و انتشار مداوم اطلاعات محیطی.
- برقراری و حفظ ارتباط بین اعضای سیستم فرماندهی.
- طرح‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و هدایت عملیات.
- پشتیبانی همه‌جانبه از نیروها و تداوم آن در تمام مراحل عملیات.
- فرماندهی، کنترل و نظارت بر نیروها در صحنه عملیات.
- خنثی‌سازی اقدامات دشمن با استفاده از عملیات فریب، عملیات روانی، جنگ الکترونیک و غیره.

✓ اهداف مرکز فرماندهی و کنترل

- تسهیل‌کننده امورات فرماندهی و ستاد در انجام وظایف.
- تسهیل‌کننده امورات فرماندهی، کنترل و نظارت در مرحله طرح‌ریزی و هدایت عملیات.
- افزایش دقت و سرعت در تبادل اخبار و اطلاعات و دسترسی به اطلاعات.
- ارسال و دریافت اطلاعات به نقاط مختلف به طور همزمان و قابلیت انتشار وسیع آن.

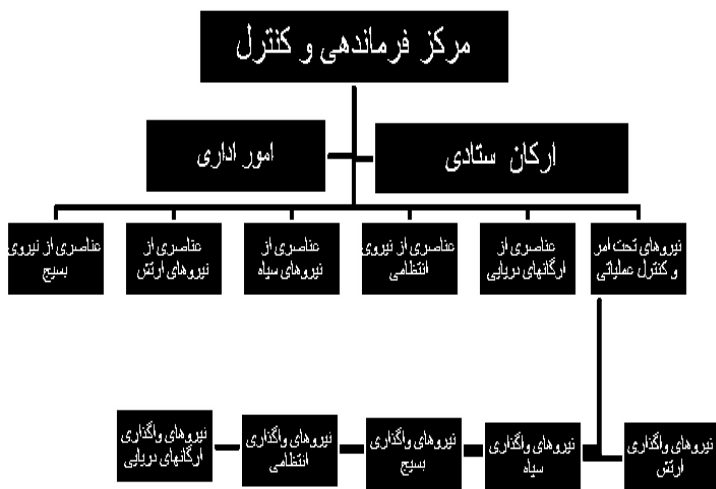
- بررسی توان رزمی نسبی نیروهای خودی و دشمن، مقایسه و به سرعت در دسترس قرار دادن آن.
  - بررسی آخرین اطلاعات زمین منطقه عملیات و شرایط جوی مربوطه.
  - برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات به صورت نوشتاری، صوتی و تصویری از طریق شبکه.
  - برقراری امنیت بیشتر برای اطلاعات، با تلفیق تکنیک‌های رمزنگاری مخابراتی و رایانه‌ای.
  - سرعت و دقت در پردازش اطلاعات و تبادل آن و فراهم نمودن زمینه تصمیم‌گیری برای فرماندهان.
  - تسهیل در کنترل فعالیت‌ها و عملیات (مانور) نیروها و یگان‌ها.
  - ذخیره‌سازی اطلاعات در پایگاه اطلاعاتی مرکزی، که خود نتایج زیر را دربرخواهد داشت:
    ۱. امکان بازیابی اطلاعات در آینده.
    ۲. امکان پردازش اطلاعات به لحاظ قابلیت قالب‌بندی آن.
    ۳. در دسترس قرار دادن اطلاعات برای یگان‌های درخواست‌کننده و در عین حال، کنترل سطح دسترسی به اطلاعات.
    ۴. تبادل و انتقال اطلاعات در شبکه‌های مختلف.
- ✓ **خصوصیات سیستم فرماندهی و کنترل مرکز**
- افزایش سرعت، دقت و اثربخشی.
  - گردآوری و ذخیره‌سازی اطلاعات هر پدیده کوچک و بزرگ برای تحلیل و استفاده در حین و بعد از عملیات.
  - توانمند نمودن کلیه واحدهای نظامی.
  - انجام مانورهای کم‌هزینه و آموزش‌های مستمر.
  - شبیه‌سازی عملیات قبل از اجرای عملیات.
  - تأمین زمینه‌های تصمیم‌گیری و کاهش مخاطرات.

- جلوگیری از دوباره کاری‌ها و غفلت‌ها.
- مرتبط ساختن همه فعالیت‌ها با یکدیگر.
- توسعه نظارت و کنترل اثربخشی بر فعالیت‌ها.
- توسعه مشارکت واحدها.
- ایجاد یکپارچگی در کل امور و نظام.
- تقسیم بهینه امکانات.
- ایجاد امکان درگیری در چند منطقه.
- هماهنگ نمودن کلیه عناصر مؤثر در عملیات نظامی.

#### ✓ اهداف عملیاتی

- نظارت و کنترل انواع یگان‌ها در محدوده جغرافیایی.
- تبادل داده به صورت بلادرنگ در شبکه اطلاعاتی.
- تبادل اطلاعات و داده‌ها با شبکه‌های رده‌های مختلف.
- نمایش اطلاعات برای کاربران با توجه به مدیریت اطلاعات و سطوح دسترسی.
- کمک به تصمیم‌گیری برای رده‌های مختلف در سلسله مراتب فرماندهی.
- پدافند در برابر تهدیدات دشمن.
- کشف و ردگیری، شناسایی، ارزیابی تهدیدات، تصمیم‌گیری، انهدام و برآورد صدمات.
- دریافت فرامین از رده‌های بالای سلسله مراتب و اجراء آنها.

• شمای ساختار ستادی مرکز فرماندهی و کنترل



• شرح وظایف کلی مرکز فرماندهی و کنترل

الف) ویژگی‌های عمومی

- ✓ قابلیت انتشار سریع اطلاعات در سراسر شبکه.
- ✓ نمایش تصویب عملیاتی مشترک یکپارچه منطقه عملیات.
- ✓ قابلیت ویدئو کنفرانس.
- ✓ قابلیت نمایش خودکار گزارش‌های مربوط به موقعیت یگان، از جمله عده و عوده و مناطق مورد علاقه و گزارش اطلاعاتی در رابطه با نقشه‌های جغرافیایی، از جمله خصوصیات ارتفاعات و اطلاعات ارتفاعات منطقه به صورت دیجیتالی.
- ✓ قابلیت دریافت تصاویر، پیام‌های متنی (نوشته‌اری)، تصاویر ویدئویی.
- ✓ قابلیت بهره‌گیری از نمادهای گرافیکی جهت استفاده سریع از فرامین صادره.
- ✓ شناسایی تصاویر.

- ✓ ثبت داده‌های اطلاعاتی و وقایع عملیاتی و امکان پرینت آنها.
- ✓ پشتیبانی از عملیات‌های روزمره سازمان‌های درگیر در عملیات‌های مشترک و عناصر گسترش‌یافته در منطقه عملیاتی به منظور حفظ:
  - شرایط عملیاتی صحنه نبرد.
  - تلفیق اطلاعات و تبادل داده‌ها بین منطقه عملیات و ستاد کل فرماندهی به صورت رفت و برگشت (دو مسیری).
  - دریافت فرامین و ارسال گزارشات.
- ✓ کنترل نیروهای درگیر در عملیات‌های مشترک و مرکب.
- ✓ نمایش وضعیت نیروهای خودی دشمن و بی‌طرف بر روی نقشه‌های دیجیتال و با استفاده از نمادهای بین‌المللی استاندارد، جهت یگان‌ها، خطوط مرزی، تحرکات، مناطق و دیگر اشیاء که نمایش گرافیکی آن متصور است.
- ✓ تهیه اطلاعات مربوط به آگاهی از وضعیت منطقه.
- ✓ تولید خودکار اطلاعات مورد نیاز جهت گزارش شرایط و وضعیت منطقه.
- ✓ نظارت اجرایی بر عملیات‌ها به صورت نزدیک به زمان واقعی و هدایت آنها. در ضمن، با بهره‌گیری از نرم‌افزار لازم‌قادر باشد قابلیت اجرایی و نظارتی را افزایش داده و هماهنگی تحرکات، کنترل و گزارش عملیات را در زمان اجرای عملیات گسترش و نظارت نماید.
- ✓ مدیریت داده و دریافت اطلاعات از یگان‌ها، ذخیره و بروز نمودن عناصر اصلی اطلاعات از قبیل سلسله مراتب نیروها و محل استقرار واحدها، موقعیت جغرافیایی و زیرساخت‌های تحرک و همچنین، اخبار مربوط به تسهیلات و ادوات حمل و نقل.
- ✓ قابلیت تهیه پیام، مرور پیام، اعتبارسنجی و انتشار پیام.
- ✓ قابلیت ذخیره، نمایش و چاپ محتویات صفحه نمایشگرها.

✓ پشتیبانی از جلسات بریفینگ با امکانات چند پروژکتوری (ویدئو کنفرانس).

✓ نمایش موقعیت جغرافیایی و تاکتیکی واحدها در روی نقشه و اطلاعات (حتی حزئی ترین اطلاعات) در مورد مأموریت، وضعیت عملیاتی، پرسنل و تجهیزات به صورت متنی و تصویری روی نقشه.

✓ پروفایل ارتفاعات (پوشش راداری - رادیویی به صورت خط دید مستقیم) مطلوب بهره‌برداری جهت تصاویر دریایی و زمینی.

✓ آنالیز و ارزیابی صحنه عملیات.

✓ مدیریت پایگاه داده‌ها.

✓ ثبت اهداف و تعیین تسلیحات از لحاظ نوع، میزان انهدام و مدل

هدفگیری آنها.

✓ تجزیه و تحلیل مسیر موشک‌های زمینی به صورت پیش‌بینی‌شده.

✓ بازطراحی حملات موشکی دریایی (تصحیح دستورالعمل‌ها).

✓ ایجاد هماهنگی بین موشک و هواپیمای رزم‌آرایی.

✓ نمایش موقعیت، راه و سرعت اهداف بر روی نقشه‌های دیجیتالی.

✓ اتصال به پایگاه داده، پایگاه مادر و دیگر پایگاه‌های مورد نظر.

✓ نمایش دیجیتالی کالک منطقه عملیاتی.

✓ به لحظه نمودن اطلاعات صحنه نبرد.

✓ ارزیابی وضعیت به منظور بهره‌گیری از پدافند ساحلی.

✓ عکس‌العمل بموقع در شرایط اخطار هشداردهنده‌ها (هشدار

موشکی، هوایی، سطحی، الکترونیکی و غیره).

ب) اطلاعات عمومی در محدوده ۲۰۰ مایلی منطقه عملیاتی

۱) اطلاعات دریافتی ساحلی

✓ تصاویر یکپارچه رادارهای ساحلی.

✓ اطلاعات پست‌های شنودی.

✓ اطلاعات دیدبانی.

- ✓ اطلاعات دریافتی از یگان‌های همجوار.
- ✓ اطلاعات دریافتی از ستادهای مافوق.
- ✓ اطلاعات دریافتی از مبادی ذیربط اطلاعاتی کشوری.
- ۲) اطلاعاتی دریافتی شناوری
  - ✓ تصاویر راداری شناورهای در صحنه (به صورت دیجیتالی یا دستی).
  - ✓ آمادگی یگان‌های عملیاتی (هوایی، دریایی، ساحلی) قبل، حین و پس از عملیات به صورت: دارد - ندارد - محدود.
  - ✓ محدودیت‌های عملیاتی (هوایی، دریایی، ساحلی) قبل، حین و پس از عملیات به صورت: لیست محدودیت‌ها.
  - ✓ موقعیت یگان‌های خودی (هوایی، دریایی، ساحلی) همراه با توانمندی‌های مربوطه + راه - سرعت - مأموریت محوله.
  - ✓ موقعیت یگان‌های دشمن (هوایی، دریایی، ساحلی) همراه با توانمندی‌های مربوطه + راه - سرعت - ترکیب نیرو.
  - ✓ موقعیت یگان‌های دشمن (هوایی، دریایی، ساحلی) همراه با توانمندی‌های مربوطه + راه - سرعت - ترکیب نیرو.
  - ✓ تصاویر منطقه عملیاتی از طریق: پهپاد، هواپیماهای شناسایی، شناورهای در صحنه.
  - ✓ خسارات خودی / دشمن (هوایی، دریایی، ساحلی).
  - ✓ توانمندی‌های پشتیبانی خودی / دشمن (هوایی، دریایی، ساحلی، آمادی).
  - ✓ گزارشات اطلاعاتی.
  - ✓ گزارشات هواشناسی.
- ۳) مدیریت نقشه بر پایه سیستم جغرافیایی منطقه عملیات در این رابطه، بهره‌گیری از فناوری سیستم جغرافیایی جهت درج و ردنگاری اهداف زمینی، دریایی، هوایی صورت می‌پذیرد.



۴) اطلاعات مربوط به دیگر نیروها و ارگان‌ها  
کلیه اطلاعات مربوط به هر نیرو و یا ارگان وفق وظایف سازمانی  
و موارد ابلاغی قرارگاه مانند موارد کلی یادشده فوق می‌بایستی به  
ریز آورده شوند.

#### ج) اطلاعات عمومی در محدوده ۵۰ مایلی منطقه عملیاتی

کلیه اطلاعات مربوط به این محدوده که بر روی نشان‌دهنده  
محل آورده می‌شوند، تاکتیکی بوده و از جزئیات بیشتری نسبت  
به عمومی برخوردار بوده و موارد کلی آن همانند اطلاعات عمومی  
می‌باشد.

#### د) طرح‌ها، دستورالعمل‌ها و دستورات رزمی

طرح‌ها، دستورالعمل‌ها و دستورات رزمی در حال اجرا در محل  
مناسب در نشان‌دهنده اصلی به نمایش گذارده می‌شود. همانند:

- ✓ مأموریت
- ✓ منطقه عملیات
- ✓ نقشه سیستم جغرافیایی (GIS)
- ✓ کالک عملیات
- ✓ نیروی خودی (هوا، دریا، زمین)
- ✓ نیروی دشمن (هوا، دریا، زمین)
- ✓ وظایف نیروی خودی
- ✓ وضعیت جوّی پیش‌بینی شده
- ✓ جزر و مد، طلوع و غروب
- ✓ زمان‌بندی پیش‌بینی شده و نوع عملیات
- ✓ ریسک‌ها و خسارات پیش‌بینی شده (خودی / دشمن)
- ✓ نوع ارتباطات (ساحل به دریا، ساحل به ساحل، دریا به ساحل)

### ه) مدیریت آلامها

این امر بدین معنی است که با دریافت اطلاعات اضطراری و پرخطر از حساسه‌ها و یگان‌های رزمی به گونه آلام فرمانده مرکز فرماندهی و کنترل قادر به اخذ فوری تصمیمات لازم گردد. این آلامها به شرح زیر می‌باشند:

- ✓ حمله موشکی
- ✓ حمله هوایی
- ✓ حمله شش‌م‌ر
- ✓ حمله الکترونیکی
- ✓ آسیب به نیروی خودی (هوایی، دریایی، ساحلی)
- ✓ مین‌ریزی دشمن

### • ساختار رزم قرارگاه دریایی (معنوی، ۱۳۹۱)

ساختار رزم نوین نیروی دریایی راهبردی متأثر از راهبرد دشمن، نیات و روند تهدیدات او و نیز راهبرد دفاعی خودی می‌باشد. دشمن برگرفته از تجهیزات نوین و تسلیحات هدایت‌شونده، بنا به نوع عملیاتی که قصد اجرای آن را دارد، در فازهای گوناگون عملیاتی می‌تواند موجبات صدمه و آسیب به منابع و منافع حساس و حیاتی کشور و یا حتی هجوم به خاک مقدس ج.ا.ا را فراهم آورد. نیروی دریایی راهبردی نیز برگرفته از شرایط تاکتیکی و راهبرد دفاع همه‌جانبه و نبرد ناهمگون واکنش‌های لازم را در مقابل دشمن به منصف ظهور می‌رساند.

حکومت اسلامی نیاز دارد که به منظور بقاء و مقابله با دشمنان بالفعل و بالقوه خود و همچنین، فراهم نمودن بستری مناسب جهت پیاده کردن آرمان‌ها و اهداف ملی و با توجه به متغیرهای فراوان قدرت در جهان، خط مشی و الگوی مناسب رزم که با عقاید و باورهای مکتبی از یک سنخ باشند را طراحی و تدوین نموده و با برنامه‌ریزی دقیق همه‌جانبه، کلیه امکانات و مقدرات را در جهت پیاده نمودن آن به کار گیرد. نبرد ناهمگون که در دهه‌های پایانی قرن بیستم به شدت مورد

توجه قرار گرفته و توسعه یافته است، به گونه‌ای است که حتی به اذعان شخصیت‌های طراز اول نظامی و استراتژیست‌ها، ساختار و سازمان و مأموریت‌های ارتش‌ها را تحت تأثیر قرار داده و آن را دگرگون ساخته است. این بدان مفهوم است که هسته مرکزی مأموریت (و در نتیجه طرح‌ریزی، آموزش، تجهیز، دکترین‌ها، استراتژی‌ها و...) ارتش‌ها در سال‌های آتی بیشتر بر محور نبردهای ناهمگون علیه دشمنان و تهدیدات ناهمگون دور خواهد زد.

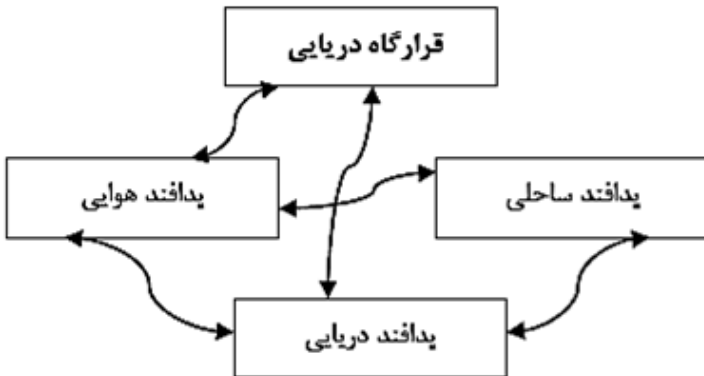
نبرد ناهمگون از دیدگاه شخصیت‌ها و مؤسسات مختلف نظامی و غیرنظامی به معنی رعایت موارد زیرین است:

- ✓ استفاده از نقاط ضعف و نقاط آسیب‌پذیر دشمن.
- ✓ استفاده از شیوه‌های کاملاً متفاوت با شیوه‌های عملیات‌های نظامی متعارف.
- ✓ استفاده از رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف.
- ✓ استفاده از فناوری‌های دور از انتظار یا روش‌های مبتکرانه.
- ✓ استفاده از روش‌های ناهمزمان.
- ✓ استفاده از ابداعات در زمینه فناوری و دکترین.
- ✓ استفاده از نیروهای نظامی کمتر و تاکتیک‌های غیرمتعارف.
- ✓ استفاده از شیوه‌های غیرمستقیم و فریب‌آمیز جهت تأثیرگذاری بر موازنه و برابری نیرو.
- ✓ استفاده از نبرد ناهمگون به عنوان یک سلاح انتخابی جهت صرفه‌جوئی در قوا.
- ✓ پرهیز از نقاط قوت طرف مقابل و تضعیف آنها.
- ✓ انجام برنامه‌ریزی و عملیات‌های ناگهانی.
- ✓ اجرای عملیات با هدف اذیت و آزار و نه دستیابی به اهداف متداول نظامی.
- ✓ سرمایه‌گذاری در توانایی‌ها و قابلیت‌های بی‌تناسب و ناهمگون پنهانی.

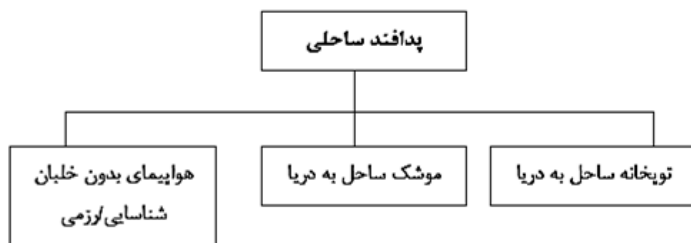
- ✓ تضعیف عزم و اراده.
- ✓ دستیابی به اهداف استراتژیک با نیروی تاکتیکی یا عملیاتی ضعیف‌تر.
- ✓ بروز این شیوه بین نیروهای نامتجانس و ناهمگون.
- ✓ اجرای تاکتیک‌هایی با هدف‌های کمتر و نامشخص‌تر.
- ✓ ایجاد درگیری خارج از اصل و قاعده.

• ساختار رزم قرارگاه دریایی

ساختار رزم قرارگاه به گونه‌ای پایه‌ریزی گردیده که بتواند با توجه به اطلاعات عملیاتی و فرماندهی و کنترل نوین، از نیروهای مستقر در ساحل و دریا و هوا در راستای مأموریت محوله به خوبی بهره‌برداری نماید. کلیات این ساختار و هریک به تنهایی به شرح شمای ذیل می‌باشند:



✓ ساختار پدافند ساحلی:



✓ ساختار پدافند هوایی:

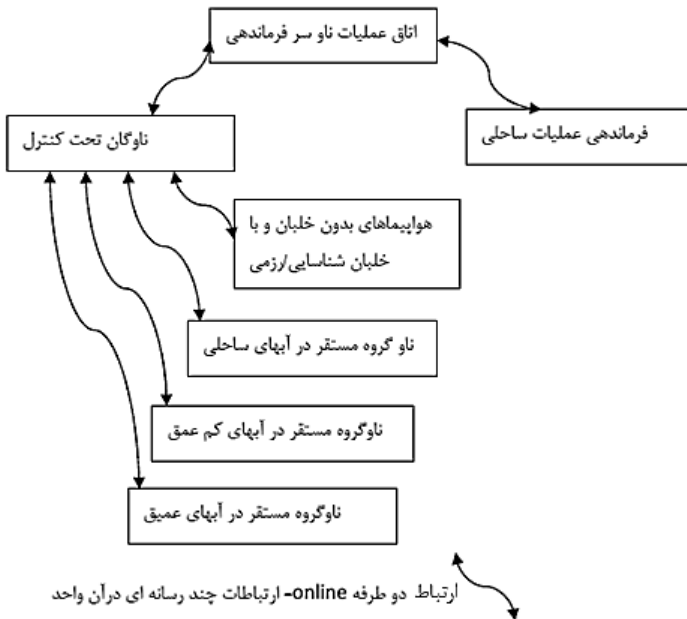


✓ ساختار پدافند دریایی به شرح زیر می‌باشد:

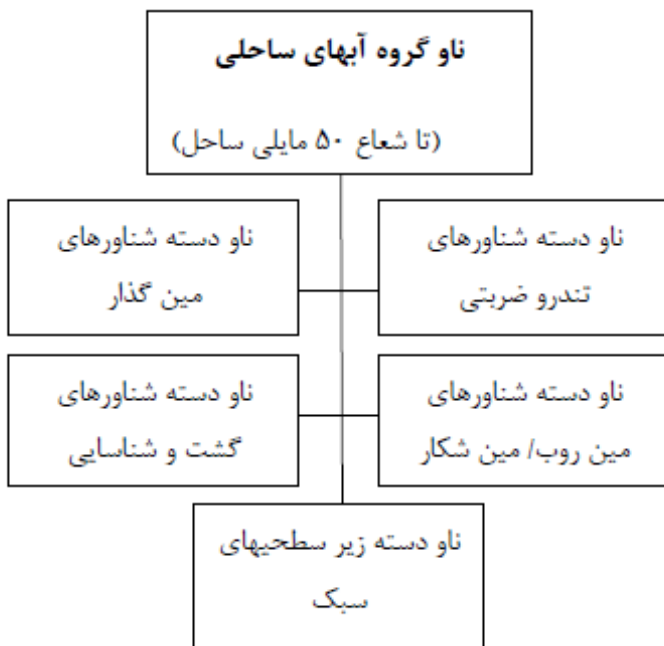
یگان‌های تحت امر در دریا در قالب ناوگروه‌ها و ناودسته‌ها و یگان‌های مستقل سازماندهی شده و نسبت به فاصله از ساحل در محدوده آب‌های ساحلی، آب‌های کم‌عمق و آب‌های عمیق، اجراء مأموریت می‌نمایند. ناو سرفرماندهی با اشرافیت تاکتیکی به موقعیت نبرد، هماهنگی لازم را با ناوگروه‌ها، ناودسته‌ها، یگان‌های مستقل و نیز مرکز فرماندهی و کنترل دریایی انجام داده و تصمیمات لازم متناسب با موقعیت‌های تاکتیکی را اتخاذ و برابر روش، گزارشات مربوطه را ارسال می‌دارد. از آنجا که وضعیت صحنه نبرد با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین می‌تواند برای تمامی

شناورهای مستعد و رزمی یکسان بوده و هرگونه تغییر یگان می‌تواند در آن ارسال شود، لذا تصویر منطقه عملیاتی برای همه یکسان بوده و امکان تصمیم‌گیری برای کلیه یگان‌ها در محدوده عملیات میسر می‌گردد. بنابراین، یگان‌هایی که در قالب ناوگروه، ناودسته و یگان‌های مستقل که در حال اجراء مأموریت می‌باشند، می‌توانند از امتیاز استقلال در تصمیم‌گیری برخوردار بوده و طبق طرح‌های مربوطه در محدوده مورد نظر انجام وظیفه نموده و نتیجه کار را به ناو سرفرماندهی گزارش دهند.

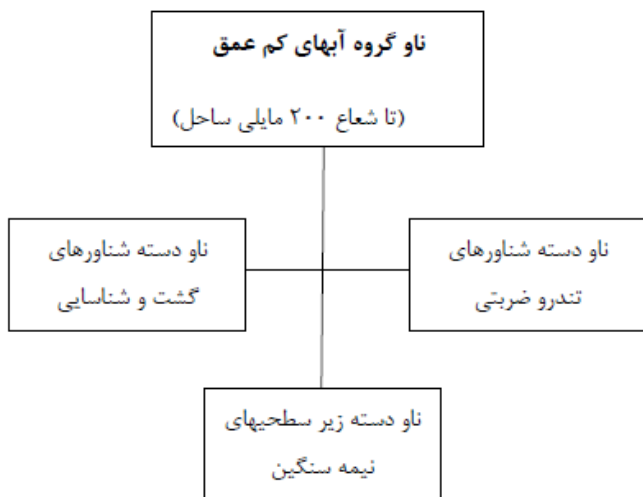
✓ ساختار پدافند در دریا به شرح زیر می‌باشد:



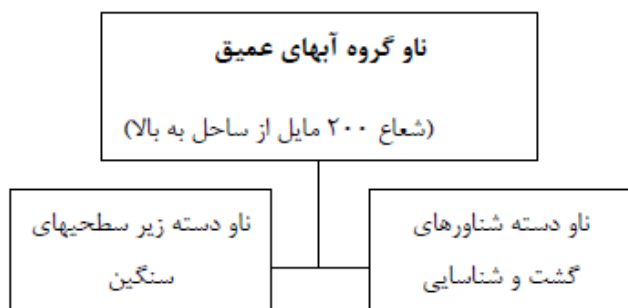
✓ ساختار ناوگروه ساحلی:



✓ ساختار ناوگروه مستقر در آبهای کم عمق:



✓ ساختار ناوگروه در آبهای عمیق:





## نتیجه‌گیری

با بررسی آثار و دیدگاه برخی از نظریه‌پردازان نظامی غرب و رهنامه نظامی آنها، مشخصات زیادی را برای تهدید و جنگ در آینده می‌توان استخراج نمود. از جمله، می‌توان موارد زیر را نام برد:

عملیات سریع و قاطع، راه‌اندازی ائتلاف و انجام عملیات مرکب، انجام عملیات تأثیرمحور یا مبتنی بر تأثیر، همزمان‌سازی قدرت، انجام عملیات غیرخطی، بکارگیری نیروهای ویژه، ارزیابی همه‌جانبه اطلاعاتی، درگیری همزمان در سطوح سه‌گانه، انجام عملیات پیشدستانه، استمرار عملیات تحت هر شرایطی در هر زمانی و مکانی به صورت ناپیوسته و نامتناوب، توسعه صحنه نبرد و نفوذ بر عمق هدف، تکیه بر عملیات روانی، حمله به مراکز ثقل، آفند مسطح، تهاجم هوایی و موشکی دقیق، مدیریت زمان، کاهش هزینه‌های جنگ، مدیریت آستانه تحمل ملت‌ها، تأکید بر عملیات سایبری و مجازی‌سازی جنگ، تغییر در نوع مانور، تکیه بر ابزارهای الکترونیکی و مخابراتی، رویکرد شبکه‌محوری به جنگ، بکارگیری تاکتیک ناهمپراز، ناهمگون و یا نامتقارن در جنگ‌های آینده، مد نظر قرار دادن ابعاد و جنبه‌های مختلف جنگ نرم، استفاده از توانمندی‌های پهباد، انتخاب راهبرد آمادی بر مبنای پشتیبانی متمرکز و پیوند هنر، علم و فناوری در جنگ‌های آینده.

جنگ‌های آینده با توجه به تعاریف و مشخصات مربوطه، به وسیله یگان‌های پرتحرک، چابک و کاملاً انعطاف‌پذیر صورت خواهد گرفت، که در این وضعیت، با

نگاه به آنچه که از نظر گذشت، باید پذیرفت که جنگ‌های آینده قابلیت‌محور خواهد بود.

بررسی رهنامه دشمن در جنگ‌های آینده نشانگر آن است که آنان همواره در جهت دستیابی به فناوری برتر تلاش می‌کنند. بنابراین، ما ناگزیر هستیم با درک صحیح از صحنه نبرد آینده، نه تنها فاصله خود را با دشمنان کاهش دهیم، بلکه شرایط را به نفع خود تغییر دهیم. آنجا که توانایی‌های فرماندهی و ابعاد روحی و روانی نیروهای مسلح برای دفاع و مقابله با دشمنان را در اختیار داریم و برتری روحی، مقاومت دلیرانه متکی بر ایمان الهی عامل اساسی در نبرد با دشمن خواهد بود و چنین توانایی‌هایی همراه با طرح‌های ناهمگون برای خنثی‌سازی و مقابله با زورمندی دشمنان کارآمد است، بنابراین، نیاز به تربیت و توجه به پرورش ویژگی‌های فرماندهی برای جنگ‌های آینده بسیار ضروری خواهد بود.

راه مقابله با راهبرد دشمن در جنگ‌های آینده و تهدید در برابر تهدید، بکارگیری مؤثر راهبرد دفاع ولایی بنیان مرصوص امام خمینی (ره) مشتمل بر چهار مؤلفه: رهبری و مرجعیت مقتدر دینی، جنگاوران ایمانی، پایداری توده‌ای مردمی و دستیابی به فناوری‌های روزآمد و تأثیرگذار تسلیحاتی است.

باید خاطر نشان کرد که اغلب نظریه پردازان نظامی غرب، با بیان برتری نظامی و نشان دادن توانایی، قابلیت‌ها، فناوری، اقتدار علمی، صنعتی و نظامی سعی دارند با ایجاد رعب و وحشت، در دل دشمنان خود وحشت بیندازند و خود را قدرت برتر نشان دهند. البته این تصور نادرست آنها است. در صورتی که در عمل نتوانسته‌اند تاکنون کاری از پیش ببرند. عنصر مهمی که می‌تواند در حال و آینده، معادلات یک جنگ را بر هم بزند، نیروی انگیزه، شهادت‌جویی و اراده ملت است که در پشتیبانی از دولت خویش برمی‌آیند. به تعبیر فرماندهی معظم کل قوا، «سلاح‌های مدرن و مرگبار در برابر ایمان، صبر و اخلاص ناکارآمد است و ملتی که ایمان و جهاد دارد، مغلوب سیطره قدرت‌های ستمگر نمی‌شود.»

راهبرد دفاع همه‌جانبه در دریا موضوعی است که در سطح دریا، زیر سطح و هوا و فضا و نیز در سواحل مشرف بر منطقه عملیات می‌بایستی به درستی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. دفاع در عمق و استفاده از آخرین فناوری ممکن در زیر سطح به گونه‌ای که بتوان زیردریایی را در حداکثر عمق و حداقل تا دو هفته بدون نیاز به هوا در زیر آب‌های منطقه عملیات نگه داشت، از مصادیق همین راهبرد است.

استقرار لایه‌های تدافعی در دریا با بهره‌گیری از تمامی عناصر عملیاتی دریایی (شناورها، زیردریایی‌ها، پهپادها، موشک‌های ساحل به دریا، توپخانه‌های دوربرد ساحلی همراه با پشتیبانی‌های هوایی و پدافندی و دیگر توانمندی‌های نیروهای مسلح)، در قالب فرماندهی و کنترلی یکپارچه و شبکه‌محور، از مصادیق تهدید در برابر تهدید است. همچنین، با توجه به دکترین دشمن و برتری هوایی، الکترونیکی و تسلیحاتی وی نسبت به نیروهای نظامی کشور ما، شیوه نبرد استفاده از نبردهای ناهمگون خواهد بود. دکترین رزم در برابر نیروهای با توان رزمی بسیار برتر در سه جمله زیر خلاصه می‌شود:

- پیدا نشده و شناسایی نشود.
- پیدا کرده و شناسایی بکنید.
- نابود کنید.

در راستای این دکترین، اصول رزم در برابر نیرویی با توان رزمی برتر بایستی در دو بعد طرح‌ریزی و اجرا گردد:

#### الف) اجرای آتش

- اجرای آتش از دورترین و پنهان‌ترین نقطه علیه مهاجم.
- اجرای آتش از غیرمحمتمل‌ترین نقطه علیه مهاجم

#### ب) اجرای رزم

- اجرای رزم از نزدیک‌ترین محل علیه دشمن.
- اجرای رزم از غیرمحمتمل‌ترین محل علیه دشمن.

کشورهایی که دارای دکترین راهبرد نظامی مستقل هستند، هرگونه تغییر اساسی در راهبرد نظامی، تأثیر مستقیم در تاکتیک‌های نظامی آنها دارد. در این کشورها، تاکتیک‌های نظامی بر مبنای تجربیت جنگی، شبیه‌سازی رایانه‌ای و روش‌های کمی بازنگری شده و متحول می‌شوند و سپس نتایج آنها در عملیات واقعی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

آنچه موجب می‌شود که تاکتیک در مقابل دشمن ناهمگون تغییر کند این است که ما مجبور شویم ترکیب بخصوصی از راهکارهایی را برگزینیم که قبلاً از آنها استفاده نکرده‌ایم و یا مجبور شویم گزینه‌های تازه و بدیعی را به کار ببریم. با وجود این، در عملیات ناهمگون نیز، اصول و قواعد رزم با ویژگی‌های خاص بر صحنه نبرد حاکم است و فرماندهان بایستی در حین مواجه شدن با دشمن ناهمگون، از میان مجموعه متنوعی از راهکارهای ممکن دست به انتخاب بزنند و راه حل برگزیده را با شرایط حاکم بر نقطه درگیری منطبق سازند.

در نبرد احتمالی کشور ما با آمریکا بایستی به مطالب زیر دقت بیشتری مبذول نمود، تا بتوانیم اهداف نظامی خود را در صورت رویارویی مستقیم نظامی با این ابرقدرت زیاده‌خواه پیش برده و عزت و افتخار ملی را به ملت خویش هدیه نماییم.

در حمله آمریکا به کشور ما، کل منطقه جغرافیایی کشور صحنه نبرد خواهد بود و دشمن توانایی نبرد در تمامی این صحنه را خواهد داشت. آمریکا به منظور پیروزی در جنگ از یکی از مهم‌ترین عوامل آن، یعنی جمع‌آوری آخرین اطلاعات دقیق از وضعیت کشورمان، که به وسیله هواپیماهای شناسایی تهیه می‌گردند، استفاده خواهد نمود. این اطلاعات بسیار سریع، بموقع و به طور مداوم، از مناطق حساس نظامی، سایت‌های موشکی، کارخانجات، محل تجمع نیروها و اهداف راهبردی تهیه و مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. جمع‌آوری این اطلاعات به منظور انهدام مراکز ثقل کشورمان در مرحله اول خواهد بود. مرکز ثقل آن دسته از امکانات و توانمندی‌های کشورمان در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فناوری

مؤثر می‌باشد، که در صورت انهدام آنها شرایط برای عملیات نظامی آمریکا در روی زمین بهتر فراهم خواهد بود.

به منظور حفاظت مراکز ثقل، اولین چیزی که بایستی مد نظر قرار گیرد، استفاده از این اصل دکترین رزم در برابر نیروی ناهمگون است که «پیدا نشده و شناسایی نشود».

به کار بردن اصول استتار و اختفاء اگرچه به علت توانایی دشمن در تشخیص آنها قابلیت اولین خود را از دست داده است، ولی ترکیب این اصول با پوشش و فریب تاکتیکی ضمن گمراه نمودن دشمن باعث به وجود آمدن فرصت‌هایی مناسب برای رزمندگان ما خواهد بود.

ما بایستی از اصل «پیدا کرده و شناسایی نکنیم» استفاده کرده و در زمان عادی و جنگ، نسبت به شناسایی پایگاه‌ها، محل‌های استقرار نیروها، مسیرهای تقرب، استعداد سازمان و تجهیزات و شرکت‌های اقتصادی پشتیبانی‌کننده نیروهای نظامی آمریکا در کشورهای همسایه، کشورهای حاشیه خلیج فارس، عربستان سعودی و... اقدام کرده و متناسب با شرایط هر کشور طرح‌ریزی‌های لازم را برای انجام عملیات تلافی‌جویان پی‌ریزی بنماییم.

اعزام گشتی‌های برد بلند، استفاده از نیروهای آموزش‌دیده، مخصوص و استفاده از مخالفان محلی کشورهای فوق می‌تواند در این زمینه امکانات خوبی را برای ما فراهم نماید. لذا برنامه‌ریزی در این زمینه از لحاظ اجرای آموزش‌ها و تمرینات عملی، فراهم کردن منابع، از هم اکنون در کشورهای فوق و تعیین مسیرهای تقرب برای دسترسی به این مناطق دشمن بسیار مهم خواهد بود. علاوه بر این، می‌توان با طرح‌ریزی مناسب از امکانات آتش‌های دوربرد توسط راکت‌ها و موشک‌ها که به صورت متحرک و از نقاط مختلف قادر به اجرای مأموریت می‌باشند، استفاده کرده و از هم‌اکنون با هماهنگی لازم بین یگان‌های موشکی نسبت به تعیین سایت‌های پرتاب، دیپوسازی مهمات، آماده نمودن تأسیسات و پناهگاه‌های لازم جهت مخفی شدن این نوع جنگ‌افزارها در زمین و دریا بعد از حمله و مهم‌تر از همه مشخص نمودن اهداف آنها اقدام نمود، که این

امر مستلزم مدیریت این نیروها در بعد وسیع و توسط یک سیستم فرماندهی واحد و مستقل می‌باشد، یعنی یکپارچه‌سازی این نیروها.

با توجه به اینکه کل منطقه جغرافیایی کشور صحنه نبرد خواهد بود، لذا از هم‌اکنون بایستی محورهای نفوذی احتمالی (هوا، دریا، زمین) را در سطح کل کشور شناسایی و نسبت به تعیین و اختصاص نیرو به این محورها اقدام نمود و با اجرای تمرینات بدون تیراندازی و صرفاً به منظور شناسایی و بررسی منطقه مورد نظر توسط این یگان‌ها، طرح‌ریزی‌های لازم برای عملیات آتی صورت پذیرد. بررسی منطقه عملیات نقش بسیار مهمی در نبرد آتی ما با آمریکا خواهد داشت، لذا یگان‌ها بایستی با آمایش و بررسی دقیق منطقه واگذاری، بهترین ایده‌های عملی را جهت انجام مأموریت به کار برند.

در راستای شناسایی و بررسی دقیق زمین و دریا، با استفاده از نقشه، کاوش زمینی و هوایی و دریایی و همچنین، سیستم GPS بایستی رزمگاه‌ها و نقاط انهدامی و محل‌های کمین را مشخص و در جهت آماده‌سازی آنها اقدام نماییم و زمانی که بهترین نقاط به عنوان رزمگاه انتخاب گردید، با توجه به مقدرات و محدودیت‌های سلاح‌های خود، آتش‌ها را طوری تقسیم نماییم که ضمن داشتن تقاطع با یکدیگر، امکان اجرای آنها از چندین نقطه تأثیر لازم را نیز داشته باشد. با بهره‌برداری از موقعیت بررسی شده می‌توان تفرقه کارکنان و تجهیزات را با استفاده از شرایط به خوبی طرح‌ریزی کرد و از هم‌اکنون نسبت به تهیه پناهگاه‌های مناسب برای آنان اقدام نمود. علاوه بر آن، زمانی که منطقه واگذاری به صورت کامل آمایش و بررسی شد، می‌توان طرح‌های لازم را برای مین‌گذاری آفندی و پدافندی اقدام نمود. با بررسی کامل موقعیت، بایستی بهترین نقاط جهت هدایت نیروهای تحت امر را انتخاب و همچنین، قرارگاه‌های فرماندهی متحرک نیز پیش‌بینی نمود تا در صورت انهدام قرارگاه‌های ثابت، مشکل کنترل و فرماندهی نیروها وجود نداشته باشد.

ادامه یک نبرد به پشتیبانی مداوم آمادی از نیروهای مانوری نیاز دارد و به علت اینکه دشمن از برتری هوایی و همچنین امکانات کشف اهداف زمینی و

دریایی و هوایی در طول شبانه روز برخوردار است، لذا با انهدام خطوط مواصلاتی خودی، عملاً پشتیبانی از نیروهای مستقر در رزمگاه‌ها را غیرممکن خواهد نمود، لذا بایستی پیش‌بینی آمادها به مدت یک تا سه ماه را معمول داشت. همچنین، ممکن است زمانی که دشمن در دستیابی به اهداف خود بر اثر مقاومت نیروها با مشکل عمده روبه‌رو شود از عوامل شیمیایی، میکروبی و یا بمب‌های هسته‌ای کوچک تاکتیکی نیز استفاده نماید، لذا لازم است که در زمین نسبت به تهیه سنگرهای ایزوله شده مناسب زیرزمینی، حداقل برای هر دسته، در مناطق نزدیک به رزمگاه‌ها اقدام و نسبت به ذخیره‌سازی آمادهای لازم به مدت معین اقدام نمود از دیگر اقداماتی که در عملیات خودی در برابر آمریکا مد نظر می‌باشد، اجرای عملیات مردم‌یاری است. مسلماً غیرنظامیانی که در منطقه مسئولیت یگان‌ها قرار دارند، از حملات مستقیم و غیرمستقیم نیروهای آمریکایی آسیب خواهند دید، لذا لازم است به منظور یاری رساندن به این غیرنظامیان، طرح‌های مختلفی تهیه و به صورت گزینشی تمرین و منابع آن نیز از قبل آماده گردد.

با توجه به اینکه یکی از اولین طرح‌های آمریکا در حمله به نیروهای نظامی از بین بردن سیستم کنترل و فرماندهی حریف می‌باشد و به محض قطع ارتباط، شیرازه نیروها از هم پاشیده خواهد شد، لازم است از تکیه به سلسله مراتب عریض و طویل خودداری گردد، چرا که سیستم فعلی جوابگو نیست و عملاً هیچ‌یک از فرماندهان قادر به تصمیم‌گیری نبوده و منتظر دریافت جواب از رده بالا می‌باشند، لذا بایستی مبنای نبرد علیه آمریکا در سطح گردان (در دریا در حد ناوشکن و زیردریایی) باشد، که این گردان به صورت کامل خودکفا گردیده و از لحاظ پشتیبانی منابع، محتاج رده بالاتر از خود نبوده و فرماندهان گردان، گروهان، دسته و تیم‌ها قدرت تصمیم‌گیری در مقابل بحران‌های بوجودآمده را داشته باشند. زمانی ما می‌توانیم در مقابل آمریکا مقاومت کرده و اهداف خود را عملی نماییم که بتوانیم قدرت تصمیم‌گیری را به فرماندهان تیم‌ها القاء کنیم، چون در اصل، تیم‌ها هستند که پایه و اساس یگان‌ها را تشکیل می‌دهند. این گردان‌ها بایستی ضمن آشنایی کامل به منطقه، بتوانند کلیه رزمایش‌های خود را در آن

انجام دهند. البته بیان رزمایش به معنی اقدامات عملی همراه با تیراندازی نیست، بلکه فرمانده گردان با بررسی دقیق و همه‌جانبه منطقه عمل خود می‌تواند ماکت مناسبی از این منطقه تهیه و با اجرای رزمایش روی نقشه، افراد خود را با شرایط موجود آشنا نماید. کارکنان این گردان‌ها بایستی توانایی اجرای جنگ‌های شبکه‌محور را داشته باشند، یعنی اینکه در منطقه واگذاری به صورت تیمی عمل نموده و در اصل، این تیم‌ها هستند که به صورت شبکه‌محور با دشمن درگیر می‌شوند. برای رسیدن به چنین هدفی، گردان‌ها بایستی سبک و چابک شوند تا بتوانند عملیات را انجام داده و سریعاً جابه‌جا شوند.

نقش ارتباط در هر عملیاتی به عنوان سلسله اعصاب آن معرفی می‌گردد و بدون ارتباط مطمئن امکان اجرای هیچ‌گونه عملیات مناسبی وجود ندارد. من با انهدام سیستم ارتباط و کنترل به عنوان اولین و اصلی‌ترین هدف خود، درصدد قطع ارتباط فرماندهان با نیروهای تحت امرشان است. لذا بایستی از هم‌اکنون با بهره‌گیری از امکانات موجود، نسبت به تأمین خطوط ارتباطی در بین رزمگاه‌ها و فرماندهان یگان‌ها به صورت چندجانبه اقدام شود، یعنی می‌توان علاوه بر استفاده از سیستم‌های سنتی از فیبر نوری در زمین و سیستم ماهواره‌ای مطمئن در دریا و هوا استفاده نمود.

از جمله اقداماتی که آمریکا در جنگ‌های مشابه در منطقه انجام داده، این است که با انهدام رادارها، فرودگاه‌ها و هواپیماها، چشم نیروهای حریف را کور کرده؛ لذا این کشورها به علت عدم استفاده از این امکانات قادر به شناسایی تهدیدات عمده دشمن نبوده‌اند، لذا بایستی با تحول در سیستم آموزشی و سازماندهی یگان‌ها، نسبت به آموزش دیدبانان با سیستم‌های جایگزین اقدام و حرکت و مسیر تقرب هواپیماها، موشک‌های کروز و نیروهای عمده دشمن را شناسایی و اقدام لازم را انجام دهیم. برای این کار وجود یک ارتباط مطمئن حیاتی است. دشمن با تکیه بر قدرت هوایی و دریایی و موشکی خود، هرگونه حرکات نیروهای خودی در جهت ضربه زدن به نیروهایش را زیر آتش شدید قرار



خواهد داد؛ لذا انجام رزم نزدیک با دشمن و نبرد با وی استفاده وی از آتش‌های مربوطه را خنثی خواهد کرد.

بایستی توجه داشت که برتری هوایی و موشکی و توان اجرای آتش‌های پرحجم متعارف و غیرمتعارف توسط دشمن، اجرای پدافند به صورت خطی و کلاسیک را ممکن کرده و لذا بایستی دفاع را به صورت لایه به لایه و در عمق امتداد محورهای نفوذی اجرا کرده و با گسترش انواع سلاح‌ها در عمق، نسبت به زیر آتش قرار دادن دشمن و نابودی وی اقدام نماییم.

با برتری هوایی دشمن، امکان تحرک و جابه‌جایی نیروهای منظم و بخصوص یگان‌های زرهی و موتوریزه ما کاهش می‌یابد؛ لذا در نحوه استفاده از این نوع تجهیزات بایستی از شیوه‌های نو استفاده کرده و با تهیه استحکامات در دامنه ارتفاعات مشرف بر مناطق عملیاتی از آتش تانک‌ها بهره‌برداری نمود و نبایستی نسبت به حذف این نوع سلاح‌ها در صحنه نبرد اقدام کرد، زیرا در این صورت، عملاً وضعیت آفندی خود را در صورت نیاز از دست داده و کارایی تانک‌های خود را به حداقل کاهش خواهیم داد. در سطح دریا نیز، برقراری لایه‌های مختلف دفاعی همراه با پدافند و پشتیبانی مستحکم هوایی ضروری می‌باشد.

با توجه به گستردگی صحنه نبرد، بالگردها نقش مهمی در عملیات زمینی و جابه‌جایی نیروها و حمله به اهداف و استحکامات و حفاظت نیروی زمینی مهاجم ایفا می‌کنند. بنابراین، بایستی زمینه لازم توسط نیروهای پیاده خودی برای این امر فراهم گردد؛ لذا نیروهای آموزش‌دیده پیاده می‌توانند عملاً پرواز هواپیما و بالگردهای دشمن را با سلاح‌های دوش پرتاب محدود کرده و امکان آزادی عمل بالگردهای خودی را فراهم نمایند.

بررسی جنگ عراق نشان می‌دهد که رایانه‌های ارتش آمریکا و رادارهای زمینی آنها چنان مسیر گلوله‌های پرتاب‌شده از سوی آتشبارهای نیروهای عراقی را ردگیری و محاسبه می‌کردند، که قبل از اینکه نیروهای عراقی موفق شوند دومین سری گلوله‌ها را فروریزند، با آتش ضدآتشبار متحدین منهدم می‌گردیدند؛ لذا با تجربه از این درس و با عنایت به اینکه در یک عملیات ناهمگون دشمن از

توانایی و برتری نظامی در عملیات هوایی، کشف اهداف و زمینی... برخوردار است، بایستی تغییراتی در شیوه و روش‌های به کار بردن یگان‌های توپخانه به کار گرفته شود، تا بتوان حداقل پشتیبانی آتش زمینی را برای یگان‌های درگیر، بالأخص در دریا را فراهم نمود. دشمن در مقابل جنگ فرسایشی و بالا رفتن تلفات به شدت آسیب‌پذیر است، چرا که ضمن از بین رفتن روحیه نیروهایش، افکار عمومی ملت آمریکا نیز تحمل این چنین جنگ‌هایی را ندارد. در نتیجه، بایستی تمهیدات لازم در جهت فرسایشی نمودن جنگ احتمالی و انجام عملیات نامنظم و چریکی به منظور وارد آوردن حداکثر تلفات شدید به دشمن را طرح‌ریزی و در دریا تمامی تلاش را برای وارد نمودن خسارات با هر شدتی عملی نماییم.

از طرفی دیگر، جنگ‌های مدرن ما را به سوی دوران جدیدی از تحولات سوق می‌دهند که هم از لحاظ دامنه و هم از لحاظ ابعاد بی‌سابقه هستند. این رویکرد جدید باعث تغییر تحول در ساختار کلی جنگ‌های آینده گشته است و ماهیت جنگ‌های آینده را نیز تغییر داده است و یک ناهمگونی ایجاد کرده است. لذا شناخت تعاریف ناهمگونی و همگونی در جنگ‌های آینده لازم است، چرا که برای اتخاذ چنین شیوه‌ای، باید با مفهوم و ویژگی‌های ناهمگونی آشنا شد و روش جنگ دشمن را تحلیل و متناسب با آن راهکارهای مناسب را طرح‌ریزی نمود. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که این چنین جنگی یک جنگ نو و تازه نیست، بله در طی قرون متمادی، جنگجویان همواره به دنبال راهی برای استفاده از روشی برای خنثی کردن و اجتناب از اعمال قدرت دیگری در جنگ‌ها علیه همدیگر با تکیه بر نقاط قوت خود علیه نقاط ضعف دشمن بوده‌اند و در هر گوشه و کنار دنیا همواره از راهبرد ناهمگون سود می‌جستند. اما آنچه که جدید است و باید به آن توجه داشت، ویژگی‌ها و تاکتیک‌های جدید جنگ‌های ناهمگون و همچنین ویژگی‌های صحنه نبرد آینده می‌باشد، چرا که جنگ ناهمگون از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده و نیازمند یک تصمیم‌گیری راهبردی برای کسب موفقیت در صحنه عملیات و نبرد است.

ترکیب لایه‌های دفاعی در دریا و بهره‌گیری از فناوری روز اطلاعات موجب می‌گردد که ضمن رعایت اصول دفاع ناهمگون در دریا، نیروهای عمل‌کننده قادر باشند در قالب نیرویی شبکه‌محور، علیرغم فواصل دور جغرافیایی از یکدیگر، به متابله نیروی واحد عمل نموده و تأثیرات عمیقی بر نتایج جنگ بگذارند. همچنین، می‌توان با توجه به راهبرد دفاع همه‌جانبه و تهدیدات خارجی و داخلی، راه‌های مقابله با تهدیدات از دیدگاه مقام معظم فرماندهی کل قوا را در یک نگاه در جدول زیر مشاهده نمود و متناسب با آن پیش‌بینی‌های لازم را معمول داشت:

اهداف	روش‌ها	عوامل	راه‌های مقابله
هدف اصلی: نفی حکومت دینی بر محور دین و محور امامت سایر اهداف: ۱- تخریب وحدت ملی ۲- تخریب ایمان و باورهای دینی مردم (بخصوص در جوانان) ۳- تخریب روح امید و آینده در ذهن مردم (بخصوص در جوانان) ۴- ایجاد ناامنی در کشور از طریق تحریک احساسات ۵- نشان دادن آینده مبهم و تیره و تار و آس در ملت ۶- بزرگ جلوه دادن وقایع کوچک ۷- نفوذ در ارکان حکومت و نظام مقدس ج.ا. ۸- اعمال سلطه طاغوتی بر مملکت ۹- هدف قراردادن امنیت ملی کشور ۱۰- ایجاد گسست بین نسل کنونی و نسل گذشته ۱۱- کوچک کردن افتخارات گذشته نظام مقدس ج.ا. ۱۲- بازگرداندن ایران به وابستگی دوران رژیم گذشته ۱۳- سلب هویت ملی و در مشت خود قرار دادن ۱۴- مسموم کردن فضای فکری و فرهنگی و سیاسی کشور ۱۵- تبدیل کردن حکومت مردمی دینی ایران به یک حکومت وابسته انحصاری	روش اصلی: روش فرهنگی (شپخون فرهنگی) سایر روش‌ها: ۱- روش سیاسی ۲- روش اقتصادی ۳- روش نظامی ۴- روش تبلیغاتی ۵- روش جاسوسی و اطلاعاتی تقسیمات دیگر: ۱- تقابل نظری (فرهنگی) ۲- تقابل عملی (سیاسی، اقتصادی، تبلیغی، نظامی و ...)	عوامل اصلی: ۱- آمریکا (استکبار جهانی) ۲- رژیم صهیونیستی (صهیونیسم بین‌المللی) عوامل داخلی: ۱- منافقین ۲- نفوذی‌ها ۳- ضد انقلاب ۴- متحجرین ۵- منحرفین ۶- غیرخودی‌ها ۷- بدخواهان ۸- مرعوبین ۹- فرصت‌طلبان ۱۰- مغرضین ۱۱- لیبرال‌ها (ملی‌گراها) ۱۲- ورشکستگان سیاسی ۱۳- زخم‌خورده‌های انقلاب ۱۴- غافلین ۱۵- دگرانديشان ۱۶- تفاله‌ها و پس‌مانده‌های رژیم گذشته ۱۷- اصلاح‌طلبان آمریکایی ۱۸- ارازل و اوباش و اشرار ۱۹- طمع‌ورزان و غارتگران	۱- اتکاء و ایمان به خداوند ۲- وحدت کلمه در زیر سایه اسلام ۳- هوشمندی و هوشیاری (مسئولین و مردم) ۴- حضور مردم در صحنه ۵- صبر، استقامت و ایستادگی مردم ۶- آگاهی و بصیرت (مسئولین و مردم) ۷- رهبری (ولایت فقیه) ۸- بسیج ۹- مراقبت (مواظبت) ۱۰- آمادگی (نیروهای مسلح و مردم) ۱۱- نیروهای مسلح (ارتش، سپاه و...) ۱۲- برقراری امنیت (خارجی) ۱۳- بیداری (مسئولین و مردم) ۱۴- مجاهدت (جهاد و تلاش) الف- جهاد رزمی ب- جهاد سیاسی ج- جهاد فرهنگی د- جهاد سازندگی (اقتصادی)

			<p>۱۶- جدا کردن مردم از اسلام و مسئولان نظام مقدس ج.ا.</p> <p>۱۷- هدف قرار دادن رهبری نظام مقدس اسلامی</p> <p>۱۸- متوقف کردن روند مستمر انقلاب و پیشرفت کشور</p> <p>۱۹- مبارزه با اسلام</p> <p>۲۰- استحاله ملت ایران</p> <p>۲۱- ناکارآمد جلوه دادن نظام</p> <p>۲۲- از بین بردن نهضت بیداری اسلامیدر دنیا و کانون مرکزی آن</p> <p>۲۳- دل چرکین کردن گروه‌های جامعه نسبت به یکدیگر</p> <p>۲۴- منفعل کردن مقاومت مقاومت مردم</p> <p>۲۵- جدا کردن ج.ا از مسلمانان دیگر کشورها</p> <p>۲۶- تحریف حقایق ایران و انحراف افکار عمومی</p>
--	--	--	---

والسلام

## منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)؛ «تهدید اجتماعی شده، رویکردی تازه در تهدید سیاسی» مندرج در فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، شماره ۲۷.
- بوزان، بری (۱۳۷۸)؛ مردم، دولت‌ها و هراس؛ ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حیدری، عبدالمجید (۱۳۸۳)؛ جنگ و نظریه بین‌المللی در جهان سوم؛ فصلنامه مطالعات ایران و عراق (نگین ایران)؛ شماره ۹، سال سوم.
- خبیری، کابک (۱۳۸۲)؛ راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران (ملزومات و راهکارها)؛ فصلنامه راهبرد دفاعی، مرکز تحقیقات استراتژیکی دفاعی، سال اول شماره ۱.
- درویشی سه‌تلانی، فرهاد (۱۳۷۴)؛ تهدیدات امنیت ملی یک چهارچوب نظری؛ مجله سیاست دفاعی.
- دیدگاه مشترک در حال تکامل: جنگ مشترک آمریکا و حل بحران در قرن ۲۱، گزارش سفید (واشنگتن، دی.سی، ستاد مشترک، ۷ ژانویه ۲۰۰۳).
- راهبرد نظامی وزارت دفاع، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۳.
- رحمان‌زاده، بهروز (۱۳۸۸)؛ جنگ ناهم‌تراز بالقوه علیه کشور و اقدامات بازدارنده متقابل؛ فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال ششم شماره ۱۵. تهران. انتشارات دافوس.

روش عملیات دریایی نیروی دریایی اجا (رعد ۱)  
(۱۳۸۲)؛ سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، معاونت تحقیقات و  
برنامه‌ریزی؛ فصلنامه پژوهش و سنجش؛ سال دهم شماره ۳۴  
سعادت‌راد، علیرضا (۱۳۸۹)؛ *آموزه‌هایی از جنگ ناهم‌تراز علوم و فنون  
نظامی*؛ تهران؛ انتشارات دافوس؛ سال هفتم، شماره ۱۶.  
سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴؛ مجمع  
تشخیص مصلحت نظام.  
شعبانی، طیب (سرتیپ ۲) (۱۳۷۹)؛ *بازدارندگی در جمهوری اسلامی ایران*؛  
فصلنامه دفاعی استراتژیکی، سال یکم، شماره ۴.  
شکوئی، حسین (۱۳۸۹)؛ *توانمندی پهباد در جنگ‌های آینده*؛ فصلنامه علوم  
و فنون نظامی؛ تهران، انتشارات دافوس؛ سال هفتم؛ شماره ۱۸.  
طحانی، غلامرضا و عبدالرضا داناطوسی (۱۳۹۰)؛ *سیادت دریایی در نبردهای  
قرن بیستم*؛ تهران، انتشارات دافوس.  
عسکرخانی، ابومحمد (۱۳۷۷)؛ *سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح  
و کنترل تسلیحات هسته‌ای*؛ مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۵.  
عسگری، محمود (۱۳۹۰)؛ *جنگ نرم عرصه دفاع ملی*؛ تهران، انتشارات  
دانشگاه امام صادق و سازمان عقیدتی اجا؛ چاپ دوم.  
قدیری، نیلوفر (۱۳۸۴/۱/۲۷)؛ *ژئوپلیتیک نفت ایران و آمریکا*؛ همشهری  
دیپلماتیک، شماره ۴۴.  
کلینتون، سرهنگ جی انکر و سرهنگ دوم مایکل دی بورک (۱۳۸۳)؛  
دکترین نبرد نامتقارن؛ ترجمه سیاوش دانیالی؛ ماهنامه خلیج فارس ۳ امنیت؛  
سال پنجم، شماره ۴۲.  
گارن هام، دیوید (۱۳۷۹)؛ *ضرورت‌های بازدارندگی*؛ ترجمه سعید کافی،  
تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرمانده و ستاد، دوره عالی جنگ.

گزارش سفید W&CRJ.34

گزارش سفید W&CR 21

لغت‌نامه معین (۱۳۸۷)؛ ج ۱

محبیان، امیر (۱۳۹۰/۸/۲۷)؛ *سناریوهای محتمل تهدید علیه ایران؛ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)*.

مختاری، مجید (۱۳۸۰)؛ *جنگ نامتقارن، استراتژی مناسب برای چه کسی؟؛ ماهنامه نگاه؛ شماره ۳۷*.

معنوی، عبدالله؛ *زمان رزم دریایی؛ اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران؛ ۲۸ لغایت ۳۰ بهمن ۱۳۹۱*.

معنوی، عبدالله (۱۳۹۷)؛ *مدارده درجه؛ تهران، ایران سبز*.

(۱۳۸۶)؛ *مقدمه‌ای بر جنگ غیر همتراز؛ انتشارات فرماندهی و ستاد اجا (دافوس اجا)؛ معاونت آموزش*.

مکنزی، کنت (۱۳۸۲)؛ *جنگ نامتقارن؛ ترجمه عبدالمجید حیدری و محمد تمنایی؛ تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ*.

(۱۳۸۸)؛ *مروری بر مفاهیم جنگ و بررسی تأثیر ویژگی جنگ‌های آینده بر سیاست دفاعی؛ مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی*.

(۱۳۸۳)؛ *جنگ نرم؛ مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر؛ تهران*.

(۱۵ آگوست ۲۰۰۲)؛ *نبرد عملیاتی مشترک سوفولک USJFCOM:VA*؛

پژوهشگاه آینده‌های مشترک.

Joseph S.Nze, *Soft Power (2000); the Means to Success in World Politics*, New York; Public Affairs.

John orme T Deterrence Failures (1987); *A Second Look*; International Security 11/ No.4.

(Nov. 2003); *Joint Operations Concepts – Department of Defense Joint Experimentation; Transformation and Concepts Division (JETCD)*.

Joint task force head quarter; JP3-33/2010.

Joseph S.Nye (2004); *Soft Power: the Means to Success in World Politics*; New York: Public Affairs.

Robert Jervis (1984); *The Illogic of American Nuclear Strategy*; Ithaca, NY: Cornell University Press.

*The OODA Loop, Intuition and Strategic Thought*;  
Lieutenant Colonel Jeffrey N. Rule – United.